

کیمپین ۴۰۵

tirgan
KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۱ تا ۱۷ فروردین ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۷۱

UNITED
A BRIDGE TO FREEDOM



«اپوزیسیون»

و انقلاب ملی



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۷۱ (۴۰۵)

جمعه ۱۱ تا ۱۷ فروردین ماه ۱۴۰۲

۳۱ مارس تا ۶ آوریل ۲۰۲۳



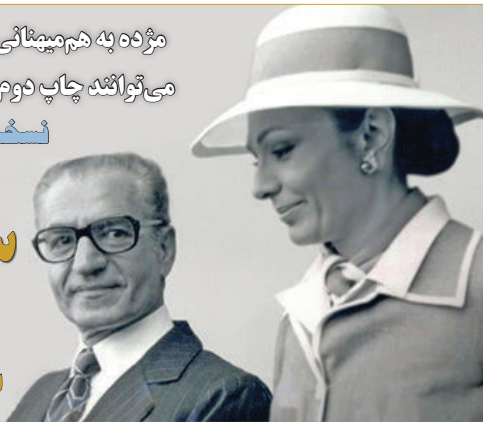
مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی‌زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisscau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

۴ مقاله - سالی که بهارش از امید به آزادی سرشار است / الاهی بقراط
۴-۵ «اپوزیسیون» و انقلاب ملی ... / حامد محمدی
۶ پیام نوروزی شاهزاده رضا پهلوی به ملت ایران ... /
۶ پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت نوروز ... /
۷-۸ برگزاری کنفرانس «همستگی؛ پلی به سوی آزادی» در تورنتو ... /
۸ تأکید شاهزاده رضا پهلوی بر ضرورت «تروریستی اعلام کردن سپاه ... /
۹ دولت‌های غربی تا کی به امید «تغییر رفتار» جمهوری اسلامی ... /
۱۰ نامه سرگشاده درسی امین روز اعتصاب غذای وحید بهشتی فعال سیاسی به مقامات ... /
۱۱ دست دادن یا ندادن، مسأله این است! ... (۶) ... / احمد احرار
۱۲-۱۴ آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۴) ... / دکتر هوشنگ نهانندی
۱۵-۱۶ گفتگو با امیر طاهری در مورد ادیرانگرای و انقلاب ملی ایرانیان ... /
۱۶-۱۷ ثبت شکایت شماری از آسیب دیدگان و نایبانشان سر کوب مسلحانه در ... /
۱۸ ۱۳ شهرستان ایران در وضعیت قرمز ... /
۱۹ رقم تحقیر آمیز حداقل دستمز در سال جدید ... /
۲۰ بحران جهانی آب و مشکلات فزاینده در ایران به دلیل تغییرات اقلیمی و ... /
۲۱ آنالیز پیمانهای انتخاباتی جمهوری اسلامی در ارتش اوکراین ... /
۲۲ کمک آمریکا به آلبانی برای مقابله با حملات سایبری ... /
۲۳ مأموریت منطقه‌ای شمخانی به دستور خامنه‌ای: باز کردن کانال‌های ارزی و ... /
۲۴-۲۵ مرگ مشکوک آرش فروزنده جمالی؛ مرگ‌های مشکوک و سازمانیافته ... /
۲۵-۲۶ جرمه‌های کلان برای «بدحجابی»؛ تلاش برای کاهش جنبش انقلابی به ... /
۲۶-۲۷ نزدیکی چین و روسیه بیشتر برای فشار بر غرب است اما اگر به اتحاد ... /
۲۸-۲۹ «سیگنال» مدعیان «نوسازی حکمرانی» از تهران به پکن برای میانجیگری ... /
۲۹-۳۰ چرادر قدرت ماندن ولادیمیر پوتین در روسیه برای چین فرصت به ... /
۳۱ لاف خامنه‌ای درباره اقتصاد ایران؛ عقب ماندگی صنعت نفت و گاز ... /
۳۲ واکنش فوری بیکن: تحویل پول‌های بلوکه شده به رژیم ایران ... /
۳۲ وزارت خارجه آمریکا: رفتارهای تروریستی رژیم ایران در دوران بایدن افزایش ... /
۳۳ گزارش یک پولپاشی؛ تقدیم ۹۰۰ میلیارد تومان پول مردم ایران به ... /
۳۴-۳۵ گفتگو با نویسنده «مومو و دوستانش»؛ داستان‌هایی با کودکان توانمند ... /
۳۶-۳۷ «زمین سوخته»؛ راهبردارتس سایبری جمهوری اسلامی ... /
۳۸-۳۹ کاهش قدرت خرید علت تغییر «الگوی سفر» خانوارهای ایرانی ... /
۳۹ طبیعت میزبان ماست حرمت آن را نگاه داریم ... /
۴۰-۴۱ ۷۷۳ میلیون دلار خسارت ناشی از قطع اینترنت در ایران ... /
۴۱ شبکه‌های تأمین تجهیزات پایدی و موشکی جمهوری اسلامی ... /
۴۲ جمهوری اسلامی از روسیه تجهیزات جاسوسی و «جیمینگ» برای اختلال ... /
۴۳ «تغییر رژیم با حمایت از خیزش ضد حکومتی» تنها گزینه غیر نظامی برای ... /
۴۴-۴۵ ایرانی که می‌تواند باشد ... / مریم معمار صادقی
۴۵ علی ماجدی: اروپایی‌ها و آمریکا روی اپوزیسیون به عنوان آلت‌ناتیونال ... /
۴۶ نقد جمعی از ملی‌گرایان و میهن‌دوستان ایرانی بر منشور همستگی و سازماندهی ... /
۴۷ رهبر تراشی از مریم رجوی به اسم اپوزیسیون «داخل ایران»! ... /
۴۸ پشت جلد - عکس هفته / نوروز ۱۴۰۲

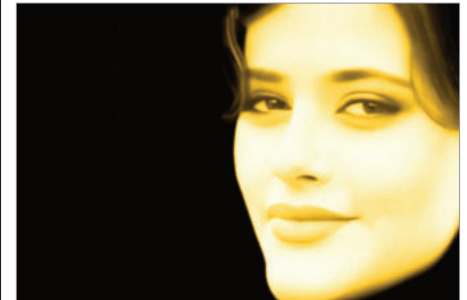
بازنشر
بازنشر



«اپوزیسیون» و انقلاب ملی

سرمقاله سالی که بهارش از امید به آزادی سرشار است

در سالی که گذشت همبستگی ملی ایرانیان فراتر از گوشه و کنار کشور در شهرهای مختلف جهان به نمایش گذاشته شد و مهسا (ژینا) امینی در تداوم رنج‌ها و تلاش‌های زنان و مردانی که در سال‌های پیش از آن، برای آزادی، برای حقوق اولیه و برای کرامت انسانی در زندان و خیابان جان بر کف گرفتند



و مانند همه جوانانی که فراتر از نام‌های خود در جنبش آزادیخواهی و خاطره‌ی جمعی جامعه ثبت شده‌اند به «دختر ایران» و نماد انقلاب ملی برای آزادی تبدیل شد. آتش خیزش انقلابی که در ادامه‌ی اعتراضات سال‌های گذشته در اواخر شهریورماه ۱۴۰۱ با قتل حکومتی مهسا شعله‌ور شد، جهان را از نیرو و ظرفیت آزادیخواهانه‌ای که در بطن و متن جامعه ایران در تلاطم است به شگفتی و تبعیت از خود واداشت. نیرویی که پیشینه‌ی آن به بیش از یک قرن پیش و انقلاب مشروطه می‌رسد. انقلابی که هدفش ضداستبدادی و محدود کردن «قدرت» اعم از مذهبی و عرفی و مهار اختیارات زمامداران بود تا بر حق و اختیار «ملت» از جمله با تأسیس مجلس شورای ملی بیفزاید.

برخی فراموش می‌کنند که پادشاهان فقید پهلوی اتفاقاً برای تحقق اهداف آزادیخواهانه‌ی مشروطه، از جمله و به ویژه در مورد حقوق زنان، مجبور شدند و مجبور بودند، برخی مفاد ارتجاعی قانون اساسی مشروطه را که با نفوذ ملایان مرتجع در متمم آن نیز تشدید شده بود، نادیده بگیرند! اعتراض و مخالفت روحانیت مرتجع و امثال روح‌الله خمینی علیه پهلوی‌ها، از جمله با تکیه بر «نقض قانون اساسی» صورت می‌گرفت! سال‌ها بعد با انقلاب ارتجاعی ۵۷ مشروعه‌خواهان قانون اساسی مورد پسند خود را تنظیم کردند. هر آنچه هم از اصول مترقی مانند «تفکیک قوا» و «اصل برائت» و یا آزادی اجتماعات به تعارف در آن آمده، از یکسو بر اساس زیربنای شکل گرفته در «ایران نوین» به جمهوری اسلامی تحمیل شد و از سوی دیگر با اما و اگرهای اسلامی محدود و از محتوا تهی و استفاده از این حقوق در عمل با سرکوب وحشیانه روبرو گشت! اکنون سال‌هاست که هرآنچه به عنوان ملت و حقوق انسانی و هویت ملی و تاریخ مدون و فرهنگ ایرانی که جمهوری اسلامی تلاش می‌کرد از میان بردارد، از درون جامعه فوران کرده و سر برکشیده است.

از کشف حجاب که «فمینیسم اسلامی» و جنبش زنان وابسته به اصلاح‌طلبان در دهه هفتاد و هشتاد نتوانست آن را منحرف کند تا «رضاشاه روح شاد» به عنوان یادآور ایران و ایرانیانی که می‌خواهند در امتداد مشروطه و پهلوی‌ها دوباره در شاهره تمدن و جهان نوین قرار بگیرند آنهم در حالی که حکومت اسلامی شیوه‌ی جان مملکت از اقتصاد و محیط زیست تا فرهنگ و روح و روان ملت را مکیده است.

ایرانیان راه و چاره‌ای جز به پیروزی رساندن انقلاب ملی خود ندارند و این بهار بیش از هر زمان دیگری سرشار از امید به آزادیست.



● در حالی که جمهوری اسلامی برای بقای خود از هیچ جنایتی علیه ملت و از هیچ خیانتی علیه مملکت رویگردان نیست، اعتراضات در بطن جامعه ادامه دارد و تحریکات «اپوزیسیون» در خارج کشور گسترش یافته است.

حکومت از هیچ جنایتی پروا ندارد

مقامات غربی به ویژه رهبران اروپا که هنوز برای قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی تردید دارند می‌دانند که جمهوری اسلامی از هیچ جنایتی علیه ملت و هیچ خیانتی علیه مملکت رویگردان نیست! تیس رثوتن نماینده هلند در پارلمان اروپا در هفته‌ای که گذشت در یک سخنرانی گفت «خامنه‌ای و سپاه تردیدی درباره کشتن مخالفانشان ندارند». این سخنرانی در بخشی از ویژه برنامه «معتضان ایرانی به اروپا: یا با سپاه یا با ما» بود که چهارشنبه شب نهم فروردین ۱۴۰۲ برگزار شد.

از سوی دیگر، تظاهرات گسترده مردم در «چهارشنبه‌سوری» نشان داد با وجود سرکوب وحشیانه اما اعتراضات همچنان آتش زیر خاکستر است. در اولین هفته‌ی سال نو، حسن کرمی فرمانده یگان‌های ویژه نیروی انتظامی خیزش ضدحکومتی اخیر را «آبرفته» خواند و گفت «پوشش ۴۰۰ نقطه برای مقابله با اعتراض‌های احتمالی در سال جدید در دستور کار این نهاد نظامی قرار گرفته است.» در شرایطی که اعتراضات خیابانی کاهش یافته طیف‌های مختلف سیاسی در خارج کشور می‌خواهند پیش‌رانه‌ای برای ادامه حرکت‌های اعتراضی در داخل باشند. احزاب و گروه‌ها و فعالان سیاسی در «اپوزیسیون» در برخی موارد که مهم‌ترین آن براندازی یا سرنوختن جمهوری اسلامی است اشتراک نظر دارند اما مجموعه وسیعی از اختلافات نیز بین آنها وجود دارد: رهبری، شکل سرنوختن نظام، آینده سپاه پاسداران و نیروهای موازی، شکل نظام آینده و نوع حکمرانی سراسری و غیره که به حکومت فرصت تبلیغات و تخریب و تحریف و به چالش کشیدن مخالفان را می‌دهد. در این میان، در نیمه نخست فروردین‌ماه گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی با شعار «همبستگی» و با هدف گذار از حکومت اسلامی به سوی دموکراسی چند نشست برگزار کردند.

هفت ماه پس از آغاز دور تازه‌ای از اعتراضات ضدحکومتی در ایران که نه تنها خود معتضان آن را «انقلاب» خوانده‌اند بلکه به باور بسیاری تحلیلگران نیز دارای نشانه‌های یک «انقلاب» است، زمامداران جمهوری اسلامی با تمام قوا برای حفظ قدرت و جلوگیری از فروپاشی نظام دست به کار شده‌اند.

فشارهای داخلی و بین‌المللی کار را برای حکومت چنان دشوار کرده که علی شمخانی دبیرشورای عالی امنیت ملی به عنوان فرستاده ویژه علی خامنه‌ای مأموریت گرفت با میانجیگری چین کمونیست رابطه با عربستان سعودی را به عنوان پدرخوانده‌ی حکومت‌های عربی منطقه بهبود بخشد تا شاید با یک «توافق امنیتی» روزنه‌ای برای خروج از بحران ارزی باز شود حتی اگر موقت باشد. خامنه‌ای و سایر عوامل نظام به روی خود نمی‌آوردند که تا همین چند ماه پیش سران سعودی را «گاو شیرده آمریکا» می‌خواندند و امارات و بحرین را به خاطر عادی ساختن روابط با اسرائیل تهدید به اقدام نظامی می‌کردند. از سوی دیگر، بر اساس گزارش منابع امنیتی غربی، روس‌ها در ازای دریافت پیمانچه‌ی انتحاری، خمپاره و گلوله تانک برای استفاده در جنگ علیه اوکراین، به جمهوری اسلامی تجهیزات جاسوسی و شنود و فناوری سایبری تحویل داده‌اند تا برای شناسایی مخالفان حکومت و هک ایمیل‌ها، اکانت‌ها و اطلاعات شخصی آنها استفاده کند.

یک دیپلمات سابق جمهوری اسلامی متمایل به جریان اصلاح‌طلب به نگارنده می‌گوید «جمهوری اسلامی دو راه بیشتر ندارد یا تن به اصلاحات ساختاری خواهد داد یا شرایط دشواری در کوتاه مدت پیش روی خود و کشور خواهد گذاشت. یک اصلاح ساختاری و فراگیر به نفع کشور است.» وی در ادامه تأکید می‌کند: «به دلایل متعدد اعتقاد ندارم که تحولات جاری پایان کار [جمهوری اسلامی] است بلکه میانه‌ی یک روند رو به تشدید است.»

در این نشست که بنیاد فرهنگی «تیرگان» پنجم فروردین ماه در تورنتو برگزار کرد، علاوه بر شاهزاده رضا پهلوی برخی چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی از جمله حامد اسماعیلیون، مسیح علینژاد، عبدالله مهدی، نازنین بنیادی و همچنین آزاده رجحان نماینده پارلمان سوئد، دانیال ایلخانی پور نماینده پارلمان ایالتی در آلمان، رضا مریدی، مایک پارسا و علی احساسی سیاستمداران ایرانی-کانادایی، نرگس اسکندری شهردار فرانکفورت آلمان و شماری دیگر از چهره‌های سیاسی جامعه ایرانیان خارج کشور سخنرانی کردند. «ضرورت قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی» یکی از موضوعات اصلی مطرح شده در این نشست بود. اغلب سخنرانان نیز تأکید کردند که بر اساس «حداقل اصول مشترک» گرد هم آمده‌اند. رضا پهلوی بر اهمیت «اتحاد»، «مدار» و تکثرگرایی و «صندوق رأی» به عنوان تنها روش عادلانه و منطقی برای وزن‌کشی سیاسی تأکید کرد. مسیح علینژاد فعال حقوق زنان گفت مردمی که در ایران به خیابان‌ها آمدند «از هم نرسیدند گردی، تُرکی، یا بلوچی» و حامد اسماعیلیون فعال دادخواهی نیز عنوان کرد «خانواده‌های دادخواه می‌توانند به عنوان الگوی مبارزه باشند».

دیدگاه‌های مختلفی از سوی مخاطبان از جمله در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در مورد این نشست مطرح شد. برخی خوشبینانه آن را حرکتی در جهت همصدایی با مردم داخل ایران توصیف کرده و می‌گویند کسانی که حاضر نبودند کنار هم بنشینند با وجود اختلاف نظرهایی که دارند با هم جمع شده و گفتگو کردند و همین را یک گام مهم ارزیابی می‌کنند. استدلال آنها این است که درون رژیم هم اختلاف وجود دارد اما برای حفظ نظام همبسته عمل می‌کنند بنابراین نیروهای مخالف هم اگرچه با یکدیگر اختلاف دارند اما می‌توانند برای سرنگونی جمهوری اسلامی همبسته عمل کنند.

منتقدان این نوع نشست‌ها اما می‌گویند کسانی که امروز شعار همبستگی می‌دهند، با پیشینه‌ی غیرقابل دفاع تا همین اواخر به «مماشات با رژیم» مشغول بودند ضمن اینکه برخی که به عنوان «اپوزیسیون» در این اقدامات حضور دارند، با نقاب «همبستگی» و اسم رمز «فدرالیسم» و «خودمختاری» به جدایی و تجزیه ایران فکر می‌کنند. برخی دیگر از منتقدان می‌گویند همبستگی با کسانی که تا دیروز برای انتخابات جمهوری اسلامی و به سود جناح اصلاح طلب رژیم تبلیغ می‌کردند به معنی موج‌سواری آنها بر انقلاب ملی و سوء استفاده از شاهزاده به عنوان «سرمایه ملی» است! آنها می‌خواهند این «سرمایه» را به سود عقاید خود خرج کنند! برخی دیگر نیز مطرح می‌کنند که طرح «دادخواهی» به عنوان الگوی مبارزه‌ی سیاسی که دامنه و فرآیندی بسیار گسترده دارد، چیزی جز کژراهه نیست اگرچه دادخواهی و دادخواهان در این انقلاب ملی نقش برجسته دارند با اینهمه جزئی از یک کل به شمار می‌روند.

گروهی از منتقدان این نشست در ارتباط با نشست دانشگاه «جرج تاون» و «منشور همبستگی» نیز که بعداً منتشر شد، نقدهایی را مطرح کرده‌اند. آنها معتقدند یک منشور که برای همبستگی جهت گذار از جمهوری اسلامی تنظیم شده، از یکسو می‌بایست بسیار فراگیر و عام می‌بود بطوری که پشتیبانی حداکثری مخاطبان را جذب کند و از سوی دیگر نمی‌بایست در مفادی به آنچه بپردازد که به آینده و پس از جمهوری اسلامی مربوط می‌شود. موافقان منشور مربوطه اما معتقدند که پنج امضاکنده‌ی آن با هم اختلافاتی داشتند اما بر سر حداقل‌های خود در این منشور به توافق رسیده‌اند.

نشست «شرایتون»

یک روز بعد از نشست «تیرگان» بیش از ۱۰۰ نفر از فعالان

سیاسی و قومی در «شرایتون پارک وی هتل» در شمال تورنتو گرد آمدند. نازنین افشن جم، ناهید بهمنی، زرین محی‌الدین، شهریار آهی، فریدون احمدی، مهران براتی، فؤاد پاشایی، مهرداد حریری، حسن شریعتمداری، رضا مریدی، خالد عزیزی، منوچهر مقصدونیا، مسعود نقره‌کار، یوسف عزیزی بنی‌طرف و عطا هودشتیان و شماری دیگر به عنوان برگزارکنندگان و سخنران این نشست معرفی شده‌اند.

اغلب حاضرین پیشتر اعلام کرده بودند که «جمهوریخواه» هستند. حسن شریعتمداری در این نشست گفت «اگر جمهوریخواهان پایگاه تعدادی بیشتری دارند باید از نظر ترکیبی تعداد بیشتری در این تجمیع برخوردار شوند». مهران براتی فلسفه‌ی این کنفرانس را «برقراری دیالوگ بین نیروهای سیاسی ملی داخل ایران» دانست. خالد عزیزی به نمایندگی از «حزب دموکرات کردستان» گفت «ایران چندملیتی و چندکشوریست». شماری از مهمانان هم اعلام کردند همچنان که نظام جمهوری اسلامی را می‌پذیرند نظام «پادشاهی» را نیز به عنوان شکل حکومت آینده رد می‌کنند.

برخی از مهمانان این نشست مخالفت خود را با «منشور همبستگی» به این دلیل اعلام کردند که در آن بر «یکپارچگی سرزمینی» ایران تأکید شده است. بعضی از آنها نیز مخالفت خود را با پهلوی‌ها تکرار کردند. چند تن از مهمانان در آغاز نشست هنگام پخش سرود «ای ایران» از سالن خارج شده و برخی نیز حاضر نشدند طوری در کادر تصویر فیلمبرداری قرار بگیرند که پرچم ملی شیروخورشید در پشت آنان باشد. با اینهمه برخی نشست این افراد را در جایی که پرچم شیروخورشید در صحنه نصب شده بود، گامی مؤثر برای تقویت همبستگی می‌دانند. شماری اما به ترکیب و مواضع حاضرین در این نشست انتقاد داشته و مطرح کرده‌اند که مگر این افراد چند درصد از مردم ایران را نمایندگی می‌کنند؟! آیا آنها شعارهای کف خیابان را نشنیده‌اند؟! این منتقدان همچنین تأکید می‌کنند که برخی سخنرانان این نشست نه تنها اعلام کرده‌اند شکل حکومت مشروطه و پادشاهی در آینده را حتی با رأی مردم نخواهند پذیرفت بلکه هدف‌شان تجزیه کشور و حکومت قبیله‌ای و قومی و فرقه‌ای مانند افغانستان و عراق است! این نکته نیز از سوی منتقدان مطرح شده که بعضی از حاضرین در این جلسه از توافق اتمی غرب با جمهوری اسلامی نیز حمایت می‌کرده‌اند و مخالف تحریم‌ها علیه رژیم ایران بودند.

نشست «استفورد»

در کنفرانس «گفتگو برای گذار به دموکراسی سکولار ایران» که در دانشگاه استفورد در روزهای پنجم و ششم فروردین برگزار شد، بنا بر اطلاعیه‌ی این دانشگاه بیش از ۱۰۰ کارشناس و فعال جامعه مدنی حضور داشتند. هدف از برگزاری این نشست بررسی مسائل «عبور از جمهوری اسلامی» عنوان شد. عباس میلانی مدیر برنامه مطالعات ایرانی در این دانشگاه از گردانندگان این نشست بود. شماری از ناظران و تحلیلگران، گردهمایی ایرانیان در سطوح متخصصان و دانشگاهیان را مثبت ارزیابی می‌کنند. به نظر آنها، چنین گردهمایی‌هایی نشان می‌دهد صدای انقلاب ایران به گوش تکنوکرات‌ها در خارج کشور نیز رسیده است و پیوستن این لایه از جامعه مهاجران ایرانی به انقلاب می‌تواند باعث افزایش ریزش‌های درونی نظام شود.

منتقدان اما می‌گویند شماری از حاضرین در این نشست افرادی هستند که به اسم «اصلاحات ساختاری» و «تحولخواهی» به دنبال «جمهوری دوم» هستند و تبار سیاسی آنها به جریان اصلاح‌طلبان یا بازوهای برون‌مرزی آنها و لابیگران حکومت می‌رسد و اکنون می‌خواهند موج‌سواری کنند. آنها که بدبین‌تر به این نشست‌ها نگاه می‌کنند چنین

نشست‌هایی را حتا به پروژه‌های نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی برای انحراف در انقلاب ملی به سود نظام و خانواده‌های مافیایی آن که در طول چهار دهه کشور را غارت کرده‌اند، مرتبط می‌کنند.

تحركات سیاسی در خارج کشور گسترش می‌یابد

در ادامه سلسله نشست‌های سیاسی قرار است شماری از مشروطه‌خواهان نیز روز جمعه ۱۸ فروردین در دانشگاه واشنگتن جلسه‌ای برگزار کنند. امیر طاهری، رضا تقی‌زاده، عرفان قانع‌فر، سعید قاسمی نژاد، امین سوفیامهر، حجت کلاشی و بابک شکرآبی سخنرانان این نشست هستند. این گروه معتقدند برای استقرار دموکراسی و حقوق بشر در ایران، اولین و مهمترین اصلی که باید حول آن متحد شد «حفظ تمامیت ارضی» کشور است. آنها می‌گویند نمی‌شود زیر عکس «رهبران تجزیه‌طلب» نشست و ادعا کرد «دنبال تجزیه ایران نیستیم». همچنین جمهوریخواهان نیز نشست‌هایی تدارک دیده‌اند از جمله «پنج‌گروه جمهوریخواه» که باهم ائتلاف کرده‌اند دوشنبه ۳ آوریل در دانشگاه «سواس» لندن جلسه خواهند داشت. همزمان با این تحركات، اقدامات و جلسات دیگری نیز با موضوع ایران پیگیری شد. شاهزاده رضا پهلوی در جریان سفر به تورنتو با پیر پولیور رهبر حزب محافظه‌کار کانادا و معاونش ملیسا لانتسمن عضو پارلمان کانادا دیدار و گفتگو کرد. شورای مدیریت گذار، حزب مشروطه ایران (لیبرال دموکرات) و «شورای ملی تصمیم» پیمان همکاری بستند. سوم فروردین شماری از فعالان حقوق اقلیت‌های دینی با جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران در ژنو دیدار کردند.

بیم‌ها و امیدها

در چنین شرایطی پرسش‌های زیادی در مورد چشم‌انداز سیاسی ایران مطرح می‌شود:
آنچه در خارج کشور از سوی افراد و گروه‌های مختلف مطرح می‌شود تا چه اندازه در داخل ایران برای عموم مردم که مستقیم با جمهوری اسلامی درگیرند اهمیت دارد؟
با توجه به ترکیب ناهمگون «اپوزیسیون» خارج کشور، دستیابی به یک «همبستگی سیاسی» با برآیندی که به نفع انقلاب ملی ایران باشد چقدر زمان خواهد بُرد؟
عوامل و مهره‌های حکومت در خارج کشور تا چه اندازه در جریان‌سازی درون «اپوزیسیون» دخالت دارند؟
کدام ایده و جریان بیشتر صدای مردم داخل ایران را نمایندگی می‌کند؟

با وجود ابهامات چگونه می‌توان تشخیص داد که حرکت کدام جریان براساس منافع ملی است و کدام افراد و گروه‌ها پول‌شمار خود را به انقلاب ایران وصل کرده‌اند؟
آیا «اپوزیسیون» ظرفیت نمایندگی صدای مردم داخل را در خارج کشور دارد؟

تاچه‌اندازه طیف‌های مختلف سیاسی آمادگی دارند شکاف‌ها و اختلافات خود را به نفع ملت و مملکت ایران کنار بگذارند؟
رقابت‌ها، اختلافات، وزن‌کشی یا شکاف‌هایی که طبیعت کار سیاسی است تا چه اندازه احتمال دارد به جریان اصلی انقلاب در داخل ایران لطمه بزند؟

آیا افراد و احزاب مدافع دموکراسی و حقوق بشر در خارج کشور حاضرند برای تقویت «همبستگی ملی» که در ایران وجود دارد و در شعارهای مردم در سراسر کشور بازتاب یافته، به تقویت روند انقلاب بپردازند؟

این پرسش‌ها به همراه بیم و امید در شرایطی مطرح است که شنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۲ چهل چهار سال از رفتارندوم «جمهوری اسلامی آری یا نه» می‌گذرد و ملی‌گرایان در خارج کشور خود را برای برگزاری تظاهرات علیه حکومت در هشت شهر بزرگ دنیا آماده می‌کنند.

پیام نوروزی شاهزاده رضا پهلوی به ملت ایران:

عزم و اراده ملی شما برای رهایی میهنمان مقصدی جز پیروزی ندارد



ظلم، و پس از آن، ساختن ایرانی آزاد، آباد، مرفه و مقتدر، تنها با حفظ اتحاد و همبستگی ملیمان ممکن است. پاینده ایران!
هر روزتان نوروز! نوروزتان پیروز!

برای پدران و مادرانی که جوان از دست داده‌اند، فرزندی کنید، و برای فرزندانمان که پدر و مادر از دست داده‌اند، حق پدری و مادری را به جا آورید.
هوای هم‌دیگر را داشته باشید که به زیر کشیدن این رژیم

هم‌میهنان عزیزم!
فرا رسیدن نوروز باستانی، و آغاز بهاری نو را به شما شادباش می‌گویم.

سالی که گذشت، سال درخشش و سرفرازی ملت ایران بود. شما در این سال، در مقابل یکی از ستمکارترین رژیم‌های تاریخ، حماسه‌ای به نام زن، به نام زندگی و به نام آزادی آفریدید، و پس از چندین سال مبارزه جانانه و میهن‌پرستانه، سرانجام توانستید جهانیان را به تحسین دلیری و بزرگی خود وادارید.

عزم و اراده ملی شما برای رهایی میهنمان از اشغال ضحاک و ضحاکیان، و رسیدن به آزادی و رفاهی که لایقش هستید، مقصدی جز پیروزی ندارد. راهی که در پیش گرفته‌اید، درخشان است. در این راه است که اراده ایرانی بر رژیم ضدایرانی غلبه خواهد کرد. چون مبارزه شما نه از سر ایدئولوژی‌های موهوم، که بر سر عشق‌تان به سرزمین کهن‌مان، به کشور عزیزمان، ایران است. شما می‌خواهید ایران را پس بگیرید و آن را با جان و دل‌تان از نو بسازید.

در این راه، یاد و نام جان‌باختگان دلیر میهن، فانوس روشنی‌بخش ماست. آنان همیشه زنده‌اند و یادشان به ما انگیزه می‌بخشد. در این روز و سال نو، بار دیگر از شما می‌خواهم که یار و یاور خانواده‌های آن جاویدنامان باشید.



نوروزتان فرخنده باد و به امید آزادی ایران در سال نو.
نور بر تاریکی پیروز خواهد شد.

در عین حال نوروز باستانی نشانه‌ی پایداری، تداوم و هویت ملی و پیام‌آور پیروزی راستی بر دروغ است و آنرا با جان و دل ارج می‌گذاریم.

پیام شهبانو فرح پهلوی به
مناسبت نوروز:

ملت ما سوگوار است اما نوروز باستانی پیام‌آور پیروزی و پایداری و تداوم و هویت ملی است

نوروز که در همه حال پیام‌آور شادی و امید است، امسال در شرایطی برگزار می‌شود که ملت ما در سوگ از دست‌رفتگان خود است. صدها زن و مرد جوان و دختران و پسران نوسال، با شعار «زن - زندگی - آزادی» در رویارویی با نیروهای توحش و تاریکی جان باختند. نام و یادمانشان در لوحه تاریخ ایران زمین جاودانی است.

من در این نوروز به مادران و پدران داغدار آنها فکر می‌کنم، و به هزاران ایرانی آزاده‌ی در بند و نو جوانانی که در مدارس ایران مسموم شده‌اند فکر می‌کنم و به میلیون‌ها هم‌میهن در تلاش معاش فکر می‌کنم که قربانی توحش و بی‌کفایتی زمامداران نظام کنونی هستند و ساعت تحویل را در سکوت خواهند گذراند.

برگزاری کنفرانس «همبستگی؛ پلی به سوی آزادی» در تورنتو

شاهزاده رضا پهلوی: بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، ایران سوریه نخواهد شد



نشست «همبستگی» در تورنتو / ۵ فروردین ۱۴۰۲ / ۲۵ مارس ۲۰۲۳

خارج کشور خواست از صدای خود برای همراه کردن سیاستمداران کشورهای خود با مردم ایران استفاده کنند. او افزود: «مردم ما سالهاست از اینکه جهانیان صدای آنها را نشنیده‌اند خسته شده‌اند، اما جهانیان اکنون می‌خواهند صدای آنها را بشنوند، زیرا فهمیده‌اند که وضعیت کنونی دیگر برای آنها هم سودمند نیست.»

شاهزاده رضا پهلوی خاطر نشان کرد: «مردم ایران فراموش نخواهند کرد که در مسیر مبارزه برای آزادی، چه کشورهایی در کنار آنها بودند و چه کشورهایی با آنها همراه نبودند.»

یکی از مسائلی که وی در این نشست به آن اشاره کرد امنیت در فردای ایران پس از عبور از رژیم بود. رضا پهلوی گفت: «هدف ما این است که اطمینان بدهیم که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی خلاء ایجاد نمی‌شود. ایران سوریه نمی‌شود. ما از همه منابع داخل ایران و خارج برای ساخت ایران استفاده خواهیم کرد.»

علینژاد: همبستگی را از مردم کف خیابان یاد بگیریم

مسیح علینژاد فعال حقوق زنان در سخنانی گفت: «وقتی مردم ایران کف خیابان با هم یکی هستند یک ایران متکثر رنگین‌کمانی، رنگین‌کمان کیان پیرفلک، از کردستان تا زاهدان از خوزستان تا آذربایجان تهران شیراز اصفهان را نشان می‌دهند. از اعتراضات دی‌ماه تا آبان هیچ‌کدام در خیابان از هم نپرسیدند که عقیده شما چیست؛ بهم نگفتند مشروطه‌خواهی یا جمهوریخواهی؟! یا از جامعه ال‌جی‌بی‌تی هستید! نپرسیدند گُردی، تُرکی، یا بلوچی ولی بهم یک چیز را گفتند؛ اینکه ما جمهوری اسلامی را نمی‌خواهیم، جمهوری اسلامی در شأن ما نیست. مردم کف خیابان بلد هستند علی‌رغم اختلافاتشان با هم باشند. ما از مردم کف خیابان یاد بگیریم منتقد و مخالف هم باشیم اما پنجه به صورت هم نکشیم، متحد باشیم و تصویری از یک ملت یکپارچه نشان دهیم.»

اسماعیلیون: رسیدن به پیروزی سازماندهی می‌خواهد

حامد اسماعیلیون سخنگوی پیشین انجمن خانواده قربانیان «پرواز ۷۵۲» در سخنانی گفت: «رسیدن به پیروزی در این انقلاب با امید ممکن است جایی برای ناامیدی نیست و بهترین الگوها برای ما خانواده‌های دادخواه هستند. ←

علینژاد، عبدالله مهتدی، نازنین بنیادی و همچنین آزاده رجحان نماینده پارلمان سوئد، دانیال ایلیخانی پور نماینده پارلمان ایالتی در آلمان، رضا مریدی سیاستمدار ایرانی-کانادایی، مایکل پارسا سیاستمدار ایرانی-کانادایی، نرگس اسکندری شهردار فرانکفورت آلمان و شماری دیگر از چهره‌های سیاسی جامعه ایرانیان خارج کشور سخنرانی کردند. در بین مهمانان کنشگران مدنی و فعالان سیاسی و حقوق بشری از طیف‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی و فکری حضور داشتند.

رضا پهلوی در سخنانی ابراز امیدواری کرد که امسال آخرین نوزد در تبعید برای ایرانیان خارج کشور باشد. وی گفت: «راه رسیدن به آزادی در ایران از مسیر اتحاد و تکتگرایی می‌گذرد.»

وی افزود: «قلب ما با زندانیان سیاسی و جوانان کردستان، بلوچستان و سایر نقاط کشور است که برای آزادی ایران می‌جنگند. بگذارید به رنگین‌کمان کیان پیرفلک و به آرزوهای توماج صالحی برسیم. نگذاریم خون نیکایا به هدر برود. همدیای و اتحاد به مردم ایران برای ادامه مبارزه امید می‌دهد.»

رضا پهلوی عنوان کرد: «ما در طول تاریخ بهای زیادی پرداخته‌ایم و اکنون زمان آن رسیده است که بهره آن را بگیریم. این بر عهده ما است که در یک کشور ۸۵ میلیون نفری بتوانیم زیر یک سقف با اندیشه‌های مختلف، همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشیم.»

او در ادامه بار دیگر بر ضرورت اتحاد تا روزی که همه ایرانیان بتوانند در یک انتخابات آزاد شرکت کنند تأکید کرد و گفت: «از آنچه که صندوق رای تعیین خواهد کرد، نترسیم. روش وزن‌کشی سیاسی تنها صندوق رای است، نه چیز دیگر. قانون کشور باید حق اقلیت را در برابر اکثریت تضمین کند.»

وی ادامه داد: «اگر در کشوری یک ایدئولوژی بخواهد بر ایدئولوژی‌های دیگر برتری داشته باشد، در آن کشور آزادی رخ نخواهد داد. به قول احمد کسروی به آخوندها حساب خود را پس داده‌ایم، اما ارزش آزادی اندیشه و جدایی دین از حکومت را درک کرده‌ایم.»

رضا پهلوی با اشاره به فرصت تاریخی مردم ایران برای همراه کردن جامعه جهانی با خیزش انقلابی خود، از ایرانیان

● در نشست «همبستگی» که به ابتکار سازمان فرهنگی «تیرگان» برگزار شد علاوه بر شاهزاده رضا پهلوی برخی چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی از جمله حامد اسماعیلیون، مسیح علینژاد، عبدالله مهتدی، نازنین بنیادی، آزاده رجحان نماینده پارلمان سوئد، دانیال ایلیخانی پور نماینده پارلمان ایالتی در آلمان، رضا مریدی سیاستمدار ایرانی-کانادایی، مایکل پارسا سیاستمدار ایرانی-کانادایی، نرگس اسکندری شهردار فرانکفورت آلمان و شماری دیگر از چهره‌های سیاسی از جامعه ایرانیان خارج کشور سخنرانی کردند.

● رضا پهلوی: «از آنچه که صندوق رای تعیین خواهد کرد، نترسیم. روش وزن‌کشی سیاسی تنها صندوق رای است.»

● حامد اسماعیلیون: «رسیدن به پیروزی در این انقلاب با امید ممکن است جایی برای ناامیدی نیست و بهترین الگوها برای ما خانواده‌های دادخواه هستند.»

● عبدالله مهتدی: «مسئله‌ای که فکر می‌کنم این جمع را نسبت بهم جلب کرد این بود که با وجود اختلاف نظرها بتوانیم کنار هم بنشینیم و به منشوری دست پیدا کنیم که نه آیه قرآن است و نه قانون اساسی آینده ایران اما نشانه‌ای از خواست ما برای دستیابی به یک دموکراسی متکثر است.»

● مسیح علینژاد: «از مردم کف خیابان یاد بگیریم منتقد و مخالف هم باشیم اما پنجه به صورت هم نکشیم، متحد باشیم و تصویری از یک ملت یکپارچه نشان دهیم.»

● نرگس اسکندری شهردار فرانکفورت آلمان: «جمهوری اسلامی به ما نشان داد ضد انسان است و انسانیت در این رژیم وجود ندارد. وظیفه ما این است که به جهان نشان دهیم این رژیم دیگر نباید باشد.»

نشست «همبستگی پلی به سوی آزادی» با حضور شماری از مخالفان جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۵ مارس (پنجم فروردین) در شهر تورنتو برگزار شد.

در این نشست که به ابتکار سازمان فرهنگی «تیرگان» برگزار شد علاوه بر شاهزاده رضا پهلوی برخی چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی از جمله حامد اسماعیلیون، مسیح

تأکید شاهزاده رضا پهلوی بر ضرورت «تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» از سوی کانادا



دیدار رضا پهلوی با سیاستمداران کانادایی از حزب محافظه‌کار

ضمن حمایت از مردم در مصاحبه‌ای با شبکه سی‌بی‌سی اعلام کرده بود که حزب محافظه‌کار از سیاست تغییر رژیم در ایران حمایت می‌کند.

پارلمان کانادا اواسط آبان ماه ۱۴۰۱ با توافق همه احزاب سیاسی خواستار برکناری جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن ملل متحد شد. این طرح از سوی ملیسا لانتسمن ارائه شده بود که در پارلمان کانادا به تصویب رسید.

وی در توییتی با انتشار تصویری از جلسه‌ای که این نمایندگان با شاهزاده رضا پهلوی داشتند نوشت «مفتخرم که با ولیعهد ایران درباره تعهدمان برای کمک به ملت شجاع ایران دیدار کردم.»

در جریان نشست «همبستگی؛ پلی به سوی آزادی» شماری از نمایندگان و مقامات سیاسی کانادایی- ایرانی نیز حضور داشتند. یکی از آنها علی احساسی رئیس کمیسیون خارجی پارلمان کانادا و عضو حزب لیبرال بود.

شماری از فعالان سیاسی مطرح کرده‌اند که چرا دولت لیبرال کانادا از قرار دادن سپاه در لیست گروه‌های تروریستی و همچنین تحریم علی خامنه‌ای تحت قانون ماگنیتسکی خودداری می‌کند.

بسیاری از اعضای حزب لیبرال در سال ۲۰۱۸ به تروریستی اعلام شدن سپاه در کانادا رأی ندادند. شماری دیگری از آنها نیز حامی بازگشایی سفارت جمهوری اسلامی در اوتاوا بودند.

با اینهمه مایکل پارسا وزیر امور کودکان و خدمات اجتماعی در ایالت اونتاریو در نشست «همبستگی؛ پلی به سوی آزادی» گفت «ما نباید بگذاریم فرزندان مقامات جمهوری اسلامی در کشورهای آزاد به گونه‌های زندگی کنند که پدرانشان این حق را از جوانان داخل ایران گرفته‌اند.»

● شاهزاده رضا پهلوی در جریان سفر به تورنتو با پیر پویلیور رهبر حزب محافظه‌کار کانادا و معاونش ملیسا لانتسمن عضو پارلمان کانادا دیدار و گفتگو کرد.

● یکی از محورهای اصلی این دیدار و گفتگو تأکید بر ضرورت قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی کانادا بوده است. موضوعی که دولت جاستین ترودو نخست وزیر این کشور و مقامات ارشد حزب لیبرال (حزب حاکم) به بهانه‌های مختلف تا کنون از انجام آن طفره رفته‌اند.

● شماری از فعالان سیاسی مطرح کرده‌اند که چرا دولت لیبرال کانادا از قرار دادن سپاه در لیست گروه‌های تروریستی و همچنین تحریم علی خامنه‌ای تحت قانون ماگنیتسکی خودداری می‌کند.

شاهزاده رضا پهلوی روز یکشنبه ۲۶ مارس (ششم فروردین) با پیر پویلیور رهبر حزب محافظه‌کار کانادا و معاونش ملیسا لانتسمن عضو پارلمان کانادا دیدار کرد.

یکی از محورهای این دیدار و گفتگو تأکید بر ضرورت قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی کانادا بوده است. موضوعی که دولت جاستین ترودو نخست وزیر این کشور و مقامات ارشد حزب لیبرال (حزب حاکم) به بهانه‌های مختلف تا کنون از انجام آن طفره رفته‌اند.

پیر پویلیور یکی از مهمانان جشن «تیرگان» بود که شنبه شب در سالن «اسکوشیپانک آرنا» تورنتو برگزار شد. او ضمن آرزوی دستیابی مردم ایران به آزادی امید داد که «زمستان طولانی خواهد رفت و گرمای بهار فرا خواهد رسید.» ملیسا لانتسمن پس از آغاز خیرش ضدحکومتی در ایران

پروزی این انقلاب نیاز به همبستگی و مبارزه مستمر و سازماندهی دارد. جایی برای ناامیدی نیست و ما با امید پیروز می‌شویم. بهترین الگوی ما خانواده‌های دادخواه از جمله مادران خاوران و کسانی هستند که هرگز نبخشیدند و پا پس نکشیدند.»

عبدالله مهتدی دبیر کل حزب کومله کردستان در سخنانی گفت: «مسئله‌ای که فکر می‌کنم این جمع را نسبت به هم جلب کرد این بود که با وجود اختلاف نظرها بتوانیم کنار هم بنشینیم و به منشوری دست پیدا کنیم که نه آیه قرآن است و نه قانون اساسی آینده ایران؛ اما نشانه‌ای از خواست ما برای دستیابی به یک دموکراسی متکثر و پذیرفتن تنوع و تکثر برای مشارکت در قدرت سیاسی آینده است... برای رفع تبعیض‌ها و اجرای اعدالت و نه انتقام و برای تبدیل ایران به جامعه بهتریست که مردم بتوانند از طریق انتخابات آزاد سرنوشت خود را تعیین کنند و ما همه به این دموکراسی اعتقاد داشته باشیم.»

نازنین بنیادی هنرمند و بازیگر سینما و فعال حقوق بشر نیز در این نشست به کشتار، شکنجه و شلیک به چشم معترضان در ایران اشاره کرد و گفت: «جنبش آزادخواهانه مردم متفاوت از قبل است. چرا که علاوه بر اعتراضات گسترده در کشور برای اولین بار اپوزیسیون خارج از کشور متحد شده است.»

وی در بخشی از سخنانش به حمایت هنرمندان شجاع در داخل ایران از مردم اشاره کرد و گفت: «کسانی که مثل کتابون ریاحی و ترانه علیدوستی کنار مردم ایستادند قابل تجسم نیست که جان‌شان را در خطر گذاشتند و آینده آنها مشخص نیست و بعید نیست مثل فاطمه سپهری به ۱۸ سال حبس محکوم شوند. من نمی‌توانم از هنرمندان داخل ایران توقع داشته باشم اگر صدایشان را بلند می‌کنند... من نمی‌توانم از اینجا به آنها بگویم جان‌تان را در خطر قرار دهید اما حالا که می‌کنند باید جلوی آنها سجده کرد.»

به گزارش «صدای آمریکا»، آزاده رجحان نماینده پارلمان سوئد در نشست سازمان فرهنگی «تیرگان» گفت: «من از همه ایرانیان خارج از کشور، همه نمایندگان ایرانی‌تبار پارلمان‌های کشورهای غربی می‌خواهم که برای ایرانی بهتر همراه و متحد شوند.»

دانیال ایلخانی پور نماینده پارلمان آلمان نیز در این نشست گفت: «ناامید نشوید؛ از دید یک اروپایی که روند سیاست را می‌شناسد می‌گویم ما موفق بوده‌ایم. امروز در دنیا همه انقلاب ایران را می‌شناسند.»

نرگس اسکندری شهردار فرانکفورت آلمان هم در این نشست گفت: «جمهوری اسلامی به ما نشان داد ضد انسان است و انسانیت در این رژیم وجود ندارد. وظیفه ما این است که به جهان نشان دهیم این رژیم دیگر نباید باشد.»

مایکل پارسا سیاستمدار ایرانی- کانادایی در این نشست عنوان کرد: «مردم ایران با رژیمی می‌جنگند که هیچ احترامی برای مردم خود ندارد. جمهوری اسلامی در نقض حقوق مردم خود در این چهل سال رکورد زده است.»

شماری از حاضرین بعد از پایان این نشست در جشن سازمان فرهنگی «تیرگان» در سالن «اسکوشیپانک آرنا» شرکت کردند. جایی که هنرمندان مختلف از جمله فرامرز اصلانی، شاهین نجفی، علی عظیمی، آرش سبحانی و شماری دیگر به اجرای موسیقی پرداختند.

برنامه سازمان فرهنگی «تیرگان» امروز یکشنبه ۶ فروردین نیز در تورنتو با برگزاری پنل‌های مختلف ادامه خواهد یافت. گفته می‌شود روز دوشنبه ۲۷ مارس (هفتم فروردین) شاهزاده رضا پهلوی به همراه مسیح علی‌نژاد و حامد اسماعیلیون در پارلمان کانادا حضور خواهند یافت.

دولت‌های غربی تا کی به امید «تغییر رفتار» جمهوری اسلامی خواهند نشست؟!



تظاهرات ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی در اروپا

انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا یا تمدید برخی معافیت‌های مالی و همچنین عدم موافقت با خروج سفرا از تهران از جمله این موارد است. رابرت مالی نماینده ویژه آمریکا در امور ایران اعلام کرده در مورد برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی با مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دیدار کرده است. این مقام وزارت خارجه آمریکا تأکید کرده ایران باید به همه تعهدات خود در مقابل آژانس پایبند باشد و برای این سازمان هرگونه دسترسی ضروری را فراهم کند اما مسئله اساسی اینجاست که مقامات جمهوری اسلامی اصرار دارند هیچ تعهد جدیدی به رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نداده‌اند.

گروسی اواسط اسفند پس از بازگشت از تهران در یک کنفرانس خبری گفت «بر سر اعزام تیمی به ایران، راه‌اندازی دوباره تجهیزات نظارتی و افزایش ۵۰ درصدی بازرسی در سایت فُردو» توافق شده اما مقامات رژیم ایران این سخنان را قویاً و در چند نوبت تکذیب کردند. بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در مصاحبه با ایرنا منکر توافق با آژانس شد و گفت که «در مورد نصب دوربین‌ها صحبت یا توافقی صورت نگرفته است... حتماً اگر چنین درخواستی مطرح می‌شد بطور قطع ما با آن مخالفت می‌کردیم.»

شماری معتقدند از گفته‌های بولر پیداست او تمایل زیادی به افزایش فشار علیه جمهوری اسلامی ندارد و همچنان ترجیح وی ادامه مباحثات با رژیم است اما برخی دیگر می‌گویند همه چیز به نحوه همکاری رژیم با آژانس در هفته‌های آینده مربوط خواهد شد و غربی‌ها منتظرند ببینند آیا در تهران جریانی که قول همکاری با آژانس را به گروسی داده می‌تواند روی حرف خود بایستد یا نه! سه مقام اسرائیلی و اوکراینی گفته‌اند که اسرائیل اخیراً مجوزهای صادراتی برای فروش احتمالی سیستم‌های پارازیت ضد پهپاد را تأیید کرده است که می‌تواند به اوکراین در مقابله با پهپادهای ایرانی مورد استفاده روسیه در طول جنگ کمک کند.

وی با این ادعا که «برای تحقق صلح در اوکراین در آینده قصد سفر به روسیه را دارم» گفت: «غرب باید بجای تکرار اتهامات بی‌اساس علیه ایران، اوکراین را تشویق کند مدارک مستند در نشست رسمی هیأت‌های سیاسی و نظامی دو کشور ارائه دهد و گفتگوی رسمی را جایگزین اتهامات بی‌اساس و تکراری کند و مشاهده کند که ایران همواره در کنار صلح قرار داد و نه جنگ.»

امیر عبداللہیان همچنین ادعا کرده «روابط جمهوری اسلامی و آژانس در مسیر درست قرار دارد!» در این میان، جوزپ بولر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در گفتگو با امیر عبداللہیان خواستار تغییر رفتار جمهوری اسلامی شده است.

آنچه بولر از تهران خواسته احترام به حقوق بشر، پایان بخشیدن به بازداشت شهروندان اتحادیه اروپا، توقف حمایت نظامی از روسیه در جنگ اوکراین و همکاری جدی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای رسیدن به توافق است. همزمان اولاف شولتز صدراعظم آلمان با ابراز نگرانی در مورد «خطرات جدی» فعالیت‌های اتمی ایران خواستار حل اختلافات تهران و آژانس شده است.

شولتز پس از مذاکره با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در برلین گفت که آلمان و سایر کشورها برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای تلاش می‌کنند. وی تأکید کرد: «اسرائیل نباید تهدید شود.» نتانیاهو نیز گفت اسرائیل برای دفاع از خود در مقابل کسانی که خواهان نابودی کشور یهود هستند، آنچه را که لازم است انجام خواهد داد. وی همچنین گفت: «اسرائیل علیه تجاوزات و تروریسم رژیم ایران اقدام خواهد کرد. کسانی که حملات تروریستی علیه اسرائیل انجام می‌دهند و آن را تقویت می‌کنند بهای سنگینی خواهند پرداخت.»

اروپایی‌ها و آمریکا از یکسو جمهوری اسلامی را به دلیل طیف گسترده‌ای از تهدیدات از جمله حمایت از روسیه در جنگ اوکراین و نقض حقوق بشر تحریم می‌کنند اما از برداشتن گام‌های جدی‌تر که برای تشدید فشارها به حکومت ضروری است خودداری می‌نمایند. قراردادن سپاه پاسداران

اروپایی‌ها و آمریکا از یکسو جمهوری اسلامی را به دلیل طیف گسترده‌ای از تهدیدات از جمله حمایت از روسیه در جنگ اوکراین و نقض حقوق بشر تحریم می‌کنند اما از برداشتن گام‌های جدی‌تر که برای تشدید فشارها به حکومت ضروری است خودداری می‌نمایند.

حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در گفتگوی تلفنی با جوزپ بولر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا حمایت نظامی تهران از روسیه را در جنگ اوکراین رد کرد. جوزپ بولر در این گفتگو خواستار تغییر رفتار جمهوری اسلامی شد.

اولاف شولتز صدر اعظم آلمان پس از مذاکره با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در برلین گفت که آلمان و سایر کشورها برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای تلاش می‌کنند. وی تأکید کرد: «اسرائیل نباید تهدید شود.»

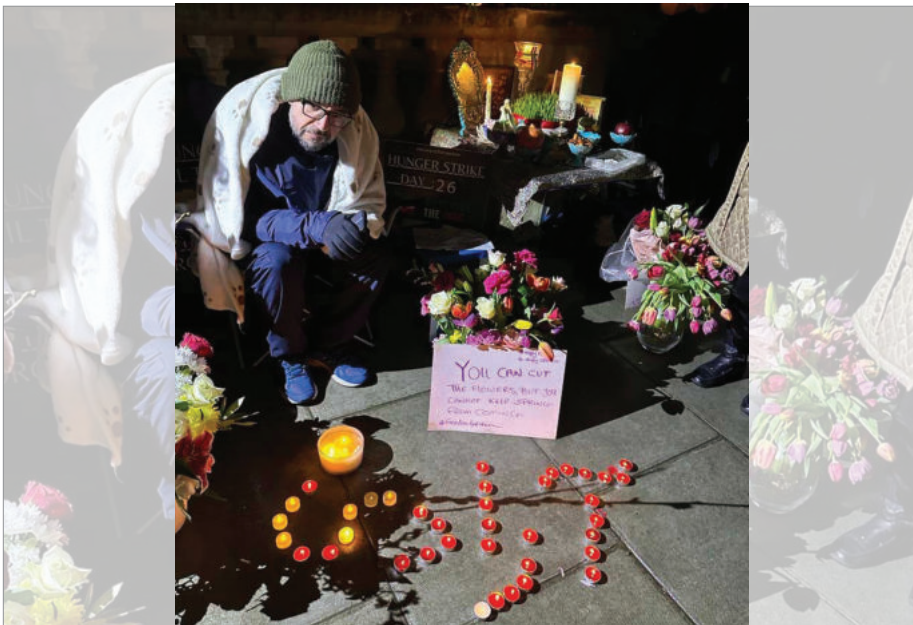
بنیامین نتانیاهو نیز گفت اسرائیل برای دفاع از خود در مقابل کسانی که خواهان نابودی کشور یهود هستند، آنچه را که لازم است انجام خواهد داد.

فشار دولت‌های غربی بر جمهوری اسلامی ایران به دلیل همدستی با روسیه در جنگ اوکراین همچنان ادامه دارد هرچند که امیدوارند تهران به توافق اخیر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پایبند شود. توافقی که ساعاتی بعد اعلام آن از سوی مدیرکل آژانس، برخی مفاد آن از سوی مقامات جمهوری اسلامی تکذیب شد!

مذاکرات فشرده غربی‌ها با تهران ادامه دارد. آنهم در شرایطی که آمریکا و بعضی دولت‌های اروپایی مثل آلمان و فرانسه تأکید کرده‌اند اولویت آنها دیگر «احیای برجام» نیست. با اینهمه مواضع آنها نسبت به حکومت ایران متناقض است.

حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۲۵ اسفند در گفتگوی تلفنی با مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا حمایت نظامی تهران از روسیه در جنگ اوکراین را رد کرد.

نامه سرگشاده در سی‌امین روز اعتصاب غذای وحید بهشتی فعال سیاسی به مقامات مسئول بریتانیا در مورد اعلام سپاه پاسداران به عنوان سازمان تروریستی



همانطور که در مناظره روز پنجشنبه ۱۲ ژانویه نیز نشان داده شد، موافق هستند. به عنوان مثال، گرگ اسمیت نماینده حزب محافظه‌کار و جان کریپر نماینده حزب کارگر در جلسه ۱۴ مارس مجلس عوام هر دو از این طرح دفاع کرده و خواستار قرار دادن نام سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی شدند.

آلیشیا کرنز نماینده پارلمان نیز در این مورد بسیار فعال عمل کرده و پس از طرح سوال از وزیر کشور و امنیت ملی، تام تاگنهایت، به دیدار من نیز آمد.

دیروز نیز، اسکات بنتون نماینده پارلمان به شدت بر این موضوع تأکید کرد و رئیس محترم پنی موردانت نیز در موافقت با او پاسخ مساعد داد.

در نهایت، در پاسخ به استدلالاتی که گاهی برای مخالفت با اعلام سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی ارائه می‌گردد، اخیراً ویدئوی کوتاهی منتشر کردم که در آن توضیح دادم چرا، حتی با بررسی‌های اولیه نیز، این استدلالات متنی هستند. شما را به تماشای این ویدئو در این لینک دعوت می‌کنم.

به همین دلیل است که در سی‌امین روز اعتصاب غذای خود می‌خواهم فرصتی را برای دیدار و گفتگو با شما در مورد اهمیت اعلام تروریستی بودن سپاه پاسداران درخواست کنم. فوریت این موضوع چند روز پیش نیز توسط «تایمز» در مقاله‌ای در مورد اینکه چگونه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حتی ارزش‌های دینی چندفرهنگی ما را از طریق تبلیغ افکار افراطی مذهبی در مراکز اسلامی تحت حمایت سپاه تهدید می‌کند، برجسته‌تر شد.

بنابراین، یکبار دیگر از شما می‌خواهم که محبت کرده و به درخواست من گوش فرا دهید و فرصتی بدهید تا در مورد دلایل لزوم اعلام سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی و فوریت اتخاذ چنین تصمیمی با شما صحبت کنم. از اینکه وقت گذاشتید و نامه مرا مطالعه کردید متشکرم و امیدوارم در اولین فرصت ممکن این تماس برقرار شود.

با احترام،

وحید بهشتی / ۲۴ مارس ۲۰۲۳

شرایط سخت متعدد محیطی را صرفاً برای افزایش آگاهی مردم و دولت بریتانیا نسبت به خطرات ناشی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحمل کرده‌ام. من احساس می‌کنم که در دهه‌های گذشته، شکست‌های متعدد و متوالی دولت‌های مختلف بریتانیا در مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ستم رژیم در داخل و خارج ایران به سطح بحرانی رسیده است، تا جایی که امروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهدیدی جدی برای دموکراسی و امنیت شهروندان بریتانیا نیز به شمار می‌رود.

من مطمئن هستم که همه شما آگاه هستید که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فعالیت‌های داخلی و بین‌المللی ایران را کنترل می‌کند و همچنین مسئول بسیاری از اقدامات تروریستی در خارج و داخل بریتانیا است، همانطور که اخیراً توسط M15 بیان شده است. تهدیدات و اقدامات نامطلوب علیه آزادی ما در اینجا در بریتانیا به شدت افزایش یافته است، تا جایی که اخیراً شاهد بسته شدن دفتر مرکزی تلویزیون «ایران اینترنشنال» مستقر در بریتانیا، به دلیل تهدیدات مداوم و احتمال وقوع سوء قصد علیه جان روزنامه‌نگاران و گزارشگران این رسانه بین‌المللی بودیم. آنچه فقدان اقدامات دولت بریتانیا در قبال تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران را غم‌انگیزتر می‌کند این است که از فوریه ۲۰۲۲، دولت انگلیس میلیاردها دلار برای حمایت از مقاومت در اوکراین هزینه کرده است. با این حال، اگر بریتانیا در مقابل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که آشکارا از جنگ روسیه در اوکراین از طریق تامین تسلیحات و پهپادها حمایت می‌کند، ایستادگی می‌کرد این میزان از سرمایه دولت بریتانیا در اوکراین به هدر نمی‌رفت. این بی‌عملی و عدم اقدام دولت بریتانیا هیچ تفاوتی با سوزاندن بودجه‌هایی ندارد که می‌توانست در مصارف ضروری داخلی و به ویژه کمک به مردم بریتانیا برای گذر از بحران تورم و گرانی ناشی از افزایش سرسام‌آور هزینه‌های انرژی صرف شود!

آنچه من شخصا در پارلمان بریتانیا دیدم، این است که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان با طرح اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی،

«در طول سی روز گذشته، هوای یخبندان، گرسنگی و دیگر شرایط سخت متعدد محیطی را صرفاً برای افزایش آگاهی مردم و دولت بریتانیا نسبت به خطرات ناشی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحمل کرده‌ام. من احساس می‌کنم که در دهه‌های گذشته، شکست‌های متعدد و متوالی دولت‌های مختلف بریتانیا در مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ستم رژیم در داخل و خارج ایران به سطح بحرانی رسیده است، تا جایی که امروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهدیدی جدی برای دموکراسی و امنیت شهروندان بریتانیا نیز به شمار می‌رود.»

نامه سرگشاده به:

نخست وزیر ریشی سوناک
وزیر کشور سونلا براورمن
وزیر خارجه جیمز کلورلی
وزیر امنیت تام توگنندات

موضوع: روز سی‌ام اعتصاب غذا برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و درخواست ملاقات حضوری من وحید بهشتی هستم و در حال حاضر در روز سی‌ام تحصن و اعتصاب غذا در محوطه بیرونی ساختمان وزارت خارجه بریتانیا بسر می‌برم.

من این نامه را خطاب به شما می‌نویسم تا برای دیدار با شما با موضوع بحث در خصوص لزوم تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران درخواست وقت کنم.

من به عنوان یک ایرانی- بریتانیایی که برای رهایی از ظلم و ستم رژیم حاکم ایران به بریتانیا مهاجرت کرده‌ام، همیشه ارزش‌های دموکراتیک را که در این کشور از آن برخوردار بوده‌ام قدردانی کرده‌ام. با این حال، در طول این پانزده سالی که در بریتانیا هستم، حقوق هموطنانم در ایران و نیز ارزش‌های دموکراتیک بریتانیا را که هر دو همزمان از سوی رژیم حاکم بر ایران مورد تهدید قرار گرفته‌اند، فراموش نکرده‌ام و سعی کرده‌ام تا در هر شرایطی از آنها دفاع کنم و در همین راستا از سی روز پیش دست به تحصن و اعتصاب غذا زده‌ام.

در طول سی روز گذشته، هوای یخبندان، گرسنگی و دیگر

پاپک حکومت استخر را برعهده داشت با کمک اعیان و محافل روحانی این خطه به سلطنت رسید و حکومت پارت‌ها را که مروّج مهرپرستی (میترائیسم) بودند برافکند و آئین زرتشت را برقرار ساخت. حکومت جدید، با وجود ماهیت مذهبی، در ابتدا با مذاهب دیگر برخوردی بردبارانه داشت. از همین رو مسیحیان و پیروان مذاهب دیگر در قلمرو دولت ساسانی آزادانه به تبلیغ و ترویج مذهب خود می‌پرداختند. در عهد سلطنت اردشیر، مانی ظهور کرد و مذهب خود را باز نمود. مذهب که با اعتقادات گنوسی و مسیحی قرابت بیشتری داشت تا تعالیم زرتشتی. مع‌هذا اردشیر و پسرش شاپور اول، مانی را در نشر عقایدش آزاد گذاشتند چندان که برخی از اطرافیان شاپور مجذوب پیام مانی شدند و پادشاه را به فراخواندن وی و شنیدن سخنانش ترغیب کردند. مانی به دربار فراخوانده شد و نزد شاپور تقرب یافت و این، خوشایند روحانیون زرتشتی نبود. هرچند که نه پادشاه از دین خود برگشته و به آیین مانی گرویده بود و نه کسی از اعیان و ارکان دولت.

با تحکیم سلطنت ساسانی، موبدان نیز رفته رفته قدرت بیشتری پیدا کردند و شاه را از خطر گسترش نفوذ مانویان در میان مردم برحذر داشتند. مانی حس کرد که شاه نسبت به وی بدبین شده است و مصلحت دید خود را از انظار دور بردارد. چند سالی، در اواخر سلطنت شاپور، مانی ناپیدا بود. پس از شاپور، پسرش هرمزد جانشین وی شد که دوران سلطنتش طولی نکشید. آنگاه نوبت سلطنت به بهرام پسر هرمزد رسید؛ پادشاهی اسیر دست کرتیر و موبدان. مانی در زمان سلطنت هرمزد دوباره ظاهر شده و فعالیتش را از سر گرفته بود اما با احتیاط. کرتیر در کمین بود تا بهانه‌ای به‌دست آورد و کار او را بسازد. گرویدن یکی از فرمانروایان محلی به آئین مانی، بهانه را فراهم ساخت. بهرام، به تحریک کرتیر، امر به احضار مانی داد. مانی توقیف و محاکمه و به مرگ محکوم شد. قتل او به صورتی فجیع صورت گرفت. پس از یک محاکمه چهارروزه، از نوع محاکمات مذهبی دوران انکیزیسیون به کارگردانی روحانیون زرتشتی، او را شکنجه دادند و پوستش را کردند و به صلیب کشیدند. نوشته‌اند که مانی زجر و شکنجه را بردبارانه تحمل می‌کرد و از خداوند خواستار مرگ بود. در مناجاتی از قول او، به زمان حبس و آزارش، آمده است: «پروردگارا! حکم تو را که بدان مأمور بودم اجرا کردم. اکنون بگذار تا به آرامش برسم. روی دشمنان را نبینم و صدایشان را نشنوم».

قتل مانی، سرآغاز یک تهاجم گسترده برای قلع و قمع مانویان بود. پیروان مانی را هر جا که بودند می‌گرفتند و با شکنجه و آزار به هلاکت می‌رساندند. کرتیر قدرتی را که می‌طلبید در سایه حمایت بهرام به‌دست آورده بود. قلع و قمع مانویان قانعش نمی‌کرد. از مانویان به پیروان سایر مذاهب پرداخت. مأموران تفتیش عقاید و لشکر جزاری که کرتیر به‌ادعای خودش برای برافکندن ریشه‌های بددینی زیر فرمان داشت، عیسویان را هم در بگیر و ببند و قتل عام پیروان مانی مشمول تصفیه مذهبی قرار دادند.

چه ارتباطی می‌توان بین چنین رفتار با تعالیم زرتشت قائل شد که پایه‌اش بر مهرورزی و نیک‌اندیشی استوار است؟

همین را نیز درباره فجاجی باید گفت که متولیان کلیسا، به‌نام مسیح و مسیحیت در دوران سیاه قرون میانه مرتکب شدند.

ادامه دارد

بازنشم

دست دادن یا ندادن

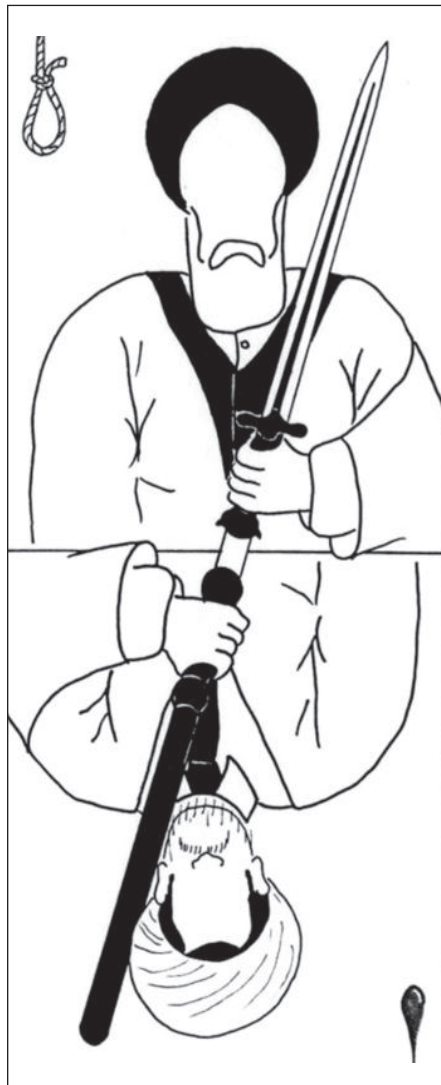
مسأله این است! (۸)

پشت نقاب مذهب

(کیهان لندن شماره ۱۱۶۳-۱۱۷۴)

تیر تا مهر ۱۳۸۶

احمد احرار



می‌پندارند. در خونریزی بر چنگیز و در فتنه‌گری بر کرتیر سبقت می‌جویند.

نام چنگیز را شنیده‌اید و بر احوال او آگاهید اما نام کرتیر شاید به گوشتان نرسیده باشد. کرتیر، موبد موبدان در اوایل عهد ساسانی بود. حکومت ساسانیان از ابتدا صبغه مذهبی داشت. اردشیر، پایه‌گذار سلسله ساسانی، نوه ساسان یکی از مغان زرتشتی ایالت فارس، که پدرش

ایران زندگی طبیعی خود را بازخواهد یافت مگر با تفکیک دیانت از حکومت. مگر با بازگشت روحانیون به حوزه دین و سپردن مدیریت کشور به سیاسیون. این سخن که «دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست» از هر که باشد، قابل انطباق با شرایط و احوال دنیای امروز نیست و یادآور دورانی است که آراء مردم به چیزی گرفته نمی‌شد و تأثیری در تعیین مقدراتشان نداشت. مشروعیت حکومت از «غلبه» حاصل می‌شد. آن که شمشیر تیزتر و شمشیرزنان بیشتر در اختیار داشت حاکمی را از تخت به زیر می‌کشید و خود به جای او می‌نشست و حکم می‌راند. «الحکم لمن غلب». در عین حال، اداره حکومت نیاز به قانون داشت و قانونگذاری از شمشیرزنان برمی‌آمد. بر اثر نیاز، طبقه «کاهنان» در کنار طبقه «حاکمان» پدید آمد و این طبقه، تدریجاً به شریک قدرت تبدیل شد. شریکی که گاه به فرودست بودن قانع نمی‌بود و می‌خواست فرادست، یا دست کم قدرت برابر باشد. از این زمان است که قدرت طلبی «روحانیون» را در تاریخ زندگی بشر شاهدیم. در ایران، از ابتدای تشکیل حکومت فعلی، یک سوء تفاهم بزرگ به‌وجود آمده است. حاکمان خود را در حصار دین پناه داده‌اند و به‌نام اسلام حکومت می‌کنند. به کلام دیگر، ماهیت سیاسی را از حکومت سلب کرده و ماهیت مذهبی بدان بخشوده‌اند. می‌گویند این اسلام است که حکومت می‌کند. پس، هر کس با حکومت به مخالفت برخیزد به جنگ اسلام برخاسته و محارب با خداست. این شعبده، از یک سو دینداران را به اطاعت کورکورانه وادار می‌کند و از دیگر سو، مخالفان را به ستیز با اسلام می‌کشاند.

اشتباه فاحش گروهیایی از مخالفان سیاسی رژیم موجود، افتادن به این دام و درافتادن با اسلام است. قدرت طلبی «روحانیون» ربطی به امروز و ربطی به اسلام ندارد. مسبوق است به قدیمترین ادوار تاریخ.

در ایران خودمان، پیش از آن که پای اسلام به آن برسد، روحانیون زرتشتی چشم به قدرت داشتند. اینجا برای آن که باب سوء تفاهمی دیگر باز نشود توضیحی ضرورت دارد. روحانیون، در تمام مذاهب بر دو دسته‌اند. یک دسته وجود خود را یکسره وقف امور مذهبی می‌کنند و از آلودگی به ثروت و قدرت دنیوی می‌پرهیزند. آنها از هر مذهبی که باشند، مظهر زهد و قناعتند. خواندید که آیت‌الله سیستانی اخیراً چه گفته‌اند. ایشان با جمعی از روحانیون ایرانی که به زیارت عتبات رفته بودند دیدار داشته و ضمن این دیدار فرموده‌اند «طلاب و روحانیون اگر به دنبال تجملات باشند مردم از آنها روی می‌گردانند. من ۵۸ سال است از ایران به نجف آمده‌ام. ۴۸ سال است در خانه ۷۰متری مستأجر هستم و یازده سال توفیق زیارت حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین پیدا نکرده بودم تا دو سال پیش که پس از معالجه در خارج، وقتی به نجف بازگشتم نیروهای امنیتی مرا به حرم بردند».

این آیت‌الله‌العظمی، اگر به قدرت و ثروت و زخارف دنیوی چشم داشت، امروز در قصر صدام حسین نشسته بود و بر عراق حکم می‌راند. اما حاضر نشد پس از سقوط رژیم بعثی، با «پل‌بروم» حکمران آمریکایی عراق حتی در خانه هفتاد متری خودش ملاقاتی داشته باشد.

روحانیون اما همه این گونه نیستند. دسته دیگری از آنها همان گونه به قدرت و ثروت حریصند که دنیاپرستان غیر مذهبی. این است که وقتی دری به تخته خورد و فرصتی فراهم آمد و دستشان به قدرت یا ثروت رسید برای حفظ آن هر منکری را مباح و هر گناهی را ثواب

آتش سوزی سینما رکس و استعفای دولت آموزگار

دولت در افشای عوامل حادثه غفلت کرد و خمینی از آن بهره گرفت پهلبد به من گفت: آیا داریم به طرف يك انقلاب می‌رویم؟

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنش

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۶)



دکتر هوشنگ نهاوندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه ماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد. نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است. کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است. بهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند. دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

روزها (زیرا مجلسین ایام تعطیلشان را می‌گذرانند) و با اکثریت قاطع آراء بر اقدام دولت مهر تأیید زدند. به این ترتیب چندین یکان نیروی زمینی را به داخل اصفهان آوردند و در برابر جاهای حساس و بناهای تاریخی که جهانگردان به آنها رفت و آمد می‌کردند، مستقر کردند. فرمانده ارتش آنجا، مرتباً با لباس کامل نظامی و پای پیاده از کوچه‌های شهر و گوشه‌های بازار بازدید می‌کرد. به دشواری می‌شد هدف این نمایش قدرت را دریافت. استراتژی حکومت چه بود؟

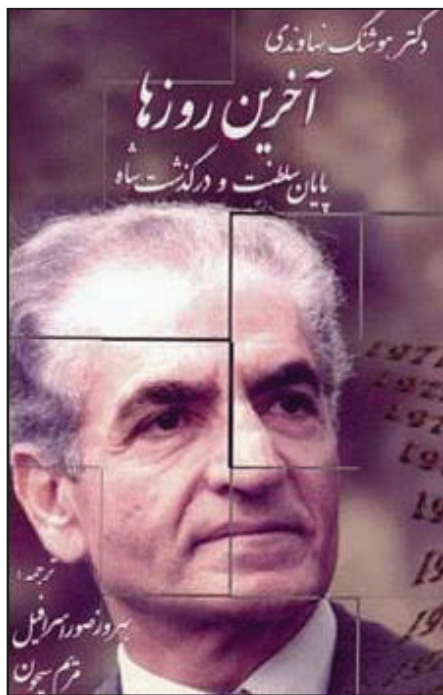
روز ۱۴ اوت، گروه «بررسی مسائل ایران» با انتشار بیانیه‌ای که در مطبوعات به چاپ رسید، ولی رادیو - تلویزیون دولتی سانسورش کرد، خشونت‌های اصفهان را محکوم نمود ولی عمق مسائل را یادآوری کرد. در بیانیه گروه بر فوریت انجام اصلاحات اساسی برای مهار افراطی‌گری در نخستین مراحلش تأکید شده بود. سه رهبر «جبهه ملی» نیز، بدون آنکه اعمال خشونت بار را آشکارا محکوم کنند، به نوبه خود سیاستهای جاری مملکت را مورد انتقاد قرار داده و خواهان اجرای دقیق قانون اساسی شدند.

روز ۱۹ اوت، که پنجشنبه‌ای بود، اوایل بعد از ظهر آتشی سینما «رکس» آبادان، پایتخت صنعت نفت را سوزاند و ویران کرد. چهارصد و هفتاد و هفت تن که بیشترشان زنان و کودکان بودند، خفه شدند یا سوختند و مردند. در آن سانس بعد از ظهر پیش از پایان هفته، بسیاری از مادران، فرزندان خود را به سینما برده بودند. همه درهای خروجی، با دقت ویژه‌ای قفل شده بود. مأموران آتش نشانی شهر و همچنین آتش نشانان پالایشگاه نفت آبادان نتوانستند کسی را از مرگ نجات دهند. آتشسوزی عمدی بود، جنایتی دهشتناک و فراموش نشدنی.

از همان آغاز تحقیقات تردیدی باقی نماند که جنایتکاران آتش را فروخته‌اند.

چه کسی می‌توانست دست به این جنایت زده باشد؟ این جنایت به چه کسی سود می‌رساند؟

حکومت با بی‌خیالی به این ماجرا پرداخت. گونه‌ای که گویا یکی از «حوادث» معمول رخ داده است. از مطبوعات خواستند که زیاد به این ماجرا بند نکنند. و مطبوعات



از ضعف تعبیر گردید.

روز ۱۱ اوت، با آغاز ماه رمضان، در اصفهان تظاهرات محدودی صورت گرفت که فقط چندصد تن در آن شرکت داشتند، ولی بسیار خشونت آمیز بود. در آن تظاهرات برای نخستین بار شعارهایی علیه شاه به گوش رسید. پلیس که آمادگی برخورد با این گونه خشونت را نداشت، غافلگیر شد و از پس کاری برنیامد.

این آغاز تندروی‌های برنامه‌ریزی شده بود. نخست‌وزیر، بی‌گمان با موافقت شاه در آن پایتخت پیشین ایران، که شهری زیبا و ثروتمند با بیش از یک میلیون جمعیت بود و بناهای تاریخی فراوان داشت، حکومت نظامی برقرار کرد. مجالس مقننه به تشکیل جلسه فوق‌العاده فرا خوانده شدند

رویدادها چنان شتاب یافته بودند که به زودی محمدرضا شاه را ناگزیر از انتخابی تعیین‌کننده کرد که به شدیدتر شدن بحران انجامید. مهلت فراغت تابستانی به سود آن که فراگردی در جهت اصلاحات اساسی ولی قدرت‌نمایانه آغاز شود، نبود. پافشاری رئیس تازه «ساواک» برای اعلام چنین تصمیمی بی‌پاسخ ماند. گفتگو با آیت‌الله شریعتمداری پیشوای بلندپایه شیعیان برقرار شده بود، اما از آن هیچ استفاده درستی نشد و تنها به حل چند مسئله مختصر انجامید. دولت آموزگار تنها امور جاری را انجام می‌داد. یعنی کاری که از آغاز موجودیت خود، بی‌هیچ درخشش یا خرابکاری قابل ذکری کرده بود. شاه که به دنبال متحول کردن اوضاع سیاسی بود، قاطعانه بر آن بود که گشایش نظام را تحقق بخشد. رسیدن به این مقصود هنوز به آسانی امکان پذیر بود، به شرط آن که وی به دگرگونی بنیادی در پایه‌های اخلاقی و به خواست همگانی مبنی بر پاکدامنی طبقه سیاسی، تن می‌داد. کاری که مستلزم بریدن چند شاخه پوسیده بود.

همزمان، مخالفان به شدت و هر روز آزادانه‌تر، بی‌آن که نظام پادشاهی یا شخص پادشاه را آماج خود قرار دهند، به انتقاد از اوضاع می‌پرداختند، و سفارتخانه‌های غربی، به ویژه آمریکا علناً این جنبش مطالبه‌گر را به تندروی تشویق می‌کردند.

روز پنجم اوت، در سالگرد اعلام مشروطیت، آن جنبش اصیل اصلاح‌طلبانه و ملی‌گرایانه در سال ۱۹۰۶، شاه اعلام کرد انتخابات مجلس دوره آینده که قرار بود در ماه ژوئن ۱۹۷۹ برگزار شود، «صد درصد آزاد» خواهد بود، و نامزدهای ناوابسته به حزب «رستاخیز» که چندی پیش به وسیله خود او تأسیس شده بود، می‌توانند با هر نام و برچسب سیاسی که می‌خواهند، در آن شرکت جویند. این، به معنای پایان نظام تک حزبی بود که در واقع هرگز به راستی عمل نکرده بود. این تصمیم، که خواست افکار عمومی و روحانیت شیعه بود، اگر در چارچوب یک مجموعه هماهنگ و همخوان قرار گرفته بود، می‌توانست بازتاب و تأثیر مهمی بگذارد، اما از آنجا که به صورت مجزا و تک افتاده عرضه شد، به نشانه‌ای

فرهنگ و هنر بود و عوض نشده بود، قرار گرفتیم. همسر وی والا حضرت «شمس» خواهر بزرگ شاه، مسلماً یکی از اعضای خاندان سلطنت بود که کمتر انتقادی از او شده بود. هرگز در امور سیاسی دخالت نمی‌کرد. به صورت نمادین به سازمان «شیر و خورشید سرخ» (معادل ایرانی «صلیب سرخ») و اندکی جدی‌تر به «انجمن حمایت حیوانات» که ریاست افتخاری آنها را بر عهده داشت، رسیدگی می‌کرد.

حتی در خانه خود پناهگاهی برای سگ و گربه‌های رها شده درست کرده بود. از سالها پیش مسیحی شده و حتی در کاخ خود که در ۵۰ کیلومتری تهران واقع بود، کلیسائی ساخته بود. گرچه این امری عادی نبود، ولی افکار عمومی چندان اهمیتی نمی‌داد و آن را از کارهای عجیب و غریب «شمس» قلمداد می‌کرد. «مهرداد پهلبد» که مردی با سیمای برازنده، مهندس ساختمان و موسیقی‌شناس بود، بیشتر دوران طولانی خدمت خود را در هنرهای زیبا گذرانده بود. تا این که در سال ۱۹۶۴، «حسینعلی منصور» او را به وزارت منصوب کرد. مردی بود تودار، با شیوه لباس پوشیدنی بسیار شیک، چند زبان می‌دانست و همواره در زندگی از آن بیم داشت که مبادا شاه از او خوشش نیاید، یا مردم او را متهم به سوءاستفاده از مقامش کنند. به همین دلیل بسیار خوددار بود. در گفتگوهای هیأت وزیران چندان مداخله نداشت و عقاید خود را در مورد این یا آن بیان نمی‌کرد.

ساعت یازده صبح، هنگامی که جمعیت تظاهرکننده آغاز به پراکنده شدن کرد، از من پرسید آیا وقت دارم برای صرف

در آمریکا و جاهای دیگر به دست اسلام‌گرایان انجام گرفت، ثابت شد که این گونه عملیات، همان گونه که فرمانده سپاه پاسداران انقلاب دقیقاً گفته، در صورت لزوم جزو «تاکتیکیها و تکنیکهای انقلاب اسلامی» است.

به این ترتیب اسلام‌گرایان روش تروریستی کشتار جمعی را ابداع و افتتاح کردند که از آن هنگام تا کنون، در همه جا به کار گرفته‌اند.

در ساعات بامدادی روز ۲۰ اوت، شاه که ساعت به ساعت گزارشهای مربوط به این فاجعه را دریافت می‌کرد، عمیقاً اندوهگین و مضطرب بود. چرا به این ترتیب او ناگزیر شده بود بی‌کفایتی و انجماد دولت را در برخورد سیاسی و مطبوعاتی با این رویداد، پرده‌پوشی کند؟

زوج سلطنتی قرار بود اوایل بعد از ظهر همان روز به تهران بازگردند تا در میهمانی شام بزرگی که ملکه مادر به مناسبت ۲۰ اوت (۲۸ مرداد) ترتیب داده بود، شرکت کنند و سپس به نوشهر بازگردند و ده روز دیگر نیز در آنجا بمانند. حتی چندین نفر که اعلیحضرتین را همراهی می‌کردند، در نوشهر مانده بودند. ولی شاه که نگران رویدادها بود، تصمیم گرفت تعطیلات خود را کوتاه کند و در پایتخت ماند.

گفتگو با پهلبد

۲۰ اوت، گرمی داشت بیست و پنجمین سالگرد سقوط «مصدق» و بازگشت شاه به تهران در سال ۱۹۵۳ بود. چند هزار نفری از نمایندگان مجلس، اعضای انجمن شهر،

نیز تقریباً همین گونه رفتار کردند. این روش برخورد، افکار عمومی را شگفت‌زده و منزجر ساخت. اعلیحضرتین در نوشهر بودند. نه نخست وزیر و نه وزیری از دولت او به خود زحمت رفتن به آبادان را داد. چرا این روش را برگزیدند؟ خانواده سلطنتی همواره و برحسب عادت در چنین زمانهائی و البته بر حسب وظیفه‌های حتمی، در این گونه عزاهای ملی شرکت می‌کردند، همدلی و تأثر خود را ابراز می‌داشتند و به بازماندگان، دلداری و در صورت نیاز یاری می‌دادند. شهبانو، دفتر مخصوص خود را مأمور یاری‌رسانی به چند خانواده‌ای که تقاضای کمک کرده بودند نمود. اما همه چیز با تلاش به آن که ماجرا، بزرگ جلوه نکند و در کمال سکوت و پنهانکاری، دلدارها و همدلی‌های خاندان سلطنتی کوچکترین بازتاب سیاسی نیافت.

بعدها، در توجیه این روش فقط یک توضیح، آنهم به صورت خصوصی داده شد. نمی‌خواستند مراسم بیست و پنجمین سالروز سقوط «مصدق» و بازگشت شاه به قدرت در سال ۱۹۵۳ مختل شود.

شهبانو در خاطرات خود می‌نویسد که به توصیه نخست وزیر از سفر به آبادان منصرف شد. در آن روزهای تنش و کشاکش و غوغای مخالفان، دولت می‌خواست با گرمی داشت آن روز، نیروی خود را نمایش دهد و پشتیبانی خود را از شاه بنمایاند.

فقط چند ساعت پس از وقوع این جنایت بزرگ و حتی پیش از آن که حدس جنایتکارانه بودن آتشسوزی به یقین تبدیل شود آیت‌الله «خمینی» نخستین واکنش را نشان داد و در بیانیه‌ای اعلام کرد: «قطعاً این جنایت اقدامی ضدبشری و برخلاف قوانین اسلام است و نمی‌توان آن را از اعمال مخالفین شاه دانست. پاره‌های نشانه‌ها دیده می‌شود که اینها می‌خواهند احتمالاً در مورد این جنایت، جنبش اسلامی را متهم کنند.» هیچکس خمینی را متهم نکرده بود. پس چرا ناگهان فریاد بیگانه‌ی برآورد؟ در آن زمان کسی به این موضوع اهمیتی نداد.

چند روز بعد، تحقیقات پلیس به ویژه مسئولیت ارتکاب این جنایت را متوجه اطرافیان روح الله خمینی یافت. جنایتکاران به عراق، نزد آیت‌الله رفته بودند و در همانجا دستگیر شدند. ایران تقاضای استرداد آنان را کرد. اما مقامات دولتی و رسمی، برای آرام ساختن اوضاع، حقایق مربوط به این پرونده هشداردهنده را به اطلاع مردم نرساندند. نمی‌خواستند روحانیون «ناراحت» شوند. اما نیازی به ترفندهای پیشگویانه «خمینی» نبود.

مطبوعات بین‌المللی، و در صدر آنها چند نشریه چاپ پاریس، «ساواک» را متهم به ارتکاب این جنایت وحشتناک کردند - بی‌آنکه توضیح دهند «ساواک» که برحسب وظیفه می‌بایست از رژیم پادشاهی دفاع کند، چه سودی از این جنایت می‌برد؟ شاه بعدها این نوشته‌ها و گفته‌ها را «تهمتی شرم‌آور» خواند، اما در آن زمان دلیری فاش کردن حقیقتی را که خوب می‌دانست نکرد. زیرا مطمئن بود که کسی باورش نخواهد کرد.

این رویداد و تبلیغاتی که پس از آن برای شیطانی جلوه دادن رژیم آغاز شد، نقش تعیین‌کننده‌ای در طرح‌های برهم زدن ثبات آن ایفا کرد و به همه چیز شکل تازه‌ای داد. سه سال بعد، مقامات رسمی جمهوری اسلامی پذیرفتند که این عمل، کار آنان بوده و «اساساً انقلابی» و دارای «ماهیت اسلامی» بوده است. و دست کم ده سال طول کشید تا بالاخره در کتابهایی که در «غرب» پیرامون انقلاب ایران نوشته و منتشر شده، ماهیت و عواملان جنایت سینما «رکس» مورد تردید قرار گرفت. بعدها که همین گونه اقدامات تروریستی در «الجزایر» و «مصر» و همین اواخر



آتش‌سوزی سینما رکس

چای به وزارتخانه او که در نزدیکی آنجا بود، بروم. هردوی ما در دولتهائی وزیر بودیم و پس از آن نیز بسیار با هم دوستی کرده بودیم. به ویژه در زمان ریاست من بر دو دانشگاه، زیرا برنامه‌های مشترکی با وزارتخانه داشتیم.

«پهلبد» گفت: «کسی در دفترم نیست. جمعه است و تعطیل. و می‌توانیم به آسودگی، بی‌آن که زنگهای تلفن مزاحم‌مان شود، گفتگو کنیم.» هنگامی که به دفترش رسیدیم، کارمند کشیک دفترش به ما چای داد. «مهرداد پهلبد» آشکارا نگران بود.

— آقای نهاوندی، چه خبر است؟ در مورد آتش‌سوزی آبادان چه می‌اندیشید؟ مثل این که عده زیادی قربانی شده‌اند (کسی هنوز شمار قربانیان را نمی‌دانست).

وزیران، کارمندان دولت و اعضای انجمنهای محلی از سوی حزب «رستاخیز» دعوت شده بودند که در پایتخت تظاهراتی کنند. این البته آخرین نشانه زندگی در کالبد حزب «رستاخیز» بود. حال و هوای تظاهرات چندان شادمانه نبود، اما هیچ پراکندگی در جمعیت انبوه حاضر در میدان «مخبرالدوله» وجود نداشت. سخنرانان، بار دیگر بر وفاداری خود به شاه تأکید کردند، و لحن حماسی نطق نخست وزیر - که همیشه به کار می‌گرفت، نشان از پابرجائی و آسودگی می‌داد. جمعیت مدتی دراز برای او کف زد.

جمعیت، پس از پایان تظاهرات بی‌هیچ حادثه غیرمنتظره‌ای پراکنده شد. به هنگام تظاهرات من در کنار «مهرداد پهلبد»، شوهر خواهر شاه که از ۱۵ سال پیش وزیر

→ والا حضرت (همواره همسرش را چنین می خواند) بسیار گریستند. آیا گمان می کنید اقدامی جنایتکارانه بوده است؟

به او گفتم واقعا درست نمی دانم، اما احتمالش هست. سپس گفتگویی طولانی در مورد اوضاع سیاسی و شایعاتی که در شهر پراکنده بود، داشتیم. آن مرد خوددار، ناگهان به خروش آمد:

«آموزگار» مرد این کار نیست. وقت زیادی صرف ریزه کاریهای بی اهمیت می کند، و از هر تماس و ارتباطی می گریزد. باید اعلیحضرت با قاطعیت اقدام کنند. به ایشان گفتم چرا خودتان این مطالب را به عرض نمی رسانید؟

«من هرگز جرأت این کار را ندارم. من فقط هنگامی سخن می گویم که ایشان پرسشی می کنند. اعلیحضرت از من فقط در مورد مسائل خانوادگی یا برنامه های «تالار رودکی» (اپرای تهران) می پرسند. ولی انگار این روزها شما زیاد با ایشان ملاقات می کنید؟

«بله درست است. سعی می کنم. شما نخست وزیر آینده ما خواهید بود؟ همه این گونه فکر می کنند.»

انذکی بر این پرسش خندیدیم. آنگاه گفتم: «چرا والا حضرت با شاه گفتگو نمی کنند؟ بالاخره ایشان خواهر بزرگ اعلیحضرت اند و ایشان برای والا حضرت احترام ویژه ای قائل هستند.»

«درست است، ولی ایشان هرگز در مورد امور سیاسی با اعلیحضرت سخن نمی گویند.»

— حتما همانی که اعلیحضرت دارند. — مطمئنید؟

در کاخ ملکه مادر

روز جمعه بیست اوت در ساعت ۸ شب «تاج الملوک» ملکه مادر شام بزرگ همیشگی خود را به مناسبت سالگرد ۲۸ مرداد برگزار کرد. دو بار در سال، یکی در روز ۲۰ اوت و دیگری در ۳۱ اکتبر (زادروز ولیعهد) ملکه مادر تقریباً تمام شخصیت های تهران را در کاخ خود می پذیرفت. خود می گفت این مهمانی ها «برای جشن گرفتن دو تاریخ نوزائی پهلوی ها» است. شام ۲۰ اوت در باغهای زیبای کاخ او برپا شد. معمولا هزار نفری به آن میهمانی دعوت می شدند. نه فقط شخصیت های دولتی و همسرانشان، بلکه پاره ای از مقامات و دولتمردان پیشین که سن بالایی داشتند. حتی کسانی که از زمان شوهرش زنده مانده بودند و شاهزادگان «قاجار»، پدر ملکه از افسران عالی رتبه سلسله پیشین بود. البته شعرای پیر و چند هنرمند مدرس و فراموش شده نیز حضور داشتند.

ملکه مادر، در سالهای آخر دهه هشتاد عمرش، بزرگ شده و غرق در جواهر، در تالار می نشست و گاهی هم چرت می زد. رئیس دفترش میهمانان را می پذیرفت. شاه و شهبانو و چند تن از نزدیکان در کنار او می نشستند. بعضی از مقامات دولتی، که او آنها را به خاطر نمی آورد، اصرار به ادای احترام به او داشتند. میهمانی مثل همیشه باشکوه بود. میزها پر از خوردنی و کیفیت غذا و نوشیدنیها استثنائی بود. دو دسته موسیقی نواز، یکی ایرانی و دیگری غربی، به نوبت

بر چهره داشت. در ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه، اندکی پیش از آوردن شام، یکی از پیشخدمتهای شاه از شش نفر از مدعوین دعوت کرد که به تالار کاخ بروند. در آنجا شاه ایستاده بود و با آنان دست داد. این دفعه، نقاب از چهره او فروافتاده و نگرانی اش مشهود بود. از آنان پرسید: «شماها خبرهای آبادان را شنیده اید؟ شمار قربانیان را هنوز نمی دانند. وحشتناک است. شمار زیادی کودک در میان شان بوده. طبیعی است که پنجشنبه بعد از ظهر کودکان را به سینما ببرند. نمی دانیم که عملی جنایتکارانه بوده یا حادثه. اما چه کسی درها را توانسته قفل کند؟ حتما به زودی خواهیم فهمید.»

سپس از حاضران خواست به نوار صوتی مصاحبه ای که همان روز انجام داده بود، گوش کنند. در مصاحبه بر تصمیمش به باز کردن فضای سیاسی تأکید کرده و پیکانهایی به سوی کشورهای غربی که مدام درس اخلاق و سیاست می دهند، فرستاده بود. همان سخنان همیشگی. آنگاه پرسید: «چه فکر می کنید؟»

«آموزگار»، نخست وزیر، به تأیید مختصری بسنده کرد. «هویدا»، وزیر دربار سخنرانی ای مجیزآمیز کرد: «فرمایشات صریح و قاطع و توجه انگیز ملوکانه که پاسخی به همه نگرانیها و خاموش کردن همه انتقادات است.» البته و قطعا او به يك واژه از اینها که گفته بود، باور نداشت. اما عادت کرده بود مجیز بگوید. این روشنفکر هوشمند، به خاطر بازی سیاسی، به بزرگترین تملق گوی شاهنشاهی ایران تبدیل شده بود.

ساعت نه و ربع بود. شاه با لحنی خسته گفت: «برویم شام بخوریم.»

آنگاه با دیدن جمع مدعوین دوباره لیخندی ظاهری برلب گذاشت.

در حدود ساعت یازده، آتش بازی سنتی و بی نظیر آن شب به وسیله استادان ایرانی این کار — که هنر خویش را در درازای قرنها آموخته بودند — اجرا شد. همه شهر نظاره گر آن شد.

چند روز بعد، هنگامی که همگان از ابعاد فاجعه آبادان آگاهی یافتند، مخالفان تندروی رژیم از مهمانی باشکوه و آتش بازی آن شب به سود خود استفاده کردند و آن را به باد انتقاد گرفتند. می گفتند هنگامی که شهر یکپارچه عزادار است، آنان در دربار سرگرم رقص و آتش بازی هستند.

اشتباه بزرگی روی داده بود. باید آن میهمانی را متوقف می کردند و از خیر آتش بازی چشمگیر هم می گذشتند. باید حتی عزای ملی اعلام می کردند. این ماجرا ضربه شدیدی به رژیم بود. همه خیلی زود پشیمان شدند و افسوس خوردند که چرا آن مراسم بدان شیوه نامناسب برگزار شد. اما تاریخ را نمی شود تکرار کرد.

با این کشتار جمعی، دوره خونین انقلاب داشت آغاز می شد. و با آن، تبلیغات افسارگسیخته مطبوعات غربی علیه ایران و شاه بالا گرفت. لحن رادیوی اصلی فارسی زبان مثل «صدای آمریکا»، «بی بی سی» (که عملا به «صدای انقلاب» تبدیل شده بود)، و «صدای اسرائیل» به نحو محسوسی دگرگون شد. آنان انتقاد را رها کرده و تبدیل به وسایل راستین برهم زدن ثبات ایران شدند. اطلاع رسانی جای خود را به دروغ پردازی داد.

روز ۲۳ اوت، آیت الله «خمینی» که نامش تازه داشت شناخته می شد و اینجا و آنجا از او نام می بردند، برای نخستین بار به رژیم شاهنشاهی و شخص شاه حمله کرد و از جمهوری اسلامی سخن به میان آورد. همان روز يك گروه کوچک افراطی، بازار تهر بار تهران را به آتش کشیدند. واکنش مقامات رسمی، تقریباً هیچ بود. (ادامه دارد)



آتش سوزی سینما رکس

می نواختند. مردان در لباس اسمو کینگ و زنان در لباسهای بسیار فاخر بودند و جواهرات فراوان بر خود داشتند که می توانست رشک باشکوه ترین میهمانی های پاریس یا رم را برانگیزد. آن شب، چندان سخنی در مورد رویداد آبادان به میان نیامد. برخی از سفیران خارجی حتی از آن بی خبر بودند، زیرا اخبار رادیو و تلویزیونهای فارسی زبان را نمی دیدند و هیچ نشریه ای نیز روز جمعه انتشار نیافته بود. به عادت همیشگی، شاه از میان مدعوین عبور کرد. بسیار آرام به نظر می رسید و چیزی از نگرانی خود — که واقعی هم بود — نشان نمی داد. همان نقاب همیشگی را

به نظرم آمد این سخن حقیقت داشته باشد. از مسائل گوناگون سخن گفتیم و نزدیک ساعت دوازده و ربع بود که از او جدا شدم. مرا تا در دفترش همراهی کرد و ناگهان پرسید:

— آیا داریم به طرف يك انقلاب می رویم؟
— نه! اعلیحضرت مهار اوضاع را در دست دارند، ارتش نیرومند است (به راستی چنین می پنداشتم).
— امیدوارم.

آنگاه پرسش دیگری کرد که به نظر شگفت انگیز آمد:
— موضع سیاسی شهبانو چیست؟

گفتگو با امیر طاهری در مورد ایرانگرایی و انقلاب ملی ایرانیان



©Kayhan.London

شده است. همیشه هم این داد و ستد بوده. اکنون هم می‌توانم بگویم ایرانیان به صورت ناخودآگاه متوجه شده‌اند که دارند هویت ملی‌شان را از آنان می‌گیرند زیرا نظامی که اکنون سر کار است اجازه نمی‌دهد که ایرانیان آنطور که دلشان می‌خواهند زندگی کنند. یعنی طوری که با فرهنگ و تاریخ و شیوه زندگی ما ایرانیان منطبق باشد. در سال‌های آخر محمدرضا شاه دیده بودیم که گفتمان ایرانگرایی تضیف و گفتمان مذهبی، فرقه‌ای و قبیله‌ای قوی شده بود. مثلاً مردم سفره حضرت عباس می‌انداختند. مادر شهبانو می‌رفت که حاجی شود. دوست خودم اردشیر زاهدی اصرار می‌کرد که باهمدیگر به زیارت مکه برویم و حاجی شویم. جلسات سینه‌زنی تشکیل می‌شد. آش نذری به فقرا می‌دادند. خلاصه ظواهر مذهبی رو آمده بود.

شما توجه کنید که در هر جامعه ۲ تا ۳ درصد جمعیت بیشتر سیاسی نیستند. در آن دوره این دو سه درصد فعال سیاسی ما یا مذهبی شده بودند و یا فرقه‌ای شده یعنی مسلک‌های مختلف چپی و غیره.

حال اینها ۴۴ سال وقت داشتند نظام مورد قبول ایرانیان را به وجود آورند که نتوانستند و به نظر من به بن‌بست رسیده‌اند. مردم ایران هم به دنبال راهی هستند که از این بن‌بست بیرون بیایند. ایران هم یک صفحه سفید نیست که هر چه خواستید روی آن بنویسید و نقاشی کنید. پس ناچار ایرانیان بر می‌گردند به ایرانگرایی. اگر ایران اسلامی را قبول ندارید به ایران قبل از اسلام برمی‌گردید. من اینجا دچار باستانگرایی نیستم. هویت ایرانی و ایرانگرایی واقعیتی زنده و پویاست. الان هم به اشکال مختلف ابراز می‌شود که با نمودهای ۱۰، ۳۰ و ۷۰ سال پیش آن متفاوت است. منظور اینجا به دنبال استخوان مردگان رفتن نیست. منظور آینده ایران است، منتها این آینده را باید بر اساس چیزی ساخت. درخت باید ریشه داشته باشد که بتواند بالاد و شاخه‌های تازه و جوان پیدا کند تا بعد از زمستان هم بتواند گل بدهد. ما داریم ریشه‌های خودمان را پیدا می‌کنیم و بر اساس آن درخت موجودیت ایرانی خودمان را هرس می‌کنیم و شاخه‌های پوسیده و مرده‌اش را دور می‌ریزیم تا برای بهار آماده‌اش می‌کنیم.

استان آذربایجان شرقی را نیز ممنوع کرد! با اینهمه مردم به هر مناسبت ملی و تاریخی خشم و انزجار خود را علیه حکومت و عشق خویش را به میهن و فرهنگ ایرانی ابراز می‌دارند. در ارتباط با این تقابل فرهنگی و تاریخی بین جمهوری اسلامی و جامعه و تلاش ایرانیان برای بازیابی هویت ملی خود با امیر طاهری نویسنده و روزنامه‌نگار بین‌المللی به گفتگو نشستیم.

● آقای طاهری، آیا جنبشی که نگاهی به میراث گذشته و باستانی دارد می‌تواند هم به دنبال نوزایی ملی و هم دموکراسی باشد؟

-اولاً بگویم که من از مفاهیمی مانند ملی‌گرایی و ناسیونالیسم و دموکراسی استفاده نمی‌کنم. من از لغت ایرانگرایی استفاده می‌کنم. «ناسیون» و یا «نیشن» به انگلیسی از قرن ۱۷ میلادی استفاده می‌شود یعنی از زمان از هم پاشیدن امپراتوری روم مقدس و کاتولیک و با انعقاد قراردادهای وستفالی و مونستر. ولی اگر تاریخ بیهقی را بخوانید، ۶۰۰ سال قبل از این تحولات در اروپا واژه ملت و دولت در ایران وجود داشته است. بنابراین، مسئله ایرانگرایی است. ایران هم در طول تاریخ خود از توفان‌های مختلفی گذشته و مانند اکوردئون گاه باز و گاه جمع شده و قسمت‌هایی از آن در جنگ‌هایی که به ما تحمیل شدند کنده شده‌اند. ولی آن زیربنای ایرانگرایی همیشه پابرجا مانده است زیرا به نظر من، ایران از چند نظر استثنایی است. مسئله ایران مسئله دینی و مسلکی نیست بلکه مسئله‌ای فرهنگی است. ما در ایران همیشه ادیان و فرهنگ‌های مختلف داشتیم یا ایرانیان مناطق مختلف از نظر چهره و خصوصیات فیزیکی تفاوت‌هایی با همدیگر داشته‌اند ولی همواره در چارچوب ایرانگرایی در همزیستی بوده‌اند؛ یعنی تکت در وحدت داشته‌ایم.

در تاریخ سیصد یا چهارصد ساله گذشته‌مان، اگر نخواهیم به دوره باستان برگردیم، هروقت که ایرانگرایی تضعیف شده، دو گفتمان قوی شده است. یکی گفتمان طایفه‌ای و قبیله‌ای و دیگری گفتمان مذهبی در شکل سنی و شیعه و نیز نسخه‌های افراطی مانند سرداران یا انشقاق‌ها و فرقه‌هایی مانند معتزله، بابیه، بهاییه و شیخیه. ولی وقتی اینها تضعیف شده‌اند، ایرانگرایی قوی

● «فقط با اتکاء به ایرانگرایی می‌شود دموکراسی و پلورالیسم را به دست آورد. زیرا اول باید قبول کنیم ایرانی وجود دارد. برخی این را قبول ندارند. وقتی این را قبول کردید وارد بازی می‌شوید. یک ایران و یک ملت ایران وجود دارد. در این ملت تکثر هست و همه مثل هم نیستند. وقتی این را قبول کردیم سپس در سنت و فرهنگ خودمان ریشه‌های آزادمنشی را پیدا می‌کنیم.»

● «وقتی شما شاهنامه را بخوانید در بخشی که کب خسرو از ایرانیان خداحافظی می‌کند و از آنها می‌خواهد لهراسب را به پادشاهی برگزینند بحث شدیدی در می‌گیرد. یعنی معلوم است در آن زمان پادشاه از اول تعیین نشده بود و باید انتخاب می‌شد. خوب، این ریشه همان چیزی است که خارجی‌ها می‌گویند دموکراسی یعنی مشارکت مردم در انتخاب پادشاه. داریوش کبیر هم توسط نمایندگان هفت تیره ایرانی انتخاب شد.»

● «مشروطه یعنی این که حکومت شرط دارد. یعنی به هیچکس چک سفید نمی‌دهیم. همه اقوام در انقلاب مشروطه نقش و شرکت داشتند. یعنی در آن زمان این تقسیم‌بندی‌های جدیدتر ترک و کرد و بلوچ و اینها نبود. الان هم اگر نگاه کنید خیلی از تاجیک‌های افغانستان خودشان را ایرانی می‌دانند. یعنی ایرانگرایی مخصوص یک قوم و نژاد نیست. برخی نادان‌ها ایرانگرایی را با تفکر هیتلر که جنبه شدید نژادگرایانه داشت مقایسه می‌کنند. ولی از دید ما آریایی واژه نژادپرستانه نیست بلکه واژه فرهنگی است. کسانی که خودشان را متعلق به این فرهنگ آریایی می‌دانند مهم نیست که از چه نژادی باشند و رنگ پوستش چه باشد.»

پس از انقلاب اسلامی ۵۷ جشن‌ها و آیین‌های ملی و تاریخی ایرانیان مورد هجوم سازمانیافته و هدفمند جمهوری اسلامی قرار گرفت. اما با وجود دستگاه عظیم تبلیغاتی نه تنها برای تخریب بلکه جهت جایگزین کردن مراسم مذهبی شیعه بجای آداب و رسوم ملی، جامعه در برابر آن مقاومت نشان داده و حکومت را به عقب‌نشینی واداشت. حتی در سال‌هایی که برای نمونه، نوروز با ایام سوگواری شیعیان همزمان می‌شد، باز هم حکومت نتوانست مردم را وادارد که جشن باستانی هزاران ساله خود را برگزار نکنند و بجایش به عزاداری مذهبی بپردازند.

در بیش از دو دهه اخیر نسل‌های جوان به جشن‌ها و آیین‌هایی توجه نشان می‌دهند که به اندازه چهارشنبه‌سوری و نوروز و یا شب یلدا در جامعه گسترده نبوده‌اند؛ از جشن سده تا اسپندارمذ و... همچنین هفتم آبان به عنوان روز کوروش بزرگ از مراسمی است که در برابر تحمیل‌های مذهبی حکومت از سوی خود مردم شکل گرفت. جمعیت کثیری نه تنها در این روز راهی پاسارگاد می‌شدند بطوری که جمهوری اسلامی از هفتم آبان ۱۳۹۵ که شمار عظیمی در آنجا گرد آمدند، با ترغندهای گوناگون و سرکوب مانع برگزاری آن شد بلکه برای نوروز نیز هر سال شهروندان زیادی را پدید سفره هفت‌سین در کنار آرامگاه کوروش گرد می‌آمده‌اند. از سوی دیگر بابک خرم‌دین به عنوان قهرمانی که در برابر حمله و اشغال اعراب مسلمان ایستادگی کرد نیز به شدت مورد توجه قرار گرفت. جمهوری اسلامی اما کوهپیمایی به سوی قلعه بابک در نزدیکی شهر کلبر در

ثبت شکایت شماره از آسیب دیدگان و نابیناشدگان سرکوب مسلحانه در خیزش انقلابی ۱۴۰۱

● دکتر مجید خادمی که بینایی یکی از چشمان خود را از دست داده است، به گفته پزشکان حتی قابلیت خارج کردن گلوله از عمق چشم وجود ندارد و علاوه بر فقدان بینایی همچنین درد ناشی از بجا ماندن گلوله را نیز باید تحمل نماید.

● میرحسام ملکی از فاصله نزدیک مورد اصابت گاز اشک آور به صورت قرار گرفته و ماههاست تحت عملهای جراحی مختلف قرار داشته و آسیب به صورت و فک وی آنقدر شدید بوده که مدت‌ها فقط با کمک نی و از مایعات تغذیه می‌کرده است.

● رضا عزتی مورد اصابت چند گلوله قرار گرفته است؛ علاوه بر چشم و صورت حتی تعدادی گلوله وارد پیکر و قلب می‌شود که مجبور به جراحی قلب شده و در حال حاضر نیز یکی از چشمانش نقص شدید بینایی دارد و تعداد زیادی از گلوله‌ها در پیکر او باقی مانده و امکان خارج کردن آنها از بدن وجود ندارد.

پیام درفشان وکیل پایه یک دادگستری از طرح شکایت شماره از آسیب‌دیدگان از شلیک اسلحه مأموران جمهوری اسلامی و اشخاص نابینا شده در جریان سرکوب مسلحانه خیزش انقلابی ۱۴۰۱ خبر داده است.

پیام درفشان وکیل پایه یک دادگستری در تهران به «امتداد» گفته که پس از مراجعه تعدادی از آسیب‌دیدگان اعتراضات اخیر به وکیل و بررسی شواهد و مدارک کافی، اقدام به طرح شکایت نزد مراجع مختلف قضایی در استان‌های محل وقوع شده است.

دکتر مجید خادمی از جمله شاکبانی است که در پی شلیک مأموران حکومتی بینایی یکی از چشمان خود را از دست داده است. پیام درفشان درباره آنچه برای دکتر مجید خادمی اتفاق افتاده گفته که او در پی جان باختن یکی از هموطنان در اعتراضات، حداقل وظیفه انسانی خود را حضور بر مزار این جانباخته و ابراز همدردی با خانواده می‌دانسته است. دکتر مجید خادمی به همراه مادر و خواهرش به آرامستان مراجعه کرده اما به دلیل مسدود شدن ورودی محل توسط مأموران آنها بازگشته‌اند و «در حال بازگشت از مکان نامشخصی به سمت ایشان شلیک صورت پذیرفته و دچار مصدومیت در یکی از چشمان خویش شده‌اند.»

دکتر مجید خادمی پژوهشگر مهندسی شیمی است و در زمینه پژوهش‌های دارویی فعالیت می‌کرده است.



اینترنتشنال» در ایران زیاد سفر می‌کردم تا گزارش‌هایی از مناطق مختلف برای خوانندگان خارجی تهیه کنم. من تکرر را با سفر به بلوچستان، ترکمن صحرا، خوزستان و آذربایجان تجربه کرده‌ام در عین حال که وحدت را هم می‌دیدیم. یعنی: همه جای ایران سرای من است/ چو نیک و بدش از برای من است.

م-- در دوره دانشجویی هم در همین انگلستان در انجمن‌های دانشجویان ایرانیان تکرر و وحدت را تجربه کرده‌ام. همگی ما از پس‌زمینه‌های زبانی و منطقه‌ای مختلف ایران می‌آمدیم ولی در کنار هم در انجمنی که برای پیشرفت و ترقی ایران تاسیس کرده بودیم فعالیت داشتیم. یعنی هویت ایرانی همه ما را در کنار و در پیوند با هم نگه می‌داشت.

● بنابراین وقتی می‌گویند در جریان جنبش انقلابی کنونی نزدیکی و پیوند بین اقوام ایرانی محکم‌تر شده یعنی ما گذشته خودمان را دوباره پیدا می‌کنیم؟ همان وحدت در عین تکرر؟

-بله، و این نظام مشروعه یا جمهوری اسلامی مدتی این را از ما گرفته بود. ما دوباره آنرا پس می‌گیریم. اساساً قبل از انقلاب اسلامی در میان دوستان ما مسیحی، کلیمی و زرتشتی بودن مهم و مطرح نبود و ما آگاهی از دین خانوادگی همدیگر نداشتیم. همه ایرانی بودند از جمله کلیمی‌ها که بیش از دوهزار سال در ایران حضور داشته‌اند. ما اکنون در حال کشف کردن ثروت عظیم ملی و فرهنگی خودمان هستیم که از ما گرفته شده بود. من تحقیقی هم درمورد ۲۰۰ رمانی که بعد از انقلاب در ایران نوشته شده است انجام داده‌ام و در کانون ایران لندن درباره آن سخنرانی داشتم. در تمام این رمان‌ها گرایش به مفاهیم و مضامین ایرانگرایی است که موج می‌زند و نه اسلامگرایی. همین حالا هم رمان‌نویس و شاعر اسلامی نداریم یعنی نظم‌نویس اسلامی داریم که شاعر راستین نیست. همین چند روز پیش مستندی از صداوسیما جمهوری اسلامی در مورد داعش پخش شد که من متوجه شدم تحت عنوان داعش، هدفش محکوم کردن خود رژیم است که مانند داعش عمل می‌کند. چند روز بعد از آنهم دیدم که روزنامه‌های تندرو حکومت به این مستند توپیده‌اند. یعنی با پول خودشان این مستند ساخته شده ولی خودشان را به چالش گرفته است. این هویت ایرانی را هر جوری که بخواید بکوید، یکجوری خود را بیرون می‌کشد و عرض اندام می‌کند.

● آیا این ایرانگرایی پویا و زنده‌ای که شما از آن صحبت می‌کنید می‌تواند خود را با پروژه‌ها و گفتمان‌های نوین سیاسی مانند دموکراسی و پلورالیسم تطبیق بدهد؟

-به نظر من فقط با اتکاء به ایرانگرایی می‌شود دموکراسی و پلورالیسم را به دست آورد. زیرا اول باید قبول کنیم ایرانی وجود دارد. برخی این را قبول ندارند. وقتی این را قبول کردید وارد بازی می‌شوید. یک ایران و یک ملت ایران وجود دارد. در این ملت تکرر هست و همه مثل هم نیستند. انواع و اقسام ایرانیان وجود دارند و ایران مانند دسته‌گلی است از گل‌های مختلف.

وقتی این را قبول کردیم سپس در سنت و فرهنگ خودمان ریشه‌های آزادمنشی را پیدا می‌کنیم. ما اسیر لغات خارجی از جمله دموکراسی و سکولاریسم و چیزهایی که الان مد شده است شده‌ایم. من سعی می‌کنم از واژگان خودمان استفاده کنم. مثلاً وقتی شما شاهنامه را بخوانید در بخشی که کیخسرو از ایرانیان خداحافظی می‌کند و از آنها می‌خواهد لهراسب را به پادشاهی برگزینند بحث شدیدی در می‌گیرد. یعنی معلوم است در آن زمان پادشاه از اول تعیین نشده بود و باید انتخاب می‌شد. خُب، این ریشه همان چیزی است که خارجی‌ها می‌گویند دموکراسی یعنی مشارکت مردم در انتخاب پادشاه. داریوش کبیر هم توسط نمایندگان هفت تیره ایرانی انتخاب شد. البته ترفندی هم به کار برد ولی موضوع اصلی این بود که نمایندگان مردم مناطق مختلف در این انتخاب شرکت داشتند. یا در تاریخ معاصرمان در حدود صد سال پیش نخستین پارلمانی که در فاصله‌ی بین اروپای غربی و ژاپن تشکیل شد پارلمان ایران در پی انقلاب مشروطیت بود. یعنی ایران اولین کشور «جهان سومی» است که مردمانش از رعیت بودن بیرون آمده و شهروند شدند. ما لغت مشروطیت را درست کردیم زیرا می‌خواستیم که ریشه ملی داشته باشد. عثمانی‌ها واژه «دموقراتیا» را انتخاب کردند که هنوز هم هست ولی توضیح دادن آن برای مردم بسیار سخت است. ولی مشروطه یعنی این که حکومت شرط دارد. یعنی به هیچکس چک سفید نمی‌دهیم.

همه اقوام در انقلاب مشروطه نقش و شرکت داشتند. یعنی در آن زمان این تقسیم‌بندی‌های جدیدتر ترک و کرد و بلوچ و اینها نبود. الان هم اگر نگاه کنید خیلی از تاجیک‌های افغانستان خودشان را ایرانی می‌دانند. یعنی ایرانگرایی مخصوص یک قوم و نژاد نیست. برخی نادان‌ها ایرانگرایی را با تفکر هیتلر که جنبه شدید نژادگرایانه داشت مقایسه می‌کنند. ولی از دید ما آریایی واژه نژادپرستانه نیست بلکه واژه فرهنگی است. کسانی که خودشان را متعلق به این فرهنگ آریایی می‌دانند مهم نیست که از چه نژادی باشند و رنگ پوستش چه باشد.

● به این ترتیب این ایرانگرایی که در سال‌های اخیر و همچنین در جنبش کنونی قوی شده، تنها یک ابزار سیاسی در مقابله با جمهوری اسلامی نیست بلکه رویکردی تاریخی و فرهنگی است...

-بله، ببینید، این رژیم گذراست. من نمی‌خواهم عبارات مذهبی مانند خودشان به کار برم و بگویم که «اگر سگی آمد و به اقیانوس لیبسی زد، اقیانوس که نجس نمی‌شود». اینجا مسئله بازیافتن میراث و ثروتی است که داریم و آنرا می‌خواهیم دوباره کشف کنیم. بر اساس آنهم می‌خواهیم شرایط جدید و بهتر بسازیم.

● یعنی نگاهی هم به گذشته دارد و هم آینده؟

-ما از گذشته برای ساختن آینده می‌خواهیم استفاده کنیم. مهم‌ترین چیزی که در گذشته داشتیم همان وحدت در تکررمان بود. من قبل از انقلاب به واسطه کارم در «کیمهان



صدها شهروند با شلیک مأموران جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات بینایی یک یا هر دو چشم خود را از دست داده‌اند

قلب نیز صدمه رسانده و بر چه توجیهی صدها گلوله در شجاع کثیر بدون حتی امکان رعایت هدف‌زنی اینطور به گستردگی به کار گرفته شده است؟ آمر مسئول اصلی به کارگیری اسلحه نامناسب چه کسی است؟»

پیام درفشان افزوده که «تبصره ۱ ماده ۴ قانون بیان آمده که «تشخیص ناآرامی‌های موضوع ماده ۴ حسب مورد بر عهده رئیس شورای تأمین استان و شهرستان و در غیاب هر یک بر عهده معاونان آنان خواهد بود و در صورتی که فرماندار معاون سیاسی نداشته باشد این مسئولیت را به یکی از اعضای شورای تأمین محول خواهد نمود». بنابراین محرز است که شورای تأمین استان مسئولیت قانونی دارد که پاسخگو باشد چه افرادی موارد را انجام داده‌اند و اگر اطلاعی ندارد که مسئولیت سنگین‌تر می‌شود.»

سازمان حقوق بشر ایران سوم فوریه برابر با ۱۳ بهمن ۱۴۰۱ در بیانیه‌ای از شلیک «هدفمند» مأموران جمهوری اسلامی به صورت و چشم معترضان خبر داده و نوشته بود که با توجه به «کثرت گزارش‌ها» درباره شلیک به سر و صورت و همچنین گستردگی این مسئله در سراسر ایران شلیک‌ها به طور «هدفمند» صورت گرفته است.

محمود امیری‌مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران در این‌باره گفته که «یکی از مهم‌ترین گام‌ها در راستای دادخواهی برای قربانیان نقض حقوق بشر و اجرای عدالت آشکار کردن ابعاد جنایات از طریق مستندسازی است؛ و این امر مستلزم همکاری و مشارکت همه شهروندان است. علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگر تحت فرمان او باید بدانند که از هیچ‌یک از جنایاتشان چشم‌پوشی نخواهد شد و باید در قبال تمام جنایاتشان پاسخگو باشند.»

۱۴۰ پزشک متخصص چشم در ایران نیز اوایل آذرماه گذشته با امضای بیانیه‌ای شهادت دادند که از شروع اعتراضات در اواخر شهریور امسال تا آن زمان، شمار قابل توجهی از معترضان به خاطر اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای و پینت‌بال به چشم‌شان به مراکز درمانی مراجعه کرده بودند.

به گفته این پزشکان، تعداد زیادی از مجروحان اعتراضات اخیر بینایی یک یا دو چشم خود را از دست داده‌اند. آمار دقیق معترضان که از ناحیه چشم هدف شلیک نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند مشخص نیست، اما روزنامه نیویورک تایمز روز دوم آذر در گزارشی از آسیب دیدن چشم دست‌کم ۵۸۰ نفر معترضان خبر داده بود.

مجازات شوند و اگر تحقیقات به هیچ وجه مفید نشد و به نتیجه نرسید و شناسایی مرتکب و یا مرتکبین ممکن نشد بر اساس آنکه نباید خون شهروندان هدر شود دیه و ارش باید از بیت‌المال پرداخت گردد.»

همچنین به موجب قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری در نتیجه کلیه مأمورین انتظامی و نظامی و امنیتی مکلف به رعایت موازین دقیق و مشخص در این قانون هستند.

ماده ۳ قانون مربوطه مواردی که مأمورین حق بکارگیری سلاح را دارند در ۱۰ مورد محدود نموده است و موکلین مصدوم شامل وضعیت هیچکدام از موارد نیستند. بعلاوه تبصره ۳ ماده ۱۰ توضیح داده که «مأمورین مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً چاره‌ای جز بکارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان مراتب را رعایت نمایند:

- الف - تیر هوایی
- ب - تیراندازی کمر به پائین
- ج - تیراندازی کمر به بالا

همچنین ماده ۷ قانون نیز تأکید کرده که «مأمورین موضوع این قانون هنگام بکارگیری سلاح باید حتی‌المقدور با راه هدف قرار بدهند و مراقبت نمایند که اقدام آنان منجر به فوت نشود و به اشخاص ثالث که دخیل در ماجرا نمی‌باشند آسیب نرسد.» پیام درفشان در ادامه گفته که «سوال جدی اینجاست که چرا هیچکدام از موارد رعایت نشده و اساساً سلاحی که فاقد تطابق با موازین قانونی کشور است و اسلحه ساچمه‌زن که همزمان تعداد زیادی تیر در شجاع گسترده شلیک می‌نماید و قابلیت کنترل به هدف را ندارد بنا بر دستور چه شخصی و با چه توجیهی و بر اساس طی مراحل کارشناسی قانونی چه مرجعی اینطور گسترده برای به کارگیری در اختیار قرار گرفته است؟»

این وکیل دادگستری افزوده که «چطور این سلاح در ناآرامی‌های واقع شده در سال ۹۸ بنا بر تشخیص درست به کار گرفته نشده اما ناگهان برخلاف ضوابط قانونی کشور به این گستردگی بنا بر مسئولیت چه فردی اینگونه در اختیار تمامی نیروها قرار گرفته و با وجود ارائه گزارشات مبنی بر وقوع آسیب از طرف مراجع مسئول اما متوقف نشده است؟» به گفته او همانطور که شواهد کافی وجود دارد این مسئله علاوه بر نابینا نمودن تعداد زیادی از هموطنان عزیز و آسیب به بینایی و سلامت موکلین محترم حتی به اعضا و جوارح مانند

→ به گفته پیام درفشان او از «سرمایه‌های بی‌مانند کشور» است و دچار نقص دائم در چشم شده و بنا بر تشخیص پزشکان حتی قابلیت خارج کردن گلوله از عمق چشم وجود ندارد و بنابراین علاوه بر فقدان بینایی همچنین درد ناشی از بجا ماندن گلوله را نیز باید تحمل نماید.

یکی دیگر از شاکیان پرونده میرحسام ملکی است که از ناحیه صورت و فک به شدت آسیب دیده است. به گفته پیام درفشان این شهروند به دلیل شکل‌گیری اعتراضات در خیابان محل سکونتش و به توصیه همسایه‌ها به تغییر محل پارک اتومبیلش به محل امنی برای جلوگیری از آسیب دیدن به خیابان می‌رود اما «از فاصله بسیار نزدیک با اسلحه پرتابگر گاز اشک‌آور به صورت ایشان شلیک می‌شود و به حدی این فاصله نزدیک بوده که از شدت مهیب ضربی در نتیجه استخوان‌های فک بالا و پایین و دندان‌ها کاملاً خرد می‌شود. میرحسام ملکی ماه‌هاست تحت عمل‌های جراحی مختلف قرار گرفته و آسیب به ناحیه فک و دهان آنقدر شدید بوده که به مدت طولانی فقط با استفاده از نی امکان تغذیه مایعات را داشته است.»

رضا عزتی شهروند دیگری است که به همراه همسر و فرزندانش به مراسم چهلم حدیث نجفی رفته بود و در راه بازگشت متوجه راه‌بندان و شلیک مأموران به سمت اتومبیل‌ها می‌شود. او از اتومبیل پیاده شده و با تکان دادن دست به سمت مأموران تلاش داشته به آنها بگوید در اتومبیل کودک است و شلیک نکنند که خودش هدف چندین گلوله قرار می‌گیرد. بنا بر توضیحات پیام درفشان «علاوه بر چشم و صورت حتی تعدادی گلوله وارد پیکر و قلب می‌شود که مجبور به جراحی قلب شده و در حال حاضر نیز یکی از چشمان نقص شدید بینایی دارد و تعداد زیادی از گلوله‌ها در پیکر باقی مانده و بنا بر تشخیص پزشکان غیرقابل خروج است و در نتیجه تحمیل رنج فراوان نموده است.»

پیام درفشان همچنین توضیحاتی درباره مفاد قانونی در رابطه با این موضوع ارائه کرده است. رأی وحدت رویه شماره ۷۹۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۰ هیات عمومی دیوان عالی کشور که در حکم نص قانونی است تصریح کرده «در مواردی که مرتکب صدمه عمدی مادون قتل شناسایی نشده باشد، پرداخت دیه بر عهده بیت‌المال است.»

او افزوده که بنابراین «با لحاظ لزوم رعایت مواد ۴۳۵، ۴۷۴، ۴۷۵ و ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی ابتدائاً باید نسبت به شناسایی مرتکب اقدام شود و مرتکب یا مرتکبین طبق قانون

۱۳ شهرستان ایران در وضعیت قرمز؛ در شبانه‌روز گذشته کرونا جان ۲۴ شهروند را گرفت



عکس مربوط به دوره‌های قبلی کرونا است

● بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی وزارت بهداشت از روز گذشته تا امروز ۶ فروردین ماه ۱۴۰۲ تعداد ۸۹۱ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی و ۴۵۴ نفر از آنها بستری شدند. با این حساب، مجموع بیماران کووید ۱۹ در طول سه سال گذشته در کشور به ۷ میلیون و ۵۸۵ هزار و ۴۲۲ نفر رسیده است.

● بر اساس گزارش وزارت بهداشت، در حال حاضر ۱۳ شهرستان در وضعیت قرمز، ۴۸ شهر در وضعیت نارنجی، ۱۹۴ شهر در وضعیت زرد و ۱۹۳ شهر کشور نیز در وضعیت آبی قرار دارند.

● دکتر مینو معزز عضو کمیته علمی کشوری مقابله با کرونا گفته است: «مردم در دید و بازدیدهای عید حواسشان باشد که رعایت پروتکل‌ها را فراموش نکنند و فکر نکنند کرونا تمام شده است. به محض اینکه ماسک را کنار بگذارند و فاصله فیزیکی را رعایت نکنند، آمار کووید دوباره بالا می‌رود.»

«مردم در دید و بازدیدهای عید حواسشان باشد که رعایت پروتکل‌ها را فراموش نکنند و فکر نکنند کرونا تمام شده است. به محض اینکه ماسک را کنار بگذارند و فاصله فیزیکی را رعایت نکنند، آمار کووید دوباره بالا می‌رود.» به گفته وی «قبل از عید، که هنوز دید و بازدیدی در کار نبود، آمار مبتلایان و بستری‌ها در ماه اسفند بالا رفته بود. چه برسد به تعطیلات نوروز که مراسم عید دیدنی و ماچ و بوسه و دورهمی‌های بدون رعایت فاصله فیزیکی به راه است. در چنین شرایطی قطعاً آمار بیشتر می‌شود.»

اینهمه در حالیکه که در دیگر کشورهای جهان کرونا مهار شده و بسیاری از محدودیت‌ها مانند استفاده از ماسک جز در بیمارستان‌ها و مطب پزشکان، لغو شده است. گفتنی است که با اعلام یکبارگی پیروزی بر کرونا با اعلام کاهش شمار مبتلایان و به صفر رسیدن مرگ و میرها و همچنین برگزاری مراسم مذهبی و حکومتی در سال ۱۴۰۰ باعث شد تا به همگان به نوعی قبولانده شود که گویا شیوع کرونا پایان یافته است. این امر همزمان با لغو تمامی مقررات و پروتکل‌های محدودیت نیز بوده که فاصله‌گذاری و استفاده از ماسک توسط شهروندان را به حداقل رسانده است. پس از آن در سال ۱۴۰۱ نیز همه چیز عادی شد و وزارت بهداشت هم در عمل کرونا و تهدیدات آن را رها کرد.

از سوی دیگر، واکسن‌های عمومی نیز در ایران هرگز تکمیل نشد. طبق آمار رسمی، تا کنون ۶۵ میلیون و ۲۱۰ هزار و ۳۸۳ نفر دُز اول، ۵۸ میلیون و ۶۰۵ هزار و ۵۷۴ نفر دُز دوم و ۳۱ میلیون و ۶۷۰ هزار و ۱۹۲ نفر، دُز سوم و بالاتر واکسن کرونا را در کشور تزریق کرده‌اند و مجموع واکسن‌های تزریق شده در کشور نهایتاً به ۱۵۵ میلیون و ۴۸۶ هزار و ۱۴۹ دُز رسید.

پزشکی اصفهان نیز با اعلام اینکه در روز چهارم فروردین ۲۰۰ نفر با علائم شبیه آنفولانزا به مراکز درمانی استان مراجعه کردند گفت که تست کرونای ۸۵ نفر از آنها مثبت بوده است. وی افزود: «در حال حاضر ۲۰۷ بیمار به دلیل ابتلا به کرونا در بیمارستان‌ها و ۲۷ نفر نیز به دلیل وخامت وضعیت در بخش مراقبت‌های ویژه (ICU) بستری هستند.»

به گفته وی، در روز چهارم فروردین سه بیمار جدید در بیمارستان‌های استان، پذیرش و ۱۶ نفر مرخص شدند و ۲ نفر نیز فوت کردند.

در سوم فروردین نیز رضا طهماسبی معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی همدان با اشاره به اینکه طی ۲۴ ساعت گذشته حدود هزار و ۲۰۰ نفر با علائم تنفسی مشکوک به کرونا به بیمارستان‌های همدان مراجعه کردند اعلام کرد که از این تعداد حدود ۱۵۰ نفر در بیمارستان‌ها بستری شده و ۴۳ نفر از این بیماران نیز در بخش مراقبت‌های ویژه بستر می‌برند.

در همان روز سعید گل فیروزی رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان نیز با بیان اینکه شهرستان ترکمن در استان گلستان به علت شیوع کرونا در وضعیت نارنجی و پرخطر قرار گرفت گفته بود: «در حال حاضر ۹۱ بیمار مبتلا به کرونا در مراکز درمانی استان بستری هستند که از این تعداد حال ۱۰ نفر مساعد نیست.»

در همین ارتباط و سایت همشهری آنلاین به نقل از مینو معزز متخصص بیماری‌های عفونی نوشت: «در اسفندماه گذشته استفاده از ماسک توسط مردم در مکان‌های عمومی بسیار کاهش یافت و به ۱۷ درصد رسید و مسئولان هشدار دادند اگر وضع به همین منوال پیش برود، آمار ابتلا به کرونا و موارد بستری در کشور افزایش خواهد یافت.» عضو کمیته علمی کشوری مقابله با کرونا گفته است:

بنا بر اعلام وزارت بهداشت در شبانه‌روز گذشته ۲۴ بیمار کووید ۱۹ جان خود را در ایران به دلیل این بیماری از دست دادند و مجموع جانباختگان این بیماری طبق آمار رسمی از زمان شروع آن در بهمن ۱۳۹۸ به ۱۴۵ هزار و ۲۲۰ تن رسید. بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی وزارت بهداشت از روز گذشته تا امروز ۶ فروردین ماه ۱۴۰۲ تعداد ۸۹۱ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی و ۴۵۴ نفر از آنها بستری شدند. با این حساب، مجموع بیماران کووید ۱۹ در طول سه سال گذشته در کشور به ۷ میلیون و ۵۸۵ هزار و ۴۲۲ نفر رسیده است.

همچنین ۶۱۱ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها تحت مراقبت قرار دارند.

بر اساس این گزارش در حال حاضر ۱۳ شهرستان در وضعیت قرمز، ۴۸ شهر در وضعیت نارنجی، ۱۹۴ شهر در وضعیت زرد و ۱۹۳ شهر کشور نیز در وضعیت آبی قرار دارند.

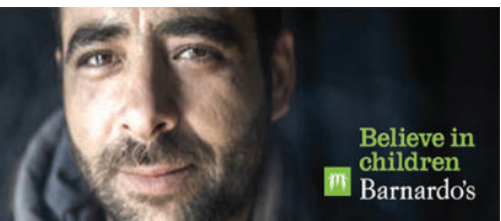
همچنین تا کنون طی پاندمی کرونا، ۷ میلیون و ۳۴۴ هزار و ۳۷۸ نفر از بیماران، بهبود یافته و یا از بیمارستان‌ها مرخص شده‌اند.

در همین زمینه وزیر بهداشت روز گذشته پنجم فروردین با بیان اینکه از ابتدای سال تا کنون مراجعه به اورژانس مراکز درمانی ۵۸ درصد و اعمال جراحی اورژانسی ۸ درصد افزایش داشته است گفت: «موج هشتم وپروس کرونا باعث افزایش مراجعه به مراکز درمانی شده است و مهمترین مسئله برای پیشگیری از ابتلا به این بیماری تزریق واکسن است.»

در همین ارتباط روز گذشته سخنگوی دانشگاه علوم

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



خواهد گذاشت زیرا افزایش مزد بهترین راه برای افزایش میزان تقاضای موثر در جامعه و خروج از رکود است و فریز آن مانع عبور کشور از مارپیچ رکودی بازار می‌شود.»

اعضای کمیته دستمزد در شرایطی بی تفاوت به وضعیت بحرانی معیشت خانوارهای کارگری و بازنشسته و دیگر اقشاری که درآمد آنها بر اساس رقم حداقل دستمزد تعیین می‌شود، رقمی ناچیز به سطح دستمزدهای کارگری در سال آینده افزوده‌اند که در توجیه این اقدام می‌گویند از مقامات دولتی «قول» گرفته‌اند که تورم را کنترل کنند!

علی خدایی نماینده کارگران در جلسات شورای عالی کار شب گذشته و پس از تعیین حداقل حقوق کارگران در سال آینده گفته شفاها از نمایندگان دولت قول گرفته‌اند که تورم کنترل می‌شود، و در صورت جلسه قید شده که اگر دولت حقوق کارکنانش را در طول سال افزایش دهد، این افزایش شامل حال کارگران نیز بشود.

علی خدایی همچنین در تحلیل جلسه نهایی تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲ اظهار کرد: ما میان راضی بودن و رضایت دادن باید تفکیک قائل شویم. نمایندگان کارگران در شورایی کار در واقع چه با امضاء و چه با حضور بدون امضای خود در این نشست، به نوعی به مصوبه مزدی صورت گرفته رضایت دادند و تأیید جلسه و مصوبه از سوی آن‌ها به منزله راضی بودن گروه کارگری از نظر قلبی نیست. این عضو کارگری شورایی کار با اشاره به ناراضی بودن طرف کارگری از میزان افزایش صورت گرفته در رابطه با حداقل دستمزد و تصمیم شورایی کار، گفت: البته در میان اعضای کارگری شورا یک نفر مصوبه مزدی را امضا نکرده و به آن رای نداد که در اینجا قصد پرداخت به آن را نداریم زیرا کار سه عضو نماینده کارگران در شورایی کار تیمی است و نظر اکثریت آن‌ها در این رابطه اهمیت دارد. لذا شکست یا موفقیت ما در گروهی تصمیم یک نفر نیست. سال‌هاست که فعالان کارگری در ایران می‌گویند کسانی که به عنوان نماینده کارگران در کمیته دستمزد حضور دارند و در روند تعیین رقم حداقل دستمزد مسئول و سهیم هستند، نمایندگان واقعی کارگران نیستند و در نتیجه برای احقاق حقوق کارگران تلاش همه‌جانبه ندارند. به عقیده فعالان کارگری انتخاب نمایندگان کارگری برای حضور در این کمیته از سوی تشکل‌ها و سندیکاهای مستقل کارگری صورت نمی‌گیرد بلکه فرایندی رانتی و مدیریت شده از سوی دولت است. در همین رابطه شورای بازنشستگان در بیانیه‌ای نوشته بود که «نمایندگان به اصطلاح سه‌جانبه‌گرانی در ساختار حکومتی شورای عالی کار به دور از اعمال اراده و بدون حضور و مشارکت نمایندگان واقعی کارگران، جلسات خودساخته مذاکرات مزدی را با اتکاء به غیبت تشکل‌های واقعی و مستقل با چانه‌زنی‌های مخصوص به خود پیش می‌برند تا با جوسازی انتظار و امید بالاخره مبلغی توافقی بعنوان «حداقل مزد» بین خودی‌های حکومتی اعلام شود. دستمزدی که هیچ ربطی به هزینه‌های زندگی در سبد واقعی معیشت ندارد و همان افزایش ناچیز هم با ادامه حرکت شتابان گرانی به سرعت بازپس گرفته می‌شود.»

کارگران می‌گویند با توجه به هزینه‌های بالای معیشتی و مشکلات اقتصادی، رقم تعیین شده برای حداقل دستمزد در نهایت هزینه یک هفته زندگی آنها را تأمین کند و برای سه هفته باقی‌مانده در ماه آنها هیچ منبع مالی در اختیار ندارند. این در حالیست که درآمد بیش از ۱۵ میلیون کارگر و بازنشسته متأثر از رقم تعیین شده برای حداقل حقوق خواهد بود. این رقم با توجه به اعضای خانواده این افراد جمعیتی چند میلیون نفری را به خیل جمعیت ناراضی و معترض به جمهوری اسلامی خواهد افزود.



هزار تومان بوده است.

این ارقام به این معناست که اگر یک کارگر با قرارداد رسمی مشغول به کار شود و کارفرما همه مزایای شغلی را به او پرداخت کند، حقوق او در نهایت به حدود ۵/۸ میلیون تومان در ماه می‌رسد. این در حالیست که ماه‌ها پیش رقم خط فقر برای یک خانواده ۴ نفره ساکن تهران ماهانه ۳۲ میلیون تومان و برای یک خانواده ساکن دیگر شهرهای ایران به طور میانگین ۲۰ میلیون تومان برآورد شده است.

افزایش تنها ۲۷ درصدی حقوق در حالیست که تورم در حال حاضر در مرز ۵۰ درصد است و میانگین تورم مواد خوراکی به حدود ۷۰ درصد می‌رسد. همچنین مسکن بعنوان یک کالای ضروری که به گفته کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی سهمی بیشتر از ۶۰ درصد در سبد هزینه خانوار دارد، تورمی بزرگ‌تر از ۴۰ درصد را از سر گذرانده، هزینه بهداشت و درمان ۵۴ درصد بیشتر و حمل و نقل ۵۰ درصد گران شده است. همچنین کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند که تورم در سال ۱۴۰۲ رقمی بالای ۴۰ درصد خواهد بود.

رقم ناعادلانه حداقل دستمزد برای کارگران نه تنها با ارقام واقعی هزینه زندگی و نرخ تورم همخوانی ندارد بلکه حتی با ارقام مورد توافق کمیته دستمزد درباره سبد معیشت خانوارهای کارگری هم فاصله زیادی دارد و مشخص نیست چرا افرادی تحت عنوان نماینده کارگران، کارفرمایان و دولت چنین رقم بی‌ربطی را برای حداقل دستمزد در نظر گرفته‌اند! اعضای کمیته دستمزد هفته گذشته رقم سبد معیشت در سال جاری برای یک خانوار ۳/۳ نفره را ۱۷ میلیون و ۸۴۸ هزار و ۳۰۰ تومان اعلام کردند.

تشکل‌های کارگری مستقل پیشتر در بیانیه‌ای مشترک خواستار افزایش حداقل دستمزد به ۲۵ میلیون تومان شده بودند. توجیه دولت و کارفرمایان برای مقاومت در برابر افزایش عادلانه دستمزد اما اینست که افزایش دستمزدها سبب افزایش تورم در پی افزایش نقدینگی می‌شود. این در حالیست که پیشتر کارشناسان این موضوع را رد کرده بودند. علیرضا حیدری اقتصاددان و نایب رئیس اتحادیه پیشکسوتان کارگری از جمله مخالفان چنین ادعایی از سوی دولت است. او گفته که «از زمانی که در سال‌های دور من نیز عضو شورای عالی کار بودم، ادعاهایی در این رابطه شنیدیم و معمولاً نیز وعده دولت‌ها برای کاهش تورم دروغ از آب درمی‌آمد.»

علیرضا حیدری افزوده که «پشت سر کنترل قیمتی یک رکود نیز خوابیده است. به این معنا کنترل و فریز دستمزد بیش از اینکه در تورم روانی موثر باشد، بر رکود واقعی تأثیر

رقم تحقیرآمیز حداقل

دستمزد در سال جدید؛

پایه حقوق فقط پنج

میلیون و ۳۰۷ هزار و

۳۳۰ تومان!

● افزایش تنها ۲۷ درصدی حقوق در حالیست که تورم در حال حاضر در مرز ۵۰ درصد است و میانگین تورم مواد خوراکی به حدود ۷۰ درصد می‌رسد.

● اگر یک کارگر با قرارداد رسمی مشغول به کار شود و کارفرما همه مزایای شغلی را به او پرداخت کند، حقوق او در نهایت به حدود ۵/۸ میلیون تومان در ماه می‌رسد.

● تشکل‌های کارگری مستقل پیشتر در بیانیه‌ای مشترک خواستار افزایش حداقل دستمزد به ۲۵ میلیون تومان شده بودند.

● نمایندگان کارگری در کمیته دستمزد در حالی با افزودن رقمی ناچیز به سطح دستمزدهای کارگری در سال آینده تن داده‌اند که در توجیه این اقدام می‌گویند از مقامات دولتی «قول» گرفته‌اند که تورم را کنترل کنند!

● به عقیده فعالان کارگری انتخاب نمایندگان کارگری برای حضور در این کمیته از سوی تشکل‌ها و سندیکاهای مستقل کارگری صورت نمی‌گیرد بلکه فرایندی رانتی و مدیریت شده از سوی دولت است.

کمیته دستمزد در شورای عالی کار در آخرین ساعات سال، رقم حداقل دستمزد برای سال آینده را تعیین کرد. امسال حداقل دستمزد کارگران چهار میلیون و ۱۷۹ هزار تومان بود که به پنج میلیون و ۳۰۷ هزار و ۳۳۰ تومان افزایش یافت و اگر کارگری همه مزایای شغلی را دریافت کند در نهایت دریافتی او حدود ۵/۸ میلیون تومان خواهد بود که با نرخ تورم و هزینه زندگی در ایران فاصله‌ی عمیقی دارد.

شورای عالی کار در آخرین روز سال، در جلسه‌ای ۷ ساعته، در نهایت در ساعت ۱:۲۹ دقیقه بامداد ۲۹ اسفندماه در مورد حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۲ به «توافق» رسید. بر اساس تصمیم این شورا حداقل دستمزد کارگران برای حداقل‌بگیران ۲۷ درصد افزایش پیدا کرد و برای سایر سطوح ۲۱ درصد به اضافه مبلغ ثابتی به صورت روزانه تعیین شد. به این ترتیب پایه مزد ماهانه کارگران حداقل‌بگیر به رقم ۵ میلیون و سیصد و هشت هزار و دویست و هشتاد و چهار تومان افزایش یافت و پایه سنوات روزانه نیز به دویست و ده هزار تومان رسید.

بر اساس گزارش‌ها دولت ابراهیم رئیسی در مذاکرات مزدی برای افزایش دستمزد مقاومت بسیاری کرد و در نهایت نیز حاضر به افزایش متناسب دستمزد کارگران نشد. امسال حداقل دستمزد کارگران چهار میلیون و ۱۷۹ هزار تومان بود که به پنج میلیون و ۳۰۷ هزار و ۳۳۰ تومان افزایش یافت. همچنین بن خواربار یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان و حق مسکن ۹۰۰ هزار تومان تعیین شد. حق مسکن کارگران در سال جاری ۶۵۰ هزار تومان و بن خواربار ۸۵۰

بحران جهانی آب و مشکلات فزاینده در ایران به دلیل تغییرات اقلیمی و سوء مدیریت



گذشته رسیده و میانگین روان آب سطحی در این دوره ۴۲ درصد کمتر از میانگین بلندمدت است. در ایران ۷۲ درصد بارش‌های جوی تخریب می‌شود و تنها ۲۲ درصد بارندگی به عنوان منبع آب سطحی جذب می‌گردد. از سوی دیگر توزیع زمانی و مکانی بارندگی در ایران یکسان نیست. حدود ۷۵ درصد از بارندگی کشور در سواحل جنوبی دریای کاسپین و تنها ۲۵ درصد از بارندگی در طول فصل رشد گیاهان می‌بارد. به دلیل دمای نسبتاً بالا، حدود نیمی از بارندگی سالانه تخریب می‌شود، بنابراین نهرهای دائمی کمی در ایران وجود دارد. علاوه بر این، رشد جمعیت و توزیع نامناسب فضای زیست جمعیت در حال حاضر باعث شده است که ۲۰ شهر پرجمعیت ایران با خطر کم‌آبی متوسط تا بسیار بالا مواجه باشند.

از سوی دیگر عدم استفاده صحیح از دانش روز و بی‌توجهی به هشدارهای کارشناسان درباره کم‌آبی سبب تشدید بحران شده است. به عقیده کارشناسان استفاده صحیح از اطلاعات اقلیمی و روش‌های علمی در بازنگری در طرح جامع مدیریت آب به منظور شناسایی مناطق و تهیه طرحی خاص که با ویژگی‌های اقلیمی هر منطقه مطابقت داشته باشد ضروری است. تغییر سیاست‌گذاری حکومت در زمینه مدیریت آبی، ایجاد قوانین مناسب و کاربردی برای مجوز مصرف آب و داشتن استانداردهای برداشت آب از آب‌های زیرزمینی از جمله اقدامات ضروری است که از سوی کارشناسان تأکید شده است. احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی دی‌ماه امسال از ته کشیدن منابع آبی در برخی مناطق کشور خبر داد و گفت که «بهره‌برداری‌های بی‌حد و حساب از منابع زیرزمینی باعث شده که ذخیره این آب‌ها نیز افت بسیاری پیدا کند و خیلی از دشت‌های آبی کشور به دشت‌های ممنوعه تبدیل شود؛ این بدین معناست که منابع آبی در این مناطق ته کشیده و قابل بهره‌برداری نیست و زمین در حال فرونشست است.»

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی افزوده بود که «بحران کمبود آب تقریباً به طرق مختلف سراسر کشور را تحت تأثیر قرار داده و تعداد زیادی از استان‌های کشور زیر تیغ تهدید کم‌آبی هستند. جدیت این معضل به قدری است که در بخش‌هایی از کشور شاهد جابجایی و مهاجرت ساکنان از مناطق خشک و کم‌آب به مناطق پرآب و پربارش بوده‌ایم.» کیهان لندن طی سال‌های گذشته گزارش‌های متعددی از بحران آب در مناطق مختلف ایران منتشر کرده است که عمدتاً بیانگر چشم‌اندازی هولناک از تنش و مهاجرت و درگیری‌های بومی و منطقه‌ای هستند.

بر اساس این گزارش، حدود ۱۰ درصد از جمعیت جهان در مناطقی زندگی می‌کنند که با تنش آبی بالا یا بحران آب روبرو هستند و بیش از سه و نیم میلیارد نفر حداقل یک ماه از سال در شرایط تنش آبی بسر می‌برند. همچنین تقریباً نیمی از جمعیت جهان در حال حاضر حداقل برای بخشی از سال با کمبود شدید آب روبرو هستند.

در بخشی از این گزارش به آب‌های آلوده اشاره شده و آمده که «دست‌کم دو میلیارد نفر در جهان، از یک منبع آب آشامیدنی آلوده به مدفوع استفاده می‌کنند که خطر ابتلا به وباء، اسهال خونی، حصبه و فلج اطفال را نزد این افراد افزایش خواهد داد.»

این گزارش همچنین با تأکید بر اینکه کنترل روند هدررفت پرسرعت منابع آبی نیاز به سرمایه‌گذاری سه برابری نسبت به سطوح کنونی دارد، تأکید کرده که «اکوسیستم‌های آب شیرین که علاوه بر آب، منابع اقتصادی پایدار حیاتی را تأمین می‌کنند و به مقابله با گرمایش زمین کمک می‌کنند، در معرض تهدید شدید قرار دارند.»

ریچارد کانر سردبیر تهیه این گزارش سازمان ملل در یک کنفرانس مطبوعاتی همزمان با انتشار گزارش با اشاره به وضعیت هشدارآمیز منابع آبی در جهان، نسبت به وقوع جنگ‌های آبی در آینده نزدیک هشدار داد.

به گفته ریچارد کانر «اگر کاری انجام نشود، اتفاق‌هایی که می‌افتد کاملاً قابل پیش‌بینی خواهد بود؛ بین ۴۰ تا ۵۰ درصد از جمعیت جهان به تأمین آب سالم و همچنین سرویس بهداشتی دسترسی نخواهند داشت و تقریباً ۲۰ تا ۲۵ درصد از جمعیت جهان باقی خواهد ماند.»

اوهشدار داد که با افزایش جمعیت جهان هر روز تعداد بیشتری از افراد به آب سالم و خدماتی که نیازمند آب است، دسترسی ندارند و این کمبودها بیشترین تأثیرش را بر فقرا می‌گذارد. او همچنین به تقویت همکاری‌های فرامرزی به عنوان ابزار اصلی برای جلوگیری از درگیری و تشدید تنش اشاره و تأکید کرد که ۱۵۳ کشور در جهان، حدود ۹۰۰ رودخانه، دریاچه و سیستم آبخوان مشترک دارند و بیش از نیمی از آنها توافقنامه همکاری برای حفظ منابع آبی امضا کرده‌اند.

ایران یکی از بحرانی‌ترین کشورها در رابطه با سوء مدیریت در حفظ منابع آبی است. آمارهای منتشر شده درباره وضعیت منابع آبی ایران نشان می‌دهد میزان بارندگی سالانه در ایران در سال‌های آبی ۱۳۴۰-۱۳۹۹ و ۱۴۰۱-۱۴۰۰ حدود ۲۰۰ میلی‌متر بوده که کمتر از یک سوم میانگین بارندگی سالانه جهانی است. به دلیل خشکسالی اخیر، میزان بارندگی به کمترین حد خود (حداقل بارش سالانه) در بیش از ۵۰ سال

● آنتونیو گوتش: استفاده ناپایدار از آب، توسعه بیش از حد، آلودگی و گرمایش مہار نشده زمین، منابع آب به عنوان رگ حیات بشر را به شکل فزاینده‌ای در معرض خطر قرار داده است.

● دست‌کم دو میلیارد نفر در جهان، از یک منبع آب آشامیدنی آلوده به مدفوع استفاده می‌کنند که خطر ابتلا به وباء، اسهال خونی، حصبه و فلج اطفال را نزد این افراد افزایش خواهد داد.

سازمان ملل در دومین روز سال جدید خورشیدی و همزمان با آغاز به کار اجلاس آب هشدار داد که جهان در معرض کمبود «قریب‌الوقوع» آب به دلیل مصرف بی‌رویه و آلودگی و تغییرات آب و هوایی قرار دارد.

اجلاس آب سازمان ملل امسال با میزبانی مشترک تاجیکستان و هلند از روز چهارشنبه دوم فروردین تا جمعه چهارم فروردین در نیویورک در حال برگزاریست. در این اجلاس حدود شش هزار و ۵۰۰ شرکت‌کننده از جمله ۱۰۰ وزیر و ۱۲ رئیس دولت گرد هم می‌آیند تا یکی از مهمترین بحران‌های کنونی کره زمین، یعنی کمبود منابع آب، را مورد بررسی قرار دهند.

در این اجلاس همچنین شرکت‌کنندگان پیشنهاداتی برای برنامه اقدامات آبی جهت معکوس کردن روند از بین رفتن منابع آبی ارائه می‌کنند و مقامات کشورهای مختلف نیز متعهد به اقداماتی جهت دسترسی به آب و خدمات بهداشتی برای همه انسان‌ها تا سال ۲۰۳۰ خواهند شد.

سازمان ملل متحد در گزارشی که ساعاتی پیش از اجلاس بزرگ این نهاد درباره وضعیت منابع آبی جهان در حدود نیم قرن گذشته منتشر شد، بار دیگر نسبت به وخیم‌تر شدن وضعیت کم‌آبی و خطرات آن هشدار داده است.

آنتونیو گوتش دبیرکل سازمان ملل در مقدمه این گزارش تأکید کرده که «جهان کورکورانه در مسیر خطرناکی پیش می‌رود زیرا مصرف بی‌رویه و استفاده ناپایدار از آب، توسعه بیش از حد، آلودگی و گرمایش مہار نشده زمین، منابع آب را به عنوان رگ حیات بشر به شکل فزاینده‌ای در معرض خطر قرار داده است.»

این گزارش بطور مشترک توسط بخش آب سازمان ملل (UN-Water) و یونسکو تهیه شده است. در این گزارش تأکید شده که «کم‌آبی در جهان در حال تبدیل شدن به آندمی و همه‌گیری در سطح بومی در مناطق و کشورهای مختلف است زیرا مصرف بی‌رویه، آلودگی و گرمایش زمین، هم مناطقی را که پیشتر تحت فشار بی‌آبی بوده‌اند و هم مناطقی را که آب کافی داشته‌اند با کمبود شدید آب روبرو خواهد کرد.»

آنالیز پهپادهای انتحاری جمهوری اسلامی در ارتش اوکراین: «تمام قطعات آن را می‌شود از چین سفارش داد!»



عمده پهپادهایی که جمهوری اسلامی برای روسیه ارسال کرده در کارخانه «هسا» ساخته می‌شود

ارسال پهپاد به روسیه برای جنگ در اوکراین را رد می‌کند. در ویدئویی که منابع اوکراینی در آن اطلاعاتی در مورد پهپادهای ساخت جمهوری ارائه داده‌اند، قطعات و بدنه پهپادهای «مهاجر-۶» نیز به چشم می‌خورد. تا چند ماه پس از آنکه روسیه استفاده از پهپادهای ارسالی جمهوری اسلامی را آغاز کرد برای مقابله حداکثری با آنها پرسش‌های زیادی مطرح شد. پایگاه خبری «اکسیوس» و اوخر اسفندماه ۱۴۰۱ به نقل از سه مقام اسرائیلی و اوکراینی گزارش داد که اسرائیل مجوزه‌های لازم را برای صادرات به اوکراین جهت فروش «سیستم‌های پارازیت ضد پهپاد» صادر کرده است. نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد که برای مقابله با این پهپادها بجای سیستم‌دفاعی پدافند کلاسیک بهتر است از «جنگال» [جنگ الکترونیک] استفاده شود.

در همین ارتباط اوخر مهرماه ۱۴۰۱ کیهان لندن خلاصه‌ای از تحقیقات در مورد «نحوه عملکرد پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی در جنگ اوکراین» را منتشر کرد. شهرام سبزواری کارشناس نظامی در همین ارتباط توضیح داده بود آنچه پهپادهای انتحاری ساخت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را متمایز کرده حرکت ترکیبی آنها در کنار یک پهپاد شناسایی و هدایتگر به اسم «یسیر» است. این نوع پهپاد هدف را شناسایی و نقطه‌گذاری می‌کند و سپس پهپادهای انتحاری «شاهد ۱۳۶» که در آسمان در حال پرسه زدن هستند به هدف اصابت می‌کنند. وی درباره آنالیز پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی توسط اوکراینی‌ها به «کیهان لندن» می‌گوید: «تلفیق پهپاد یسیر با هوش مصنوعی به منظور بهبود کارایی و دقت در هدایت پهپادها بطور گسترده‌ای در صنعت نظامی و سایر صنایع مورد استفاده قرار می‌گیرد. ترکیب پهپاد شاهد ۱۳۶ با پهپاد یسیر با استفاده از هوش مصنوعی، قادر به انجام وظایف پیچیده‌تر و دقیق‌تر شده است.»

سبزواری می‌افزاید: «در این پهپاد، هوش مصنوعی به صورت الگوریتم‌های پیشرفته مثل شبکه‌های عصبی تا واکنش نهایی بدن عمل می‌کند. این پهپادها هنگام پرواز داده‌ها را از روی سطح جمع‌آوری می‌کنند. این الگوریتم‌ها به پهپاد کمک می‌کند تا بتواند در مسیر پرواز به صورت خودکار تصمیم‌گیری کرده و به محل مورد نظر برسد. همچنین با توجه به اطلاعاتی که از محیط پیرامون پهپاد جمع‌آوری می‌شود، هوش مصنوعی می‌تواند به پهپاد کمک کند تا به صورت دقیق‌تر به مقصد برسد و عملیات مورد نظر را انجام دهد. درواقع استفاده از تلفیق پهپاد یسیر با هوش مصنوعی در پهپاد شاهد ۱۳۶، عملکرد پهپاد را بهبود بخشیده و آن را به یک پهپاد هوشمند و کارآمد تبدیل کرده است.»

ارتش اوکراین تحقیق روی بقایای پهپادهای «شاهد ۱۳۱» و «شاهد ۱۳۶» را که در میدان جنگ در نواحی مختلف ساقط شده‌اند با هدف یافتن نحوه عملکرد آنها آغاز کرده‌اند تا شیوه مقابله بهتر با آنها را پیدا کنند. مأموریت آنها محرمانه بود و محل دقیق تحقیقات فاش نشد.

در ویدئوی منتشرشده، یک متخصص تمام قطعات یک پهپاد را روی یک میز گذاشته و نشان می‌دهد: پهپادهای انتحاری «شاهد» حاوی ۲۰ کیلوگرم «تی‌ان‌تی» با قابلیت انفجار شدید است. روسیه تا کنون عمدتاً از پهپادهای «شاهد ۱۳۶» استفاده کرده که ۴۰ تا ۵۰ کیلوگرم تی‌ان‌تی حمل می‌کند. آنچه محققان به آن پی بردند این است که تمام قطعات پهپاد را می‌توان از طریق یک شرکت پُستی چینی سفارش داد و خریداری کرد. ساختار داخلی پهپادها ساده اما مؤثر است: برای آنها «آنتن CRP» ضروری است که به آنها برای مقاومت در برابر سلاح‌های الکترونیک اوکراین کمک می‌کند.

این متخصص به «رادپورفرد» توضیح داده است: «شما می‌توانید تمام قطعات را از شرکت AliExpress که یک شرکت سفارش پستی از چین است خریداری کنید. این پهپاد همچنین دارای یک آنتن GPS و یک باتری پایه برای تأمین منبع حرکتی آن است.» هنگام آنالیز پهپاد «شاهد» معلوم شد که بیشتر قطعات در کشورهایی مثل ژاپن و ایالات متحده آمریکا و همچنین در چین ساخته شده است. تولیدکنندگان ایرانی پهپاد در حال حاضر در آمریکا تحریم شده‌اند تا قطعات آن به ایران ارسال نشود. با وجود شواهد و مدارک اما جمهوری اسلامی همچنان

● یک متخصص اوکراینی در یک ویدئو که توسط «رادپو فردا» منتشر شده می‌گوید پهپادهای انتحاری «شاهد» حاوی ۲۰ کیلوگرم «تی‌ان‌تی» با قابلیت انفجار شدید هستند. روسیه تا کنون عمدتاً از پهپادهای «شاهد ۱۳۶» استفاده کرده که ۴۰ تا ۵۰ کیلوگرم تی‌ان‌تی حمل می‌کنند.

● ساختار داخلی پهپادها ساده اما مؤثر است: برای آنها «آنتن CRP» ضروری است که به آنها برای مقاومت در برابر سلاح‌های الکترونیک اوکراین کمک می‌کند.

● اوکراینی‌ها می‌گویند تمام قطعات پهپادهای ساخت ایران را می‌شود از شرکت AliExpress که یک شرکت سفارش پستی از چین است خریداری کرد.

● شهرام سبزواری کارشناس نظامی به کیهان لندن می‌گوید «در این پهپاد، هوش مصنوعی به صورت الگوریتم‌های پیشرفته مثل شبکه‌های عصبی تا واکنش نهایی بدن عمل می‌کند. این پهپادها هنگام پرواز داده‌ها را از روی سطح جمع‌آوری می‌کند. این الگوریتم‌ها به پهپاد کمک می‌کند تا بتواند در مسیر پرواز به صورت خودکار تصمیم گرفته و به محل مورد نظر برسد.»

ولادیمیر پوتین ماه‌هاست که از پهپادهای انتحاری ساخت جمهوری اسلامی در جنگ علیه اوکراین برای تخریب زیرساخت‌های این کشور استفاده می‌کند. اکنون ویدئویی از «رادپو فردا» پخش شده که نشان می‌دهد اوکراینی‌ها از روی یک نمونه از این پهپادها که ساقط شده به آنالیز سیستم داخلی آن پرداخته‌اند.



پهپاد «یسیر»

آنها گرفته تا تاریخ ازدواج و مرگ. بخش عمده اطلاعات و محتوای شبکه‌ها بهم ریخته بود. هرکرا اطلاعات طبقه‌بندی شده از جمله هویت صدها نفر را جمع‌آوری، حذف یا منتشر کردند. در این حملات از اطلاعات حساس و ایمیل افسران و سازمان‌های امنیتی تا حساب و اطلاعات شخصی مشتریان بانک‌ها لو رفت.

ایدی راما نخست وزیر آلبانی می‌گوید برای اقدام «خیلی خیلی دیر شده بود و حملات بسیار سنگین بود.»

تقریباً همه متخصصان و ناظران از واحد سایبری FBI و شرکت امنیت سایبری «ماندینت» و واحد امنیت سایبری مایکروسافت تا مرکز امنیت سایبری ملی بریتانیا همگی در گزارش‌های خود رژیم ایران را به عنوان تنها مجرم نام برده‌اند. نخست وزیر آلبانی تأیید می‌کند که یکی از دلایل اصلی حمله سایبری رژیم ایران به زیرساخت‌های دولتی و خصوصی این کشور استقرار سازمان مجاهدین خلق در آلبانی است.

حملاتی که بعد از بازدید مایک پمپئو وزیر خارجه پیشین آمریکا و مایک پنس معاون دونالد ترامپ در دوران ریاست جمهوری از کمپ اشرف (محل استقرار مجاهدین در آلبانی) شدت گرفت. اما ایدی راما می‌گوید برای این کشور پذیرفتن پناهجویان یک اصل بشردوستانه است. تحلیلگران معتقدند حضور یهودیان در آلبانی نیز می‌تواند انگیزه‌های جمهوری اسلامی برای تداوم این حملات را بیشتر کند. در همین ارتباط «فارین پالیسی» می‌نویسد «آلبانی تنها کشوری در اروپاست که بعد از جنگ دوم جهانی تعداد یهودیان آن نسبت به قبل از جنگ افزایش پیدا کرده است.»

بنجامین رید مدیر ارشد بخش تحلیل جاسوسی سایبری «فایرآی» می‌گوید: «به استثنای حملات سایبری روسیه به اوکراین که همزمان با بمباران این کشور انجام شد حمله سایبری به زیرساخت‌های دولت آلبانی شاید وسیع‌ترین شکل این حملات به یک کشور در زمان صلح بوده است.» کارشناسان سایبری می‌گویند چینی‌ها به جاسوسی و روس‌ها به نفوذ و جمهوری اسلامی به حملات سایبری علاقمند هستند با این حال رد پای حمایت‌های روسیه از حملات سایبری جمهوری اسلامی نیز دیده می‌شود. به نوشته «فارین پالیسی»، حامد محمدی نظامی سابق و روزنامه‌نگار در «کیهان لندن» می‌گوید: «آخوندها گوش به فرمان روسیه هستند هرچند که ادعا می‌کنند مستقل‌اند اما نفوذ روسیه در ساختار تصمیم‌گیری‌های جمهوری اسلامی به ویژه در رابطه با مسائل امنیت و نظامی بسیار زیاد است.»

فاتوس کلوسی از رؤسای پیشین پلیس مخفی آلبانی معتقد است حمله به زیرساخت‌های این کشور «بسیار ساده» است. وی می‌گوید «آسیب‌پذیری آلبانی به دلیل فشار سریع برای دیجیتال کردن خدمات دولتی است.»

ایدی راما نخست وزیر آلبانی می‌گوید: «اکنون ۹۵ درصد خدمات عمومی آنلاین شده است. این نقطه قوت ما از نظر مدرنیزاسیون است اما به نقطه آسیب‌پذیر ما نیز بدل شده است.»

یک منبع دیپلماتیک که نخواست نامش فاش شود گفته «به اشتراک‌گذاری اطلاعات با کشورهای شریک فاجعه‌بار بود. بطور مشخص همکاری عملیاتی کشورهای شریک با آلبانی مستقیماً تحت تأثیر حملات سایبری قرار گرفته است.»

در ماه‌های اخیر، کارشناسان سایبری بریتانیا نسبت به حملات فیشینگ هدفمند از سوی روسیه و ایران هشدار داده‌اند. آنها همچنین هشدار دادند که هدف این حملات عموم مردم نیست، بلکه آنان بخش‌های مشخصی از جمله دانشگاه، نهادهای دفاعی، سازمان‌های دولتی، سازمان‌های غیردولتی، اندیشکده‌ها و سیاستمداران، روزنامه‌نگاران و فعالان را هدف قرار می‌دهند.



ژنرال ویلیام هارمن فرمانده نیروی ملی مأموریت سایبری آمریکا

که بارها توسط هکرهای وابسته به جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفته است شناسایی و ترمیم کنند.

آلبانی عضو ناتو است و این مأموریت با عنوان عملیات «شکار» اولین همکاری مشترک سایبری آمریکاست که فرماندهی آن را پرسنل «سایبرکام» ایالات متحده بر عهده داشتند. مجله «فارین پالیسی» (سیاست بین‌المللی) در گزارشی به «چگونگی تبدیل شدن آلبانی به هدفی برای حملات سایبری» پرداخته و می‌نویسد «یک حمله گسترده سایبری منجر به اخراج دیپلمات‌های جمهوری اسلامی از تیرانا شد اما تهران ممکن است برای این حملات از مسکو کمک گرفته باشد.» نویسنده این گزارش، ایمان عوقانا در مقدمه گفته وقتی که خیابان محل سفارت روسیه در تیرانا پایتخت آلبانی، به «اوکراین آزاد» تغییر نام داد، روس‌ها تصمیم به نقل مکان گرفتند. آنها هوشمندانه دوربین‌های بیرون ساختمان را جمع کردند، آنتن‌های ارتباطی را برداشتند و پرچم‌شان را پایین آوردند.

اما دیپلمات‌های جمهوری اسلامی پس از آنکه مشخص شد رژیم ایران پشت حملات سایبری به زیرساخت‌های آلبانی قرار دارد فرصت زیادی برای ترک آلبانی نداشتند. هفتم سپتامبر ۲۰۲۲ ایدی راما نخست وزیر آلبانی به آنها ۲۴ مهلت داد تا بساط خود را جمع کنند به ایران برگردند. شاهدان عینی می‌گویند با فرارسیدن شب کارکنان سفارت رژیم اسناد را در یک بشکه فلزی سوزاندند و قبل از اینکه مأموران اطلاعات آلبانی برسند آنجا را ترک کردند.

انگیزه جمهوری اسلامی از حملات سایبری به آلبانی مشخص است: استقرار سازمان مجاهدین خلق در این کشور، عضویت آلبانی در ناتو و حضور یهودیان در آلبانی. آلبانی مدام با حملات سایبری روبروست که زیرساخت‌های دیجیتال عمومی و بخش خصوصی این کشور را ویران می‌کند. دفتر تحقیقات فدرال ایالات متحده (FBI) می‌گوید هرکرا در سال ۲۰۲۱ به سرورهای دولت آلبانی «دسترسی مستمر» پیدا کردند. بخشی از این حملات شامل نفوذ «باج‌افزارها» و بدافزارهایی بود که طی یک حمله مخرب بخش عمده‌ای از داده‌ها و اطلاعات را بهم ریخت یا حذف کرد. گروه هکری (APT۴۲) یکی از زیرمجموعه‌های گروه موسوم به «تهدید پیشرفته مدام» (APT) متهم اول حمله سایبری به زیرساخت‌های آلبانی است.

هرکرا وبسایت‌های دولتی آلبانی را با استفاده از باج‌افزار از کار انداختند و خدمات عمومی را مختل کردند. از آنجا که بخش عمده خدمات دولتی در آلبانی آنلاین شده این حملات تمام زندگی شهروندان را مختل کرد؛ از تاریخ تولد

کمک آمریکا به آلبانی برای مقابله با حملات سایبری؛ «فارین پالیسی»: احتمال همکاری هکرهای روسی با رژیم ایران

● با نظارت سرلشکر ویلیام هارمن فرمانده نیروی ملی مأموریت سایبری آمریکا (CNMF) یک تیم از نیروهای عملیات سایبری آمریکا در یک دوره سه‌ماهه به مقامات آلبانی کمک کردند، تا نقاط ضعف زیرساخت‌های سایبری این کشور را که بارها توسط هکرهای وابسته به جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفته است شناسایی و ترمیم کنند.

● مجله «فارین پالیسی» (سیاست بین‌المللی) در گزارشی به «چگونگی تبدیل شدن آلبانی به هدفی برای حملات سایبری» پرداخته و می‌نویسد «یک حمله گسترده سایبری منجر به اخراج دیپلمات‌های جمهوری اسلامی از تیرانا شد اما تهران ممکن است برای این حملات از مسکو کمک گرفته باشد.»

● ایدی راما نخست وزیر آلبانی می‌گوید: «اکنون ۹۵ درصد خدمات عمومی آنلاین شده است. این نقطه قوت ما از نظر مدرنیزاسیون است اما به نقطه آسیب‌پذیر ما نیز بدل شده است.»

● تقریباً همه متخصصان و ناظران از واحد سایبری FBI و شرکت امنیت سایبری «ماندینت» و واحد امنیت سایبری مایکروسافت تا مرکز امنیت سایبری ملی بریتانیا همگی در گزارش‌های خود رژیم ایران را به عنوان تنها مجرم نام برده‌اند.

● بنجامین رید مدیر ارشد بخش تحلیل جاسوسی سایبری «فایرآی»: «به استثنای حملات سایبری روسیه به اوکراین که همزمان با بمباران این کشور انجام شد حمله سایبری به زیرساخت‌های دولت آلبانی شاید وسیع‌ترین شکل این حملات به یک کشور در زمان صلح بود.»

● به نوشته «فارین پالیسی»، حامد محمدی نظامی سابق و روزنامه‌نگار در «کیهان لندن» می‌گوید «آخوندها گوش به فرمان روسیه هستند هرچند که ادعا می‌کنند مستقل‌اند اما نفوذ روسیه در ساختار تصمیم‌گیری‌های جمهوری اسلامی به ویژه در رابطه با مسائل امنیت و نظامی بسیار زیاد است.»

● فاتوس کلوسی از رؤسای پیشین پلیس مخفی آلبانی معتقد است حمله به زیرساخت‌های این کشور «بسیار ساده» است. وی می‌گوید «آسیب‌پذیری آلبانی به دلیل فشار سریع برای دیجیتال کردن خدمات دولتی است.»

سرلشکر ویلیام هارمن فرمانده نیروی ملی مأموریت سایبری آمریکا (CNMF) در بیانیه‌ای که ۲۳ مارس (سوم فروردین) منتشر شد اعلام کرد یک تیم از نیروهای عملیات سایبری آمریکا در یک دوره سه‌ماهه به مقامات آلبانی کمک کردند، تا نقاط ضعف زیرساخت‌های سایبری این کشور را



دیدار علی شمخانی با قاسم الاعرجی دبیرشورای عالی امنیت ملی عراق

مأموریت منطقه‌ای شمخانی به دستور خامنه‌ای: باز کردن کانال‌های ارزی و توافق‌های امنیتی

هست بیشتر عیان نشود. هرچند که امیرعبداللهیان این اختلافات را تکذیب می‌کند اما همین تکذیب نیز نشان از وجود اختلافات و انزوای وی در سیاست‌های دست‌کم منطقه‌ای جمهوری اسلامی دارد.

از سوی دیگر، سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی می‌گوید «ما اتفاقات اخیر در بحث ارز را یک توطئه می‌دانیم. ما فقط مسائل اقتصادی را در التهابات بازار ارز دخیل نمی‌دانیم، بلکه توطئه‌ای است که دشمن دنبال می‌کند و می‌خواهند در صحنه اقتصادی و موضوع ارز دخالت کند و آن را مبنایی برای ایجاد ناآرامی‌ها کنند.» اگرچه مأموریت اصلی علی شمخانی باز کردن کانال‌های ارزی است، اما رسانه‌های داخلی از توافق‌های دیگری نیز خبر داده‌اند از جمله در دیدار با قاسم الاعرجی مشاور امنیت ملی دولت عراق درباره حضور و فعالیت احزاب مسلح کرد گفتگو شده است. این سفر به دعوت قاسم الاعرجی انجام شده و رسانه‌های داخلی با تأکید بر «پایان حضور احزاب مسلح گرد در اقلیم کردستان» نوشته‌اند در جریان این سفر «سند همکاری‌های مشترک امنیتی که چندین ماه در مورد تهیه آن گفتگو و تبادل نظر شده نیز به امضای مقامات عالی امنیتی دو کشور خواهد رسید.» در ادامه این خبر آمده است: «این سند که تقویت‌کننده مسئولیت‌پذیری و تعهد متقابل برای حفاظت فعال از حسن همجواری و حراست از امنیت مرزهای مشترک است، نقش تعیین‌کننده‌ای در پایان دادن به حضور غیرقانونی ضدانقلاب مسلح و عناصر وابسته به رژیم صهیونیستی در مرزهای شمال غرب ایران خواهد داشت.»

در هر حال به نظر می‌رسد این سفرها اختلافات درون حکومت را تشدید کرده است زیرا برخی جریان‌های درون نظام به شدت به علی شمخانی بی‌اعتمادند و نسبت به فساد گسترده او و خانواده‌اش موضع دارند. برخی دیگر از خودی‌های نظام وی را نفوذی می‌دانند! به ویژه پس از اعدام علیرضا اکبری معاون سابق علی شمخانی به اتهام جاسوسی برای انگلیس، فشارها روی او از سوی جریان‌های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و باندهای امنیتی حکومت بیشتر شده است. گفتنی است سردار پاسدار علیرضا عسگری معاون دیگر شمخانی نیز بطور مشکوکی در سال ۲۰۰۷ در ترکیه ناپدید شد. برخی منابع ادعا کرده بودند او با اسرائیل و آمریکا همکاری می‌کند. با اینهمه به نظر می‌رسد شمخانی از اعتماد کامل علی خامنه‌ای و اطرافیانش برخوردار است که وی را برای گشایش‌های ارزی و امنیتی به سفرهای منطقه‌ای فرستاده است.

گران‌ها در بازار تحت تأثیر قیمت دلار موج جدیدی از اعتراضات را پی خواهد داشت.

با توجه به اهمیت قیمت درهم بر تعیین قیمت دلار در تهران، سفر شمخانی سبب شد تا دلار به ۴۵ هزار تومان کاهش پیدا کند. قیمت دلاری درهم از ضرب نسبت برابری درهم به دلار به دست می‌آید و سال‌هاست که تعیین‌کننده جهت قیمت دلار در تهران است.

محمد فرزین رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعلام کرد موفقیت در عرصه سیاست خارجی و ارتباط با همسایگان به ویژه کشورهای عربی و توافق با عربستان و امارات عامل «گشایش ارزی» بود. وی مدعی شد که روز شنبه ۲۷ اسفند ۶۳۰ میلیون درهم در مرکز مبادله رد و بدل شده است. او همچنین وعده داد کانال‌های ارزی جدیدی نیز در آینده ایجاد خواهد شد.

محمد فرزین یکی از همراهان علی شمخانی در سفر به بغداد است. برای جمهوری اسلامی مشکل وقتی جدی می‌شود که عراق قصد پیوستن به سوئیفت را دارد که اگر عملی شود مسیرهای دور زدن تحریم‌ها توسط جمهوری اسلامی از کانال‌های عراق را بسیار محدودتر خواهد کرد. شمخانی و همراهانش از محل کشته شدن قاسم سلیمانی در نزدیک فرودگاه عراق نیز دیدن کردند.

بر اساس گزارش روزنامه وال‌استریت ژورنال، پیوستن عراق به سوئیفت بخش عمده حواله‌های دلاری روزانه عراق به ایران یا انتقال پول از طریق صرافی‌ها از عراق به ایران را مختل می‌کند. دولت عراق به آمریکا تعهد داده سیستم بانکداری این کشور در چارچوب مبارزه با فساد و پولشویی فعالیت خواهد کرد و این به ضرر جمهوری اسلامی است.

مأموریت علی شمخانی از سوی علی خامنه‌ای ترمیم روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی با کشورهای عربی منطقه است. عقب‌نشینی علی خامنه‌ای از مواضع قبلی خود علیه سعودی‌ها و توافق امنیتی با عربستان با میانجیگری جمهوری خلق چین مقدمه راهبرد جدید جمهوری اسلامی است. مجموع تحرکات شمخانی در هفته‌های اخیر سبب شد مجراهای تنفسی برای اقتصاد بحران‌زده جمهوری اسلامی باز شود. مقامات حکومت تلاش می‌کنند با الگوهای عمدتاً روسی «تاب‌آوری» اقتصاد را در مقابل آنچه «جنگ ترکیبی» می‌خوانند افزایش دهند.

اینهمه در حالیست که به نظر می‌رسد برای کم شدن درگیری و اختلافات بین شمخانی و وزارت خارجه جمهوری اسلامی او هر جا که برود صحبت از «توافق امنیتی» می‌کند تا موضوع منزوی شدن حسین امیرعبداللهیان از آنچه واقعا

● شمخانی که به نمایندگی از طرف علی خامنه‌ای بعد از پکن و ابوظبی به بغداد رفته، در عمل پا در کفش وزیر خارجه جمهوری اسلامی و مسئولیت‌های وی کرده است. تقریباً مشابه سفرهای خارجی و مأموریت‌های امنیتی قاسم سلیمانی که محمدجواد ظریف وزیر خارجه وقت در دولت روحانی را دور می‌زد و مستقیم از سوی علی خامنه‌ای به مذاکره از جمله با مسکو و بغداد می‌پرداخت. ● مأموریت علی شمخانی ترمیم روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی با کشورهای عربی منطقه است. عقب‌نشینی علی خامنه‌ای از مواضع قبلی خود علیه سعودی‌ها و توافق امنیتی با عربستان با میانجیگری جمهوری خلق چین مقدمه راهبرد جدید جمهوری اسلامی است.

● رسانه‌های داخلی از توافق‌های امنیتی دیگری نیز خبر داده‌اند از جمله در دیدار با قاسم الاعرجی مشاور امنیت ملی دولت عراق درباره حضور و فعالیت احزاب مسلح کرد گفتگو شده است.

● به نظر می‌رسد برای کم شدن درگیری و اختلافات بین شمخانی و وزارت خارجه جمهوری اسلامی او هر جا که برود صحبت از «توافق امنیتی» می‌کند تا موضوع منزوی شدن حسین امیرعبداللهیان از آنچه واقعا هست بیشتر عیان نشود.

یک هفته بعد از دیدار علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی با مقامات اماراتی در ابوظبی از جمله شیخ محمد بن زاید آل‌نهیان رئیس دولت امارات، کانال‌هایی برای انتقال درهم به بازار مالی ایران باز شد.

شمخانی که به نمایندگی از طرف علی خامنه‌ای بعد از پکن و ابوظبی به بغداد رفته، در عمل پا در کفش وزیر خارجه جمهوری اسلامی و مسئولیت‌های وی کرده است. تقریباً مشابه سفرهای خارجی و مأموریت‌های امنیتی قاسم سلیمانی که محمدجواد ظریف وزیر خارجه وقت در دولت روحانی را دور می‌زد و مستقیم از سوی علی خامنه‌ای به مذاکره از جمله با مسکو و بغداد می‌پرداخت. تکرار این رویه در دولت سیزدهم به ریاست ابراهیم رئیسی نشان می‌دهد خامنه‌ای به دولت کنونی و حسین امیرعبداللهیان و تیم او نیز اعتماد ندارد.

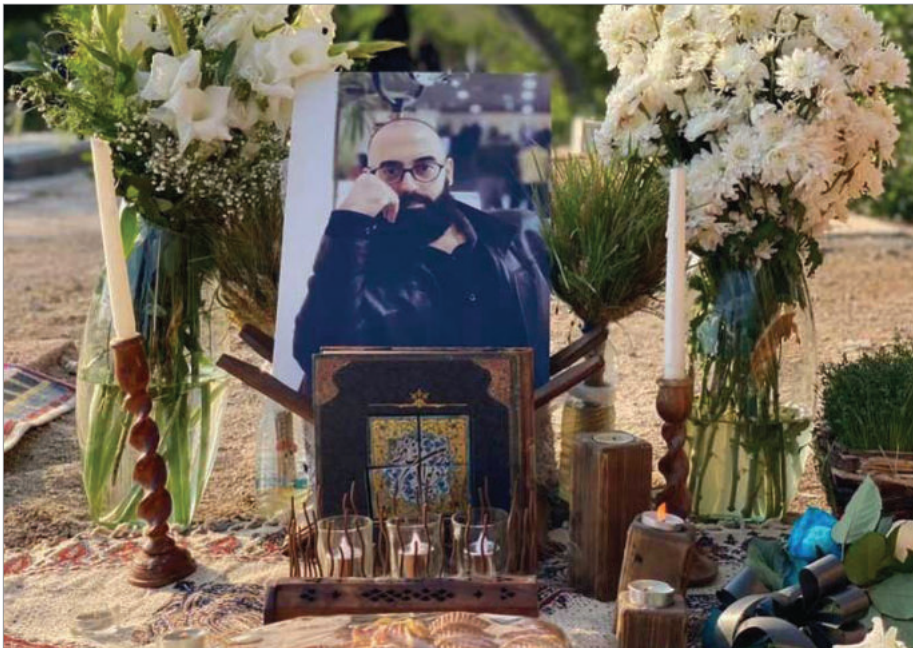
در این میان، امتیازی که اماراتی‌ها به جمهوری اسلامی داده‌اند در شرایطی است که چندی پیش افزایش قیمت دلار به بالای ۶۰ هزار تومان برای حکومت یک بحران جدی به دنبال آورد. شماری از مقامات هشدار داده بودند که ادامه

و معذوریت دارم ولی شما اصلا حالت خوب نیست و اتفاق بدی برات افتاده و باید پیگیری کنی و کامل درمان بشی.»
بر اساس این گزارش در حالی که پیشتر در سونوگرافی اعلام شده بود کبد آرش کاملا سالم است اما پس از آنکه ۲۷ اسفند در پی بی‌حالی او را به بیمارستان رسانده‌اند اعلام شده کبد او از کار افتاده است. او در نهایت در نخستین ساعات بامداد ۲۸ اسفند دچار ایست قلبی شده و جان باخته است.

مرگ مشکوک آرش فروزنده جمالی که از سوی بسیاری از افرادی که با او و فعالیت‌هایش آشنا بودند، قتل سازمانیافته حکومتی خوانده شده، با واکنش‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است.

حساب «مملکت» که به گزارش‌ها و اخبار مربوط به اعتراضات می‌پردازد، یکی از پیام‌های آرش فروزنده را پس از مرگ مشکوک او منتشر کرده و نوشته است، «چند سالی بود آرش فروزنده دلی پیگیر بود. آخرش هم جانش را بذر باغ آزادی کرد. در آخرین پیامش، دنبال درست کردن اشکالات

مرگ مشکوک آرش فروزنده جمالی؛ مرگ‌های مشکوک و سازمانیافته معترضان در بازداشت و یا پس از آزادی از زندان



فراخوان‌ها بود و نگران جان جوانانمان.»
مهدی حاجتی فعال سیاسی مخالف جمهوری اسلامی و عضو پیشین شورای اسلامی شهر شیراز نیز آرش فروزنده را «یکی از نجیب‌ترین بچه‌های این انقلاب» خوانده که «لحظه‌ای از مبارزه دست نکشید.»
سوران منصورنیا از دادخواهان آبان ۹۸ که برادرش برهان در آن اعتراضات جان باخته، تأیید کرده که آرش فروزنده را می‌شناخت و چندین بار در رابطه با «فراخوان‌های تجمعات» در جریان اعتراضات ماه‌های گذشته با او گفتگو داشته است.
سوران منصورنیا، آرش را «انسانی شریف» خوانده که «در شش ماه گذشته همراه با مبارزه در کف خیابان برای زن زندگی آزادی در دنیای مجازی هم بسیار فعال بود.»
دادبان، گروه مشاوران حقوقی فعال در رسانه‌های اجتماعی نیز با اشاره به مرگ مشکوک آرش فروزنده، تأکید کرده است که در ماه‌های گذشته «شماری از معترضان به روش‌های مشکوکی جان خود را پس از بازداشت و بازجویی از دست داده‌اند.»
صفحه توئیتری «۱۵۰۰تصویر» به نقل از یکی دیگر از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری نوشته که «این بطری آب رو به منم تو بازداشتگاه دادند. بطری آب معدنی کوچیک درش باز بود با یه لیوان یکبار مصرف. یهو اول بازجویی که پزشک بازجو ازم سوال میپرسید یکی گذاشت رو دسته صندلی

نارسایی کبد اعلام کردند. در حالی که او هیچ بیماری زمینه‌ای نداشت و تا پیش از بازداشت نیم ساعته‌اش سالم بود.»
رسانه «توانا» نیز در گزارشی با اشاره به روایتی مشابه درباره مسمومیت این شهروند معترض نوشته که «آرش بعدها به دوستش گفت که «آنها مرا شناسایی کرده بودند، عادت‌های رفتاری من را از جمله اینکه آب زیاد می‌خورم می‌دانستند.»
دوست آرش می‌گوید: «آرشی که همیشه توصیه می‌کرد که در خیابان اگر خوراکی به شما تعارف می‌شود- از طرف هرکس- نخورید و حتی وقتی چالش مشت و شکلات رایج بود، توصیه می‌کرد نخورید، خودش اینبار بی‌احتیاطی بزرگی کرد.»
در ادامه این گزارش، به نقل از دوست آرش فروزنده آمده است که وی درد می‌کشید و به او مسکن تزریق می‌کردند. او را سونوگرافی کردند و طحال و کبد و کلیه و همه چیزش سالم نشان می‌داد، اما همچنان حالت تهوع داشت. پس از یکی دو روز که در بیمارستان بود خودش می‌گوید که من می‌خواهم بروم شما هیچ کاری برای من نمی‌کنید و من همچنان درد دارم، بالا می‌آورم فقط مسکن می‌زنید و جواب آزمایشم را هم که نمی‌توانم ببینم، با وجود ممانعت پزشک، او اعتراض آنژیوکت را در می‌آورد و از بیمارستان تسویه کرده و خارج می‌شود. یکی از پزشکان بیمارستان مدام به آرش زنگ می‌زند. او در تماسی می‌گوید که «من نمی‌توانم توضیح بدهم

آرش فروزنده از فعالان جنبش انقلابی بود و در زمینه برگزاری تجمعات و اعتراضات مردم علیه حکومت مطالب تحلیلی در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده و با شماری از فعالان مدنی و حقوق بشری در ارتباط بوده است.

«توانا» در گزارشی درباره مسمومیت آرش فروزنده نوشته که وی به دوستش گفته بود که «آنها مرا شناسایی کرده بودند، عادت‌های رفتاری من را از جمله اینکه آب زیاد می‌خورم می‌دانستند.»

مرگ مشکوک آرش فروزنده جمالی که از سوی بسیاری از افرادی که با او و فعالیت‌هایش آشنا بودند، قتل سازمانیافته حکومتی خوانده شده، با واکنش‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است.

منابع خبری از مرگ مشکوک آرش (میلاد) فروزنده جمالی از شهروندان معترض ساکن تهران خبر داده‌اند. بر اساس گزارش‌ها، آرش فروزنده جمالی برای چند ساعت بازداشت شده و پس از آزادی، گویا به دلیل مسمومیت ناشی از نوشیدن آبی که در بازجویی به او داده بودند جان باخته است.

آرش فروزنده جمالی از جمله شهروندان معترضی بوده که در جریان اعتراضات هم در شبکه‌های اجتماعی و هم به صورت میدانی فعالیت داشته است. او که اهل شهر آبادان و ساکن تهران بود از شهریورماه ۱۴۰۱ و همزمان با آغاز جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی در زمینه برگزاری تجمعات و اعتراضات مردم علیه حکومت، مطالب تحلیلی در صفحاتش در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کرد و با شماری از فعالان مدنی و حقوق بشری در ارتباط بوده است.

آرش فروزنده جمالی ۱۹ اسفندماه در تهران و در نزدیکی میدان تجریش توسط چند مأمور امنیتی لباس شخصی بازداشت و به داخل اتومبیلی هدایت شد. پس از نیم ساعت مأموران مدعی شده‌اند اشتباهی در بازداشت آرش رخ داده و او را آزاد کردند اما همزمان یک بطری به ظاهر آب معدنی به او داده‌اند که بنوشد. آرش پیش از آزادی آب بطری را نوشیده و نیم ساعت بعد در خانه دچار درد شدید در ناحیه شکم، تهوع و استفراغ شده است. مسمومیت بیش از یک هفته ادامه داشته و در نهایت ۲۷ اسفندماه ۱۴۰۱ با وخامت حال جسمی به اورژانس بیمارستان «شریعتی» تهران منتقل شده و ساعاتی بعد در بامداد ۲۸ اسفند جان می‌بازد.

صفحه توئیتری «۱۵۰۰تصویر» که اخبار حقوق بشری مرتبط با اعتراضات مردمی را منتشر می‌کند در رشته توئیتی نوشته که «آرش فروزنده جمالی، شهروندی که مدت‌های طولانی علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرد و هرگز ناامید نشد بطور مشکوکی کشته شد. آرش ۱۹ اسفند، از کوچه امامزاده صالح به سمت میدان تجریش می‌رفت که چند لباس شخصی با توسل به زور او را سوار ماشین کرده و بعد از نیم ساعت اعلام کردند اشتباهی رخ داده و می‌تواند برود؛ اما پیش از ترک ماشین یک بطری آب به او داده تا بنوشد و آرام شود و بعد برود. آرش کمی از آب خورد، بطری را همانجا گذاشت و پیاده شد و به خانه رفت. نیم ساعت بعد از اینکه به خانه رسید دچار درد در ناحیه شکم و حالت تهوع شدید شد و چندین بار استفراغ کرد.»
در ادامه‌ی این خبر آمده که «نیمه‌شب توسط اورژانس به بیمارستان «سینا» منتقل شد اما در اکوی قلب و سونوگرافی هیچ مورد مشکوکی دیده نشد و کبد و کلیه‌ها هم مشکلی نداشت و پزشک بیمارستان از پاسخ به سوال‌های او مبنی بر اینکه چه اتفاقی افتاده فطره رفت و همین باعث شد آرش بیمارستان را با ترس ترک کند.»

در بخش پایانی این رشته توئیٹ آمده که «آرش، ۲۷ اسفند مجدد با درد شدید در شکم و استفراغ‌های پیایی با اورژانس به بیمارستان شریعتی منتقل می‌شود. صبح روز ۲۸ اسفند پزشک‌ها اعلام کردند آرش فوت کرده است و علت فوت را

جریمه‌های کلان برای «بدحجابی»؛ تلاش برای کاهش جنبش انقلابی به موضوع «حجاب» و کسب درآمد از بی‌حجابی!



این طرح نتیجه برگزاری «۳۰۰ جلسه با شورای انقلاب فرهنگی و شورای امنیت ملی» است و این طرح به اطلاع علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و قوه قضاییه هم رسیده است. به گفته حسین جلالی «جرائم مالی آن از ۵۰۰ هزار تومان تا ۳ میلیارد تومان است. ابطال گواهینامه رانندگی، ابطال پاسپورت و در اسلبریتی‌ها و کسانی که کانال و وبگاه و عضو بالا دارند ممنوعیت استفاده از اینترنت دیده شده است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده که «بر اساس این طرح هفت گروه مورد مجازات قرار خواهند گرفت که شامل داخل خودروها، داخل اماکن و رستوران‌ها، ادارات و سازمان‌های دولتی، مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها، فرودگاه‌ها و ترمینال‌ها، فضای مجازی اسلبریتی‌ها و خیابان و معابر عمومی خواهند بود.»

حسین جلالی «عدم تقابل فیزیکی با بدحجاب‌ها در این طرح» را بخش «هوشمندانه» آن ارزیابی کرده و گفته که «دولت باید یکی دو هفته آینده لایحه بیاورد و تصویب و ابلاغ شود و ضمانت اجرایی آن را بالا بردیم و انشاءالله اجرا می‌شود.»

اشاره حسین جلالی به «عدم تقابل فیزیکی با بدحجاب‌ها» در ارتباط با قتل حکومتی مهسا امینی مطرح شده که در پی ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد به کما رفت و سرانجام در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ جان باخت. مرگ دلخراش مهسا امینی آغازگر موج دیگری از اعتراضات شد که به سرعت در ایران سراسری و به خیزشی انقلابی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد. کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی اسفندماه گذشته گزارشی در رابطه با مبارزه با بی‌حجابی و بدحجابی به مجلس ارائه کرد که مبنای طرحی قرار گرفت که اکنون حسین جلالی جزئیاتی از آن را مطرح کرده است.

در مقدمه این گزارش که گفته شده در تدوین آن وزارت کشور، ستاد امر به معروف و نهی از منکر و دیگر نهادهای مرتبط با حجاب مشارکت داشته‌اند، آمده است که «دشمنان به خوبی می‌دانند پیشرفت‌های شگرف انقلاب اسلامی

● حسین جلالی نماینده شهرستان انار در مجلس شورای اسلامی: جرائم مالی بدحجابی از ۵۰۰ هزار تومان تا ۳ میلیارد تومان است. ابطال گواهینامه رانندگی، ابطال پاسپورت و برای اسلبریتی‌ها و کسانی که کانال و وبگاه و عضو بالا دارند ممنوعیت استفاده از اینترنت نیز در نظر گرفته شده است!

● کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی اسفندماه گذشته گزارشی در رابطه با مبارزه با بی‌حجابی و بدحجابی به مجلس ارائه کرد که مبنای طرحی قرار گرفته که اکنون جزئیاتی از آن مطرح شده است.

● به نظر می‌رسد مقامات مسئول به این نتیجه رسیده‌اند که با «بدحجابی» و «بی‌حجابی» نیز می‌توان برای دولت درآمدزایی کرد! از همین رو به اسم طرح «حجاب و عفاف» و مبارزه با بدحجابی، کیسه‌ای گشاد برای جبران کسری بودجه دولت دوخته‌اند!

● جمهوری اسلامی در حالی حجاب را به عنوان ویتزین جامعه اسلامی برآمده از انقلاب ۵۷ به زنان ایرانی تحمیل کرده که در چهار دهه گذشته مرتب با مقاومت مدنی زنان روبرو بوده است. بر همین اساس، پوشش اسلامی دستوری در دهه شصت که چهره‌ی ایران را سیاه و سورمه‌ای و خاکستری کرده بود، به مرور رنگ باخت و بی‌اعتنا به مقررات تحمیلی از سوی حکومت و نهادهای دولتی، الگوهای جدیدی از پوشش از سوی زنان ایران مورد استفاده قرار گرفت.

یک نماینده مجلس شورای اسلامی جزئیاتی از طرح جدید «حجاب و عفاف» در مجلس شورای اسلامی را مطرح کرده که شامل مواردی از جمله ابطال گذرنامه و گواهینامه رانندگی و جریمه‌هایی تا سه میلیارد تومان می‌شود. این طرح جدا از سرکوب اجتماعی زنان و اسلبریتی‌ها، به دنبال ایجاد درآمدی هنگفت برای دولت با توسل به «مبارزه با بی‌حجابی» است!

حسین جلالی نماینده شهرستان انار در مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه ششم فروردین جزئیاتی از مجازات‌های پیش‌بینی شده در طرح «عفاف و حجاب» را مطرح کرده است. او گفته

→ جلوم که رو به دیوار بود. گفتند بیا آب بخور. چیزی شبیه به زور. راهی بیمارستان شدم منم و اونجا تزریق هم داشتم که یه مایع زرد پر رنگ بود. از آب خیلی کم خوردم در حد ته لیوان.»

در ماه‌های گذشته گزارش‌هایی از جان باختن معترضان بازداشت‌شده پس از آزادی منتشر شده است. هرچند در برخی موارد مشخص شده که نهادهای امنیتی با فشار شدید بر خانواده خواهان اعلام «خودکشی» به عنوان علت درگذشت عزیزان‌شان هستند اما برخی فرضیه حذف سازمانیافته و یا ایست قلبی به دلیل اثرات داروها و موادی را که آگاهانه و هدفمند در دوران بازداشت به زندانی خورانده می‌شود مطرح می‌کنند. در یکی از مرگ‌های مشکوک مشابه محسن جعفری راد متولد سال ۱۳۶۵ و منتقد سینما و کارگردان که نیمه آبان بازداشت شده بود، در نیمه دی‌ماه درگذشت. علت درگذشت او «خودکشی» به دلیل افسردگی اعلام شد اما کارنامه حرفه‌ای او آنقدر پر بار بوده که نشان از امید به زندگی و آینده را در او نشان می‌دهد. او جدا از نویسندگی و کارگردانی و فیلمسازی، در دانشگاه نیز تدریس می‌کرد. از سوی دیگر آنقدر امیدوار بوده که با وجود سرکوب شدید در اعتراضات شرکت کرده و بازداشت او در یکی از تجمعات شهر کرج صورت گرفته بود. بر اساس گزارشی که «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» زمستان گذشته در رابطه با مرگ مشکوک شهروندان معترض منتشر کرد، شماری از شهروندان بازداشت‌شده زیر شکنجه و فشار که غالباً برای انجام اعتراف اجباری صورت گرفته جان باخته‌اند؛ برخی دیگر از بازداشت‌شدگان هم در مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح جان خود را از دست داده‌اند.

از جمله مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح عاطفه نعیمی شهروند بازداشت‌شده که پیکر بی‌جان او در بالکن خانه‌اش پیدا شد یا شهروندانی که به فاصله چند روز از آزادی جان باخته و علت درگذشت آنها «خودکشی» یا «ایست قلبی» عنوان می‌شود. برخی بازداشت‌شدگان هم از داروهایی که در بازداشت به آنها داده شده و مشخص نیست چه بوده‌اند خبر داده‌اند. از جمله این زندانیان محمدرضا آژر نوجوان ۱۸ ساله است که در نخستین روزهای اعتراضات در شهریور ۱۴۰۱ در مشهد بازداشت شد و پس از بیش از سه ماه و نیم بازداشت گفته در روز دوازدهم دی‌ماه رگ‌های چشمانش از شدت فشار عصبی پاره شده و در زندان به او داروهایی داده‌اند که نمی‌داند چه بوده است.

در گزارش «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» آمده که اسماعیل دزوار، رامین فاتحی، محمد لطف‌اللهی، سامان قادرپور، یوسف رئیس، احمد گودرزی، میلاد خوشکام، امید حسنی، هیمن آمان، امیر جواد اسعدزاده، محمد حاجی رسولپور، حامد سلحشور، شهریار عادل، ایلید رحمانی‌پور، شادمان احمدی و مهدی زارع اشکذری افرادی هستند که جان باختن آنها در بازداشت، بر اثر جراحات ناشی از شکنجه و ضرب و جرح مأموران اعلام شده است.

در این گزارش تأکید شده بود که «به غیر از افرادی که شرح آنان آمده از کشته‌شدگان دیگری از جمله آیدا رستمی، دنیا فرهادی، کورش پاژخ، مصطفی مباحث، عاطفه نعیمی، رضا شرفی، حسن ناصری‌خور، امین خانلو، مرتضی سلطانیان، محمد عبداللهی، عماد حیدری، مهدی کابلی کفشگیری نیز نام برده شده که مرگ‌های مشکوک و غیرقابل توضیح داشتند. اینکه این افراد در زمان کشته شدن در بازداشت بوده‌اند یا در خیابان و مانند سایر معترضان به شکل‌های دیگر جان باختند، هنوز در دست تحقیق است. به اینها باید افرادی که نام‌شان هرگز رسانه‌ای نشده و ما هنوز در مورد آن‌ها چیزی نمی‌دانیم را نیز بیافزاییم.»



→ در دهه‌های گذشته در سایه تربیت صحیح و بی‌بدیل جوانان این مرز و بوم و آنهم توسط زنان و مادران ایرانی صورت گرفته است و برای جلوگیری از این حرکت عظیم مهم‌ترین هدف دشمنان تغییر سبک زندگی ایرانی اسلامی و ضربه زدن به عفاف و حجاب به عنوان اصلی‌ترین عقبه اخلاقی جامعه ایران است و از این رو هرازگاهی با انجام توطئه و به بهانه‌های گوناگون سعی در مخدوش کردن چهره زن ایرانی و غالب کردن فرهنگ مبتذل غربی در کشور دارند.

این گزارش افزوده که «ضعف قوانین اجرایی و به‌روز نبودن آن در مواجهه با مسائل و مشکلات اخلاقی جامعه در کنار بی‌قانونی در فضای مجازی کشور امروزه حتی از خطرات فضای حقیقی پیشی گرفته و مرزهای فکری و اخلاقی ایران اسلامی را به چالش کشیده است» و «از طرفی کوتاهی دستگاه‌های اجرایی، تقنینی و قضایی کشور در اعمال قوانین و مقررات موجود و همچنین بی‌انگیزه بودن برخی از مدیران، در احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر که می‌تواند با شیوه‌های نوین و کارآمد صورت بگیرد موجب بروز و تظاهر بی‌حجابی در کشور شده است که علاوه بر تاثیر روحی و روانی بر آحاد جامعه همچنین موجب اعتراض اقشار مختلف مردم از عملکرد مسوولان و دست اندرکاران اجرایی، قضایی و تقنینی کشور شده است».

پس از آنکه این گزارش در ۲۳ اسفندماه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی قرائت شد، بیژن نوباوه عضو کمیسیون فرهنگی مجلس از موافقت سران قوا با مواد پیشنهادی طرح «حجاب» خبر داده و گفته بود: «در این طرح برخورد فیزیکی در اعمال قانون صورت نگیرد و قانون‌گریزان نیز متنبه شوند». عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی افزوده که «نماینده‌گان در خصوص ساختار شکنی بسیار مهم رخ داده در طی ماه‌های گذشته نگران هستند که با مسئله حجاب و عفاف نمایان شد و بسیار بجا و منطقی بود».

بیژن نوباوه همان‌اواخر اسفندماه بخشی از این طرح را توضیح داده و گفته بود که «تمامی سران قوا با مواد پیشنهادی در این گزارش موافقت کامل دارند و در شورای عالی امنیت ملی نیز در این خصوص بحث شده است. موضوعی که برای ما اهمیت دارد این است که تنها مجلس شورای اسلامی حق قانونگذاری دارد و مقام معظم رهبری نیز در این خصوص تذکر داده‌اند». این نماینده مجلس شورای اسلامی در ادامه گفته بود که «فراجا و ضابطین قضایی تحت نظارت دادستانی‌ها از طریق دوربین و سایر ابزار فنی نسبت به جمع‌آوری ادله و شناسایی افرادی که در دستگاه‌ها و ارگان‌های موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۲۹ برنامه ششم توسعه از قبیل معابر، اماکن عمومی، وسایل نقلیه و فضای مجازی، کشف حجاب یا بدن‌نمایی می‌کنند، حسب جداول اقدام به مجازات متخلفین می‌کنند».

بیژن نوباوه افزوده بود «در ماده ۱ این طرح آمده است افرادی که در وسایل نقلیه اعم از هوایی، زمینی، ریلی و دریایی اقدام به کشف حجاب یا برهنگی کنند، مطابق بند ۱ جدول اعمال قانون می‌شوند. در ماده ۲ نیز آمده است که مالکان، متصدیان یا مشتریانی که در اماکن صنفی یا مراکز خرید و مال‌های تجاری اقدام به کشف حجاب یا برهنگی کنند، مطابق بند ۲ جدول اعمال قانون می‌شوند. مسئولیت رعایت حجاب و اجرای قوانین حجاب در مراکز خرید و مال‌ها برعهده مالکان و متصدیان این مراکز است».

نماینده تهران در مجلس اسلامی گفت که «بر اساس ماده ۳ افرادی که در معابر و اماکن عمومی اقدام به کشف حجاب یا برهنگی کنند، مطابق بند ۳ جدول مجازات می‌شوند. مطابق ماده ۴ نیز افرادی که در فضای مجازی اقدام به کشف حجاب یا برهنگی کنند، مطابق بند (۴) جدول اعمال قانون می‌شوند».

جمهوری اسلامی در حالی حجاب را به عنوان ویت‌ترین جامعه اسلامی برآمده از انقلاب ۵۷ به زنان ایرانی تحمیل کرده که در چهار دهه گذشته مرتب با مقاومت مدنی زنان روبرو بوده است. بر همین اساس، پوشش اسلامی دستوری در دهه شصت که چهره‌ی ایران را سیاه و سورمه‌ای و خاکستری کرده بود، به مرور رنگ باخت و بی‌اعتنا به مقررات تحمیلی از سوی حکومت و نهادهای دولتی، الگوهای جدیدی از پوشش از سوی زنان ایران مورد استفاده قرار گرفت.

گشت ارشاد و ستاد امر به معروف و نهی از منکر همواره تلاش داشته‌اند با برخورد‌های پلیسی، حجاب اسلامی را به زنان ایرانی تحمیل کنند. از همین رو نیز سال‌ها نبردی زیر پوست جامعه ایران میان مأموران جمهوری اسلامی و زنان و دختران ایرانی در جریان بوده است.

بعد از آغاز اعتراضات به قتل حکومتی مهسا امینی، سوزاندن روسری و نپوشاندن موها از سوی بسیاری از زنان ایران به عنوان نافرمانی مدنی فراگیر شد بطوری که ظاهر جامعه با تغییری جدی در مورد حجاب روبرو شده است. در ماه‌های گذشته به دلیل خشم و مقاومت مردم در بسیاری از مناطق مأموران گشت ارشاد بی‌حجابی زنان و دختران را نادیده و حتی اتمبیل‌های ون گشت ارشاد از برخی محله‌ها جمع‌آوری شد. نبرد میان مردم و حکومت درباره حجاب اما همچنان در جریان است. اندرو انگلند سردبیر خاورمیانه «فایننشال تایمز» که به تازگی سفری به ایران داشته با تأکید بر حضور زنان بدون حجاب در خیابان‌های شهرهای ایران که نشانه «نافرمانی مدنی» علیه جمهوری اسلامی گفته که «نخستین چیزی که هنگام ورود به ایران و حرکت به سمت تهران به چشم می‌آید زنانی هستند که حجاب ندارند».

علی خامنه‌ای زمستان گذشته طی چرخشی آشکار در سخنانی درباره حجاب گفته بود که «حجاب بی‌تردید یک ضرورت شرعی و خدشه‌ناپذیر است اما این ضرورت نباید موجب شود کسانی که به صورت کامل حجاب را رعایت نمی‌کنند به بی‌دینی یا ضدانقلابی متهم شوند. افرادی که حجاب ضعیف دارند هم دختران خود ما هستند و بنابراین نباید آنها را متهم کرد!»

محسن اراکی نماینده مجلس خبرگان رهبری و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام اما به تازگی گفته که «رواج بی‌حجابی یعنی فساد، یعنی کروناي آدمکش و جامعه نابودکن! باید با این کروناي جدید مبارزه جدی انجام داد!»

اینهمه در حالیست که جنبشی که در تداوم اعتراضات سال‌های گذشته از هفت ماه پیش در ایران از سر گرفته شده اگرچه با جان باختن مهسا امینی در اسارت گشت ارشاد اسلامی شعله‌ور شد اما خواسته و هدف این اعتراضات نیز فقط موضوع حجاب نیست بلکه مردم معترض در سراسر کشور خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. شعارهای مردم بطور کلی اصل نظام و انقلاب ۵۷ و پیامدهای آن را هدف قرار داده است.

در مقابل اما جمهوری اسلامی تلاش دارد که خیزش انقلابی مردم ایران را صرفاً به اعتراضاتی علیه حجاب اجباری کاهش دهد و با ایجاد قوانین سختگیرانه یا اعلام مواضع تند درباره لزوم رعایت حجاب اسلامی در جامعه، افکار عمومی را نیز به میدان نبردی صرفاً با موضوع «حجاب» که یکی از دلایل ناراضی‌ت بی‌حجابی است، هدایت کند تا موضوع سرنگونی حکومت به حاشیه رانده شود. هم‌زمان با این سیاست اما به نظر می‌رسد مقامات مسئول به این نتیجه رسیده‌اند که با «بدحجابی» و «بی‌حجابی» نیز می‌توان برای دولت درآمدزایی کرد! از همین رو به اسم طرح «حجاب و عفاف» و مبارزه با بدحجابی، کیسه‌ای گشاد برای جبران کسری بودجه دولت دوخته‌اند!

نزدیکی چین و روسیه بیشتر برای فشار بر غرب است اما اگر به اتحاد استراتژیک برسند جنگ نیابتی راه خواهند انداخت!

● عباس فیض کارشناس بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با آسیای جنوب شرقی و مسائل چین: نزدیکی چین و روسیه در حال حاضر «اول از همه مصرف سیاسی دارد و مهم‌تر از همه از سوی دولت‌های چین و روسیه برای فریب و رد گم کردن مردم کشورهای خودشان است.»

● «شی جین‌پینگ همیشه به دنبال فشارهای غیرنظامی برای دست یافتن به منابع خام و بازارهای دنیا برای کالای‌های تولید چین و ایجاد اشتغال برای نیروی کار چین است. گسترش طرح «جاده و کمربند» هم به همین منظور بوده. اما فقط در کشورهایی موفق شده که حکومت‌هایشان ستیزه‌جو نبوده و با چالش‌های سخت درونی هم روبرو نبوده‌اند.»

● «در حال حاضر بعید به نظر می‌رسد که روسیه و چین به یک پیمان استراتژیک برسند. غیر از فشارهای مالی باید تهدید و فشارهای نظامی هم وجود داشته باشد تا نزدیکی این کشورها به سطح پیمان‌های استراتژیک برسد. اگر روسیه و چین پیمان دفاعی استراتژیک ببندند در آنصورت صد درصد به ضرر ایران خواهد بود. زیرا چین و روسیه اهرمی خواهند داشت که بر اساس آن سعی خواهند کرد با غرب وارد جنگ بشوند. در آنصورت هم اول از همه یک جنگ نیابتی راه خواهند انداخت و آن جنگ نیابتی یا در کشوری مانند ایران یا در کره شمالی خواهد بود.»

چندی پیش شی جین‌پینگ دبیرکل حزب کمونیست و رهبر جمهوری خلق چین برای دیدار و گفتگو با ولادیمیر پوتین رهبر روسیه به مسکو سفر کرد. کیهان لندن با توجه به روابط جمهوری اسلامی با این دو دولت و سیاست «نگاه به شرق» علی‌خامنه‌ای که ایران را به غارتگاه روسیه و چین تبدیل کرده است، با عباس فیض کارشناس مسائل چین گفتگو کرده است.

عباس فیض کارشناس بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با آسیای جنوب شرقی است. وی سه دهه سابق فعالیت در سازمان عفو بین‌الملل و چهار سال تدریس در دانشکده حقوق دانشگاه اسکس در بریتانیا را در کارنامه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود دارد. وی از جمله پژوهشگرانی است که به بررسی تاثیر طرح چین موسوم به «ابتکار جاده و کمربند» در وخیم‌تر شدن وضعیت حقوق بشر در کشورهای که این طرح در آنها پیاده شده، پرداخته است.

● آقای فیض، نزدیکی چین و روسیه بر اساس چه انگیزه‌هایی است؟ آیا این نزدیکی را می‌توان در سطح یک پیمان استراتژیک دید یا اینکه مقطعی و تاکتیکی است؟

– اول از همه مصرف سیاسی دارد و مهم‌تر از همه ←



به این معنی که برخلاف اینکه چین می‌گوید به تمامیت ارضی کشورها احترام می‌گذارد، ولی تهاجم نظامی پوتین به اوکراین و زیر پا گذاشتن تمامیت ارضی آن کشور را محکوم نکرده که هیچ، در ظاهر از او حمایت هم می‌کند. واقعیت این است که این جنگ منافع سرشاری برای چین داشته. چین برای اولین بار از کشوری که همیشه واردکننده نفت و گاز بوده به صادرکننده این دو منبع مهم انرژی تبدیل شده است چون این محصولات را با قیمت ارزان از روسیه و کشورهای زیر تحریم می‌خرد و در بازار به عنوان صادرات چین می‌فروشد. بازار کالاهای چینی به خصوص در روسیه و کشورهای حامی پوتین از لوازم خانگی گرفته تا اتومبیل که قبلاً رونق خاصی نداشت، الان رونق پیدا کرده است. اینها منافع است که دولت چین حاضر نیست از دست بدهد. پس چین تلاش خاصی برای کمک به پایان دادن جنگ روسیه در اوکراین نخواهد کرد، جز حرف زدن خالی. یعنی آن اتحادی که قرار است چین و روسیه به آن برسند الان در عمل نیز وجود دارد ولی بعید است از این فراتر برود. ضررش برای ایران نیز همان است که تا حالا بوده، یعنی دادن پروانه غارت تمام‌عیار منابع کشور به قیمت کم به یک قدرت بیگانه. حضور چین در ایران به این معنی است که مردم ایران روز به روز فقیرتر خواهند شد، و جمهوری اسلامی از رشوهای که به خاطر غارت اموال ایران می‌گیرد، سرسپردگان خودش را تغذیه مالی کرده و آنها فربه‌تر خواهند شد.

البته در حال حاضر بعید به نظر می‌رسد که روسیه و چین به یک پیمان استراتژیک برسند. غیر از فشارهای مالی باید تهدید و فشارهای نظامی هم وجود داشته باشد تا نزدیکی این کشورها به سطح پیمان‌های استراتژیک برسد. اگر روسیه و چین پیمان دفاعی استراتژیک ببندند در آن صورت صد درصد به ضرر ایران خواهد بود. زیرا چین و روسیه اهرمی خواهند داشت که بر اساس آن سعی خواهند کرد با غرب وارد جنگ بشوند. در آن صورت هم اول از همه یک جنگ نیابتی راه خواهند انداخت و آن جنگ نیابتی یا در کشوری مانند ایران یا در کره شمالی خواهد بود. وقتی هم از جنگ نیابتی صحبت می‌کنیم باید در نظر داشته باشیم که چین و روسیه دارای سلاح‌های اتمی نیز هستند. اگر جنگی صورت بگیرد گرچه سطح استفاده از تسلیحات اتمی در حد هیروشیما و ناگازاکی نخواهد بود، ولی احتمال اینکه از سلاح‌های سبک‌تر اتمی استفاده کنند اصلاً منتفی نیست! بر اساس تهدیدات صریح پوتین، بعید نیست که وی از تسلیحات اتمی استفاده کند و این خطرناک‌ترین سناریو برای ایران و دنیاست.

شده که حکومت‌هایشان ستیزه‌جو نبوده و با چالش‌های سخت درونی هم روبرو نبوده‌اند. مثلاً شیوه ارتباط چین با طالبان در افغانستان و با جمهوری اسلامی در ایران با شیوه ارتباط این کشور با پاکستان و یا حتی با عربستان متفاوت است؛ یعنی چشمش به ایران و افغانستان فقط برای بردن مواد خام معدنی از جمله گاز است. یعنی تا کنون فقط چنین بوده و دیده نشده که چین برای حفظ یک حکومت متزلزل به حمایت سخت‌افزاری متوسل شود. اما باید هشیار هم بود و رفتار چین را به دقت زیر نظر داشت و رصد کرد. روسیه اما در حکومت پوتین تا کنون برای جمهوری اسلامی جز سرشکستگی چیزی در بر نداشته است. در نمونه‌های اخیر، هرچه ابراهیم رئیسی بیشتر به پوتین التماس کرده، پوتین کمتر علاقه نشان داده است. پوتین زمانی حاضر به حمایت کامل از جمهوری اسلامی خواهد شد که تهران مثلاً یک جبهه جدید جنگ در خاورمیانه باز کند و شکافی در حمایت نیروهای غربی از اوکراین ایجاد کند. البته از جمهوری اسلامی بعید نیست که امنیت کشور را به خاطر ارباب خود به خطر بیندازد اما در این زمینه به نظر می‌آید ابتکار از دست پوتین و جمهوری اسلامی خارج شده و یا دست‌کم در حال حاضر چنین به نظر می‌رسد.

● آیا در این میان، جمهوری اسلامی ایران در مناسبات بین دو کشور، چه تاکتیکی و چه استراتژیک، اساساً وزنه‌ای به شمار می‌رود؟

- جمهوری اسلامی برای جمهوری خلق چین در حال حاضر چیزی جز یک منبع موقت برای بردن مواد اولیه و مواد معدنی نیست و بیش از اینهم نخواهد بود. سران جمهوری اسلامی در جنگ طلبی بیشتر به پوتین نزدیک هستند تا به شی جین‌پینگ، اما این چین است که قدرت خرید منابع زیرزمینی ایران را دارد و نه روسیه! در نتیجه جمهوری اسلامی سعی خواهد کرد خودش را وابسته به چین نگه دارد. چین اگر هم به ایران فراتر از منبع کسب منابع زیرزمینی نگاه کند بیشتر به عنوان اهرمی برای فشار بر غرب خواهد بود، نه چیز دیگر. یعنی جمهوری اسلامی ابزاری است برای پیاده کردن استراتژی چین در رابطه با آمریکا و به این ترتیب ابتکار در دست چین است و نه جمهوری اسلامی.

● روابط جمهوری اسلامی با چین کمونیست و روسیه‌ی پوتین در هر حال به زیان ایران است. آیا نزدیکی استراتژیک احتمالی چین و روسیه به صورت بلندمدت بیشتر به زیان ایران نخواهد بود؟
- بطور کلی اگرچه جنگ اوکراین مشت چین را باز کرده

→ از سوی دولت‌های چین و روسیه برای فریب و رد گم کردن مردم کشورهای خودشان است. مثلاً اگر چین را در نظر بگیریم، اقتصاد این کشور آن شکوفایی چندی پیش را ندارد و چند عامل این وضعیت را ایجاد کرده است. مهم‌ترین عامل رکودی است که در پیامد طرح شی جین‌پینگ موسوم به «ابتکار جاده و کمربند» پیش آمده. بر اساس این طرح چین وام‌های درازمدت با بهره کم برای امور عمرانی در اختیار کشورهای مختلف قرار داده با این شرط که پروژه‌های عمرانی را شرکت‌های چینی انجام دهند؛ یعنی در واقع به خرج کشورهای دیگر بازار کار برای نیروی کار چین ایجاد بشود. این پروژه در ابتدا مورد استقبال کشورهای مختلف قرار گرفت اما به تدریج این حس به آن کشورها دست داد که اقتصادشان زیر کنترل چین درآمده است. همین امر باعث شد که طرح «جاده و کمربند» کمتر مورد استقبال قرار گیرد. علاوه بر این، با کاهش زاد و ولد در چین امتیاز این کشور در تولید و ارائه خدمات با نیروی انسانی ارزان دارد خنثی می‌شود. این تحولات باعث شده‌اند که اقتصاد چین با بحران‌ها و چالش‌هایی روبرو شود که شی جین‌پینگ به سادگی قادر به حل آنها نیست. به همین دلیل رهبری چین طرح جدیدی را دنبال می‌کند تا به مردم چین نشان دهد که در صحنه بین‌المللی این کشور نقش مهمی بازی می‌کند و این تحرکات بیشتر برای منحرف کردن اذهان مردم چین از مشکلات داخلی است.

از طرف دیگر، چین شدیداً به دنبال این است که آمریکا از حمایت تایوان دست بردارد تا این کشور بتواند به راحتی تایوان را که جزیره‌ای خودگردان است و دمکراسی در آنجا برقرار است، به خود ملحق کند و نظام دیکتاتوری خودش را بر آنجا مسلط سازد. نزدیکی شی جین‌پینگ به پوتین می‌تواند اهرمی برای اعمال فشار بر آمریکا باشد. برای پوتین هم قضیه به این صورت است که به مردم روسیه بگوید کشور مقتدری مانند چین در کنار وی و کشور روسیه ایستاده است. اما تا آنجا که می‌بینیم به نظر نمی‌رسد پوتین به چیزی جز حمایت کلامی از شی جین‌پینگ رسیده باشد.

خلاصه اینکه، این همکاری بعید است به مرحله استراتژیک برسد آنهم به این دلایل:

اول آنکه از آنجا که هدف اساسی شی جین‌پینگ کسب امتیاز از آمریکا در رابطه با تایوان است، او حاضر نخواهد شد خودش را وارد پیمانی با روسیه کند که بعداً نتواند از آن بیرون بیاید. بیشتر تحلیلگران بر این عقیده هستند که شی جین‌پینگ همیشه از فشارهای غیرنظامی برای مقابله با غرب استفاده می‌کند و خواهد کرد، از جمله دیپلماسی به اصطلاح صلح‌جویانه چین در سطح بین‌الملل نمونه‌ای از این سیاست است.

دلیل دیگر این است که هنوز آن اعتمادی را که پوتین به دنبالش است، شی جین‌پینگ از خود نشان نداده؛ مثلاً در همان زمانی که شی جین‌پینگ هنوز در روسیه بود و حرف از صلح می‌زد، پوتین بریتانیا را تهدید به حمله اتمی کرد. به عبارت دیگر، پوتین هم به شی چندان اعتماد ندارد.

● رابطه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین را چگونه توضیح می‌دهید؟ این رابطه چه تفاوت‌هایی با رابطه رژیم ایران و روسیه‌ی پوتین دارد؟

- همانطور که گفتیم، شی جین‌پینگ همیشه به دنبال فشارهای غیرنظامی برای دست یافتن به منابع خام و بازارهای دنیا برای کالاهای تولید چین و ایجاد اشتغال برای نیروی کار چین است. گسترش طرح «جاده و کمربند» هم به همین منظور بوده. اما فقط در کشورهایی موفق

«سیگنال» مدعیان «نوسازی حکمرانی» از تهران به پکن برای میانجیگری بین جمهوری اسلامی و اسرائیل بعد از توافق امنیتی با ریاض



علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی و مساعد بن محمد العیاب مشاور امنیت ملی عربستان سعودی توافق برقراری مجدد روابط دیپلماتیک را امضاء کردند

اسلامی موضوع جدیدی نیست. این سناریویی است که اروپایی‌ها از سال ۱۳۹۷ پیدا و پنهان از کانال سیاستمدارانی که به جریان اصلاح‌طلب و دارودسته‌ی علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی نزدیک بودند به جمهوری اسلامی پیشنهاد کرده‌اند. مقدمه به رسمیت شناختن اسرائیل نیز توقف تهدیدات از سوی جمهوری اسلامی علیه این کشور بود. روزنامه شرق الاوسط اوایل مارس سال ۲۰۱۹ گزارش داد یکی از شروط اروپایی‌ها برای توافق با جمهوری اسلامی این است که «از تهدیدات خود علیه موجودیت و امنیت اسرائیل دست بردارد.»

سابقه پیشنهاد به تهران در مورد اسرائیل

حسن روحانی در دولت دوم خود اواسط تیرماه ۱۳۹۷ به سوئیس و اتریش سفر کرد تا شاید روزنه‌ای برای ادامه مذاکره با اروپایی‌ها درباره سرنوشت برجام و مقابله با تحریم‌ها پیدا کند. آلن برسه رئیس جمهوری پیشین سوئیس و سیاستمدار کورتر صدراعظم پیشین اتریش در نشست‌های جداگانه در مورد لزوم توقف فعالیت‌های خرابکارانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه و همچنین ضرورت به رسمیت شناختن اسرائیل با روحانی صحبت کردند. پاسخ حسن روحانی اما این بود که «برخی کشورهای اروپایی بدهکاری تاریخی به یهودی‌ها دارند که به ما ربط ندارد!» این مواضع روحانی مورد استقبال قاسم سلیمانی فرمانده پیشین سپاه قدس که یک سال بعد در حمله پهپادی آمریکا کشته شد قرار گرفت. در نهایت روحانی پس از بازگشت از این سفر گفت «بسته اروپایی‌ها مایوس‌کننده بود.»

رهبران اروپایی اما مایوس نشدند و همچنان در تلاش بودند تا جمهوری اسلامی را راضی به توقف تهدیدات موشکی و منطقه‌ای علیه اسرائیل و همچنین عربستان سعودی کنند. مسئله اسرائیل باز هم در جریان سفر هایکو ماس وزیر خارجه پیشین آلمان به تهران در اواسط خرداد ۱۳۹۸ مطرح شد. آلمان که از متحدان استراتژیک اسرائیل است و همزمان روابط خوبی با جمهوری اسلامی نیز دارد تلاش زیادی کرد که میان طرفین میانجیگری کند. چنانکه قبلاً به صورت غیررسمی در تبادل اسیران میان اسرائیل و حزب‌الله و جمهوری اسلامی میانجی شده بود. البته

قدرتش تجهیزات نظامی نیز به این منطقه سرازیر می‌کند.» در میان جریان‌های داخلی جمهوری اسلامی نیز بر سر توافق امنیتی با عربستان سعودی اختلاف زیاد است. جریان‌هایی نزدیک به سپاه پاسداران و همچنین اغلب فرماندهان ارشد سپاه در این زمینه سکوت کرده‌اند. اما جریان امنیتی نزدیک به اصلاح‌طلبان تلاش می‌کند پروژه کاهش تنش با همسایگان را تبلیغ کند و آن را به حساب خود نیز بنویسد. حسین موسویان از مهره‌های امنیتی جمهوری اسلامی که به عنوان پژوهشگر در دانشگاه پرینستون فعالیت می‌کند در یادداشتی که «میدل‌ایست آی» منتشر کرده گفته است اینکه تهران و ریاض متعهد به عدم دخالت در امور یکدیگر شده‌اند کافی نیست زیرا صلح و امنیت بین دو طرف نیازمند توافق بر سر اصول بیشتری است. موسویان به اصول پیشنهادی خود در این زمینه اشاره کرده و از جمله گفته است که طرفین می‌بایست «امنیت دیگری را جزء لاینفک امنیت خود بدانند» و «توهم هژمونی منطقه‌ای را منتفی در نظر بگیرند» و «رقابت‌های ناسالم در منطقه همچون در یمن، سوریه، لبنان و عراق را به همکاری سازنده تبدیل کنند.» نکته قابل توجه اینکه یکی از مواردی که موسویان به آن اشاره کرده مربوط به مناسبات بین جمهوری اسلامی و اسرائیل است. وی می‌نویسد «اسرائیل و ایران عملاً در شرایط نیمه‌جنگی بسر می‌برند. پکن با هر دو طرف رابطه قوی دارد و می‌تواند برای برقراری آتش‌بس بین دو طرف میانجیگری کند.» پیشنهاد موسویان در مورد «میانجیگری جمهوری خلق چین بین جمهوری اسلامی و اسرائیل» همزمان با تقویت روابط با عربستان، بازتاب دیدگاهی از لایه‌های امنیتی درون نظام است که منافع جمهوری اسلامی را در گرو کنار گذاشتن دشمنی و درگیری با اسرائیل می‌دانند. به نظر می‌رسد این ایده در اسرائیل نیز موافقتی دارد. چنانکه یک مقام ارشد دیپلماتیک اسرائیلی به آکسیوس گفت که دولت اسرائیل توافق اخیر بین عربستان سعودی و جمهوری اسلامی را نه به عنوان یک تهدید، بلکه فرصتی برای تلاش‌های اسرائیل جهت تداوم عادی ساختن روابط با پادشاهی سعودی می‌داند. «به رسمیت شناختن اسرائیل» حتا بطور غیررسمی و اعلام‌نشده، به عنوان گزینه‌ی میانبر پیش روی جمهوری

کشورهای شورای همکاری‌های خلیج فارس در بیانیه‌ای از «ابتکار» و میانجیگری شی جین‌پینگ رئیس جمهوری چین کمونیست برای امضای توافق عربستان و جمهوری اسلامی قدرانی کردند.

در شرایطی که وزارت خارجه آمریکا از توافق امنیتی بین جمهوری اسلامی و عربستان استقبال کرده و آنتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده می‌گوید «موضوع خوبی است» اما وزارت دفاع آمریکا نسبت به نتیجه این توافق ابراز تردید می‌کند.

ژنرال مایکل اریک کوریرا رئیس ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در جلسه استماع در کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا گفته مهم‌تر از اعلام توافق، اجرای آن است. او گفته «در حالی که جمهوری اسلامی و عربستان سرگرم مذاکره برای توافق بودند در طول ۹۰ روز گذشته ما ۵ محموله سلاح را توقیف کردیم. آنها سلاح‌های ایرانی بودند که برای حوثی‌ها ارسال می‌شدند. بعضی از آن کیت‌های [الکترونیک] مربوط به هدایت موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد بودند.»

وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس در بیانیه پایانی صد و پنجاه و پنجمین نشست خود که ۲۳ مارس (سوم فروردین) صادر شد از توافق امنیتی میان جمهوری اسلامی و عربستان که با میانجیگری چین امضاء شد استقبال کردند اما همزمان تأکید کرده‌اند که ایران نباید از میزان غنی‌سازی اورانیوم برای اهداف صلح‌آمیز تجاوز کند.

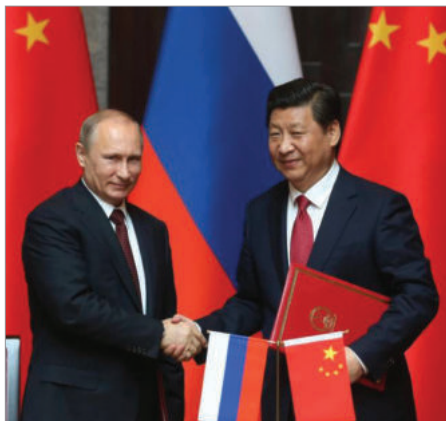
در بخشی از این بیانیه از «ابتکار» شی جین‌پینگ رئیس جمهوری چین کمونیست برای امضای این توافق قدرانی شده است.

در شرایطی که وزارت خارجه آمریکا از توافق بین جمهوری اسلامی و عربستان استقبال کرده و آنتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده می‌گوید «موضوع خوبی است» اما وزارت دفاع آمریکا نسبت به نتیجه این توافق ابراز تردید می‌کند. ژنرال مایکل اریک کوریرا رئیس ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در جلسه استماع در کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا دیدگاه خود را درباره توافق امنیتی تهران و ریاض بیان کرد. این دیدگاه برخلاف نظر خوشبینانه‌ی آنتونی بلینکن است.

آدام اسمیت رئیس کمیسیون نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا ۲۳ مارس (سوم فروردین) از ژنرال کوریرا پرسید «آیا فکر می‌کنید این توافق به توقف ارسال سلاح از ایران برای حوثی‌های یمن منجر خواهد شد؟ آیا جنبه مثبتی در برقراری روابط بین جمهوری اسلامی و عربستان می‌بینید؟» کوریرا پاسخ داد: «هر زمان برای کاهش تنش‌ها اقدام شود خوب است اما مهم‌تر از توافق، اجرای آن است. در حالی که جمهوری اسلامی و عربستان سرگرم مذاکره برای توافق بودند در طول ۹۰ روز گذشته ما ۵ محموله سلاح را توقیف کردیم. آنها سلاح‌های ایرانی بودند که برای حوثی‌ها ارسال می‌شدند. بعضی از آن کیت‌های [الکترونیک] مربوط به هدایت موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد بودند.»

وی تأکید کرد: «بیش از اینها ما باید خیلی نگران این مسئله باشیم که پای چینی‌ها به خاورمیانه باز شده و از دو سال پیش مذاکره بین دو کشور را پیش می‌برده یعنی نه فقط اقتصادش را گسترش می‌دهد بلکه برای افزایش نفوذ و

چرا در قدرت ماندن ولادیمیر پوتین در روسیه برای چین فرصت به شمار می‌رود؟



شی به پوتین گفته «به دلیل رهبری قدرتمند شما در سال‌های اخیر، روسیه پیشرفت چشمگیری در موفقیت داشته و مردم از شما حمایت می‌کنند»

وضع‌شان بهتر شد؛ این کار را ما هم باید بکنیم.»

به گزارش ای‌بی‌سی نیوز، چین در حال حاضر بزرگترین شریک تجاری روسیه است. در بیانیه‌های رسمی هر دو طرف جزئیات کمی در مورد توافق و جدول زمانی آن مطرح شده اما اشاره شده است که اجرای این طرح‌ها بر سال‌های منتهی به ۲۰۳۰ متمرکز است.

افزایش همکاری اقتصادی روسیه و چین در حالی صورت می‌گیرد که ایالات متحده و متحدانش روسیه را به دلیل حمله نظامی به اوکراین تحریم کرده‌اند. پکن اگرچه از محکوم کردن این تجاوز امتناع کرده اما در عین حال خواستار مذاکرات برای برقراری صلح است و در همین ارتباط طرحی را به روسیه ارائه داده که گفته می‌شود مورد استقبال قرار گرفته است.

بر اساس داده‌های گمرک چین، واردات چین از روسیه در سال گذشته تقریباً ۴۹ درصد رشد داشت و به بیش از ۱۱۰ میلیارد دلار رسید.

کرملین اعلام کرد شی جین‌پینگ در گفتگوی رو در رو با پوتین «تمرکز قابل توجهی» روی برنامه‌هایی برای مذاکرات صلح اوکراین داشت.

با این حال، مطرح شده است که بر اساس گزارش طرف روسی، غرب و کی‌یف باید آمادگی نشان دهند تا راه حلی مسالمت‌آمیز حاصل شود.

جان کربی هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی آمریکا یک هفته پیش از این دیدار گفته بود «جهان نباید فریب هیچ حرکت تاکتیکی روسیه را با کمک چین یا هر کشور دیگری بخورد که برای توقف جنگ بر اساس شرایط مسکو و بدون هیچ مسیر مناسبی برای بازگرداندن حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین پیش برده می‌شود.»

کربی در نشست دیگری گفته بود «اگر چین می‌خواهد نقش سازنده‌ای در این مناقشه بازی کند، باید روسیه را تحت فشار بگذارد تا نیروهایش را از اوکراین خارج کند. آنها باید از پوتین بخواهند که مپاران شهرها، بیمارستان‌ها و مدارس را متوقف کند. جنایات جنگی باید متوقف شود و همین امروز باید به جنگ پایان دهد.»

● شی جین‌پینگ رئیس جمهوری چین خطاب به پوتین گفته «مواظب خودت باش... تغییری در راه است که در یک قرن اخیر اتفاق نیفتاده... و ما آن را هدایت می‌کنیم.»
● رسانه‌های چینی گزارش دادند یکی از توافقات روسیه و چین استفاده از ارزهای محلی برای تبادلات تجاری است.

● رادیو ملی آمریکا NPR در تحلیل دیدار شی و پوتین می‌گوید در شرایطی که رهبران غرب پس از تهاجم روسیه به اوکراین مدت‌هاست از پوتین دوری می‌کنند، رهبر جمهوری خلق چین در مقابل دوربین‌ها وی را به عنوان «رهبری قوی» ستود و حتا روس‌ها را تشویق کرد تا در انتخابات بعدی به پوتین رأی دهند. هرچند بعید نیست این مواضع به این دلیل باشد که پوتین نسبت به آینده خود دل‌سرد شده است.

=شاریل کراس مدیر مرکز کوزمتسکی در دانشگاه سنت ادوارد در استین تگزاس: حمایت چین از روسیه اقدامی راهبردی است که برای پوتین به تلافی تحریم‌های آمریکا، ناتو و اتحادیه اروپا بسیار اهمیت دارد.

● سام گرین متخصص امور روسیه در مرکز تحلیل سیاست اروپا: سلطه چین بر روسیه کامل شده... معامله بین آنها بسیار یکسویه است؛ برای نمونه، با وجود صادرات مواد خام روسیه به چین اما پکن سرمایه‌گذاری کمی در روسیه دارد.

ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه یک هفته پس از آنکه به اتهام «جنایت جنگی در اوکراین» و کودک‌ربایی حکم بازداشت او در دادگاه بین‌المللی کیفری صادر شد، در مسکو با شی جین‌پینگ رئیس جمهوری خلق چین «توافق نامه استراتژیک» امضاء کرد. توافقی که گفته می‌شود روابط پکن و مسکو را وارد «دوران جدیدی» از همکاری می‌کند.

بخشی از این توافق مربوط به سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه است که ادعا شده ارزش آن بیش از ۱۵۴ میلیارد یورو است. قرار شده یک کریدور زمینی برای ارسال غلات و انواع محصولات کشاورزی نیز از روسیه به چین ایجاد شود. این در حالیست که روسیه ادعا می‌کند تحریم‌های غرب مانع از ارسال محصولات کشاورزی روسیه شده است.

به گزارش «دیلی میل» شی جین‌پینگ پوتین را «دوست عزیز» خود خواند و به او گفت «مواظب خودت باش... تغییری در راه است که در یک قرن اخیر اتفاق نیفتاده... و ما آن را هدایت می‌کنیم». هم‌زمان پوتین بریتانیا را تهدید کرده است که در خطر «برخورد هسته‌ای» قرار دارد. پیام‌هایی نگران‌کننده برای غرب که زنگ خطر را به صدا در می‌آورد.

رسانه‌های چینی نیز گزارش دادند یکی از توافقات میان روسیه و چین استفاده از ارزهای محلی برای تبادلات تجاری است.

اتفاقاً در همان روز علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز در سخنانی خود در مشهد بر ضرورت کنار گذاشتن دلار از تبادلات تجاری تأکید کرد و گفت: «یکی از مشکلات اقتصاد ما وابستگی به دلار است. بعضی از کشورهایی که تحریم شدند، وابستگی خودشان را به دلار قطع کردند،

آلمان تنها کشوری نیست که به دنبال عادی کردن روابط جمهوری اسلامی و اسرائیل است. روسیه نیز رسماً برای روابط میان تهران و تل‌آویو اعلام آمادگی کرده است. در همان دوران روزنامه «جوان» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصرار هایکو ماس بر ضرورت «به رسمیت شناختن اسرائیل» و «فعالیت‌های منطقه‌ای ایران» را ناشی از مواضع مشترک آنها با آمریکا برای گره زدن مذاکرات اتمی به مذاکرات موشکی و منطقه‌ای دانست. روزنامه «کیهان» چاپ تهران نیز طلبکارانه نوشت که آلمان بجای عذرخواهی در امور ایران فزولی کرد!

پیشنهاد اروپایی‌ها و روسیه در مورد عادی کردن روابط جمهوری اسلامی و اسرائیل چنان به موضوعی جدی در بالاترین رده‌های نظام تبدیل شد که سیدامیرحسین قاضی‌زاده هاشمی نماینده چهار دوره مجلس شورای اسلامی و معاون کنونی ابراهیم رئیسی و رئیس «بنیاد شهید» گفت «حکومت رضا پهلوی بهتر از به رسمیت شناختن اسرائیل است!» از سوی دیگر، جوزپ بورل بهمن‌ماه سال ۱۳۹۸ (بعد از کنفرانس امنیتی مونیخ) به تهران سفر کرد تا بار دیگر راهی برای توافق با جمهوری اسلامی باز کند. او سه شرط اروپایی‌ها در مورد (۱) توقف موشک‌پرانی، (۲) توقف تأمین مالی و تسلیحاتی شبه‌نظامیان و (۳) توقف تهدیدات علیه اسرائیل را مطرح کرد.

در همان زمان علی بیگدلی استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در یک مقاله که روزنامه «آرمان» چاپ کرده بود نوشت: «بورل به دنبال بهانه‌ای برای کمک به ایران است... اتحادیه اروپا بیشتر بر سر همان سه مسئله [توان موشکی، قدرت منطقه‌ای، به رسمیت شناختن اسرائیل] مانور می‌دهد که در نشست امنیتی مونیخ نیز مورد بحث قرار گرفت و قرار بر این شد ظرفی گفتگوهایی در این رابطه با اروپا داشته باشد اما گویا در آن برهه زمانی به سرانجام نرسید. اروپا با این سه خواسته قصد دارد تا به نحوی آمریکا را نیز قانع کند تا به برجام بازگردد.» علی بیگدلی دیپلمات سابق جمهوری اسلامی و یکی از تئوری‌پردازان همان جریانی است که منافع جمهوری اسلامی را در توافق با عربستان و توقف تهدیدات علیه اسرائیل می‌بیند. وقتی اروپایی‌ها موفق نشدند کاری برای روابط جمهوری اسلامی با اسرائیل، حتی به صورت ناگفته و اعلام نشده، انجام دهند، اکنون مهره‌هایی از درون نظام به چینی‌ها برای این کار «سیگنال» می‌فرستند تا شاید اینبار «رفقا» موفق به اقناع خودی‌های «تندرو» شوند و پرونده «نابودی اسرائیل» را که از سوی رهبری نظام از همان آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی به عنوان یکی از اهداف آن اعلام شده، بایگانی کنند. پرونده‌ای که طی بیش از چهار دهه هم یک جنگ هشت ساله به کشور تحمیل کرده و هم به تنش‌های منطقه‌ای چنان دامن زده است که پیامدهای آن بر زندگی مردم ایران قابل انکار نیست.

حالا به نظر می‌رسد با این حساب که جمهوری خلق چین نسبت به اروپایی‌ها نفوذ بیشتری روی جمهوری اسلامی دارد، جریان خواهان «نوسازی حکمرانی» و «تحول» که همان اصلاح‌طلبان هستند، احساس می‌کند ابزار اقتصادی و امنیتی چین برای هل دادن حکومت به سمت کاهش تنش با اسرائیل کارساز خواهد بود. این هل دادن می‌تواند با توجیهات درون نظام مانند ناکار کردن «پیمان ابراهیم» و اختلال در عادی شدن روابط اسرائیل و پادشاهی عربستان و دیگر کشورهای عربی جهت اقناع رهبری نظام نیز پیش برده شود. با اینهمه برخی تحلیلگران بعید می‌دانند که دشمنی با اسرائیل به عنوان یکی از ارکان ایدئولوژیک و فکری نظام جمهوری اسلامی به هر دلیل و ضرورت سیاسی یا اقتصادی، حتا بطور اعلام نشده، منتفی شود.

➔ رئیس‌جمهوری خلق چین با تمجید از عملکرد پوتین به عنوان رئیس روسیه گفته «مطمئن» است که روس‌ها در جریان انتخابات سال ۲۰۲۴ نیز پشت ولادیمیر پوتین خواهند ایستاد.

بعد از دیدار شی و پوتین بازار سهام در چین به شدت اُفت کرد. همچنین روند نزولی روبل هم که از ماه‌ها قبل آغاز شده بود همچنان ادامه یافت.

چرا چین کمونیست و روسیه پوتین می‌توانند بهترین دوستان باشند؟

مایکل شومان رئیس اتحادیه فدرال توسعه اقتصادی و بازرگانی خارجی آلمان در مقاله‌ای که «تایم» انگلیس منتشر کرده مواضع شی در ارتباط با پوتین را بسیار فراتر از آداب دیپلماتیک دانسته اما تأکید می‌کند «اگرچه روسیه و چین بطور معمول در دو دهه گذشته اظهار دوستی کرده‌اند، اما بی‌اعتمادی بین آنها باقیست. این بی‌اعتمادی ناشی از

حمایت چین کمونیست از تداوم حضور پوتین در قدرت رادیو ملی آمریکا (NPR) با اشاره به اینکه رئیس‌جمهوری چین سه روز کامل در روسیه ماند و با پوتین ملاقات داشت می‌گوید این دو نفر روابط نزدیکی دارند و در دهه گذشته تا کنون ۴۰ بار یکدیگر را ملاقات کرده‌اند. این دیدار نشانه‌ای قوی در حمایت چین از روسیه است و نشان داد شی تحت تأثیر حکم دیوان بین‌المللی کیفری علیه پوتین



کارتونی مرتبط با دیدار رؤسای جمهوری چین و روسیه در شرایطی که وضعیت پوتین در جنگ اوکراین وخیم است

لاف خامنه‌ای درباره اقتصاد ایران؛ عقب‌ماندگی صنعت نفت و گاز به دلیل ناکارآمدی و ناتوانی نظام در جذب سرمایه‌گذاری است

● برخلاف ادعای رهبر جمهوری اسلامی نه تنها دولت نتوانست در سال ۱۴۰۱ در صنعت نفت و گاز، و حتی در حد رفع بحران تأمین گاز مورد نیاز کشور، اقدام مثبتی انجام دهد بلکه تصویر پیش روی صنعت گاز ایران در سال جدید خورشیدی نیز بسیار نگران‌کننده است.

● به دلیل عقب‌ماندگی در جذب سرمایه‌گذاری، حتی با فرض توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌های اقتصادی نیز نمی‌توان امیدی به بهبود جایگاه ایران در صادرات نفت و گاز داشت.

● کشورهای منطقه بخش عمده درآمدهای صنعت نفت را در همین صنعت سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ جمهوری اسلامی اما درآمدهای نفت و گاز را برای هزینه‌های جاری کشور و پولیاشی در نهادهای ایدئولوژیک حکومتی و «خودی»‌ها مصرف می‌کند.

علی خامنه‌ای در پیام روز گذشته خود به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۲ مدعی شد که در بخش‌هایی از اقتصاد از جمله «گاز» طی سال گذشته کارهای خوبی صورت گرفته است. آمارهای واقعی اما از هیچ کار و اتفاق مثبت در صنعت نفت و گاز خبر نمی‌دهند و تشدید بحران کمبود گاز در سال گذشته و سال جدید خورشیدی خلاف ادعاهای رهبر جمهوری اسلامی است.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در پیامی که به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۲ داد با اشاره به مشکلاتی که تورم برای معیشت خانوارهای کم‌درآمد ایجاد کرده مدعی شد که وضعیت تولید و توسعه اقتصادی در سال گذشته مثبت بوده است.

رهبر جمهوری اسلامی در سخنانی عجیب گفت: «در طول سال ۱۴۰۱ با اطلاعاتی که من دارم از تولید در کشور حمایت شد. چند هزار کارخانه‌ی تعطیل و نیمه‌تعطیل راه‌اندازی شد.»

او مدعی شده که «قضاوت من در مورد تولید تولیدگران در کشور قضاوت مثبتی است و کار خوبی انجام گرفته.»

شکاف‌های ایدئولوژیک و اختلافات مرزی از دوران جنگ سرد است. با اینهمه به نظر می‌رسد زخم‌های قدیمی در حال التیام هستند.»

شومان معتقد است آنچه دو کشور را با وجود بحران‌های زیاد بهم نزدیک کرده «ضرورت‌های اقتصادی» است اما برخلاف چین، اقتصاد روسیه مثل گذشته قوی نیست. رشد اقتصادی این کشور در سال گذشته تنها ۳/۱ درصد و مشابه رقم ناچیزی بوده که در سال ۲۰۱۴ داشتند. این امر باعث می‌شود پوتین نیاز مبرمی به سرمایه‌گذاری تازه و مشتریان جدید برای صادرات خود داشته باشد که چین به راحتی می‌تواند آن را تأمین کند.

در همین حال، چین همیشه به دنبال منابع جدید مواد خام مانند نفت، چوب و مواد معدنی برای دستگاه‌های تولیدات عظیم خود است و روسیه همان موادی را دارد که چین می‌خواهد.

شومان تأکید کرده روابط نزدیکتر روسیه و چین پیامدهای ژئوپلیتیکی بزرگی برای غرب دارد و تلاش واشنگتن و بروکسل برای تحت فشار قرار دادن پوتین سر بر بحران اوکراین بسیار دشوارتر خواهد شد زیرا مسکو منابع سرمایه‌گذاری، تجارت و حمایت دیپلماتیک را از پکن پیدا می‌کند.

برخی تحلیلگران معتقدند چین در رقابت با دنیای غرب روی درگیری روسیه با آنها حساب باز کرده است. افزایش نفوذ چینی‌ها در خاورمیانه و آسیای مرکزی به ویژه از نظر اقتصادی، یکی از نتایج جدال روسیه و غربی‌ها در اوکراین نیز هست.

قرار نگرفته است.

در شرایطی که رهبران غرب پس از تهاجم روسیه به اوکراین مدت‌هاست از پوتین دوری می‌کنند، رهبر چین در مقابل دوربین‌ها او را به عنوان «رهبری قوی» ستود و حتا روس‌ها را تشویق کرد تا در انتخابات بعدی روسیه به پوتین رأی دهند. هرچند بعید نیست این مواضع به این دلیل باشد که پوتین نسبت به آینده‌ی خود دلسرد شده است.

شاریل کراس مدیر مرکز کوزمستکی در دانشگاه سنت ادوارد در شهر استین تگزاس می‌گوید: «حمایت چین از روسیه اقدامی راهبردی بود که برای پوتین به تلافی تحریم‌های آمریکا، ناتو و اتحادیه اروپا بسیار اهمیت داشت.» اتفاقاً شی با صراحت انتقادات غرب از روابط رو به رشد خود با پوتین را رد کرد و گفت: «این انتخاب استراتژیک چین است و به دلیل یک حادثه موقت تغییر نخواهد کرد.»

تحلیل سام گرین متخصص امور روسیه در مرکز تحلیل سیاست اروپا این است که «سلطه چین بر روسیه کامل شده است.» وی نتیجه مذاکرات پکن و مسکو را «قابل توجه» ارزیابی می‌کند اما معتقد است معامله بین آنها بسیار «یکسویه» است؛ برای نمونه، با وجود صادرات مواد خام روسیه به چین اما پکن سرمایه‌گذاری کمی در روسیه دارد.

شماری از تحلیلگران می‌گویند با وجود هیاهوی زیادی که توافق میان چین و روسیه در پی آورده اما شی یک اقدام سیاسی عادی انجام داده آنهم در حالی که از یکسو نه روسیه را به دلیل حمله به اوکراین محکوم کرده و از سوی دیگر نه از پوتین حمایت نظامی کرده است.



ناتوانی جمهوری اسلامی در تأمین گاز مصرفی بخش خانگی در پاییز و زمستان، استفاده‌ی دوباره از کپسول را رواج داده است

این در حالی است که در خوش‌بینانه‌ترین حالت، درآمد نفتی ایران در همین سال حدود ۲۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

مهرماه امسال هم شرکت انرژی آلمانی «ار و اِ RWE» اعلام کرد قراردادی را با شرکت ملی نفت ابوظبی برای تأمین گاز طبیعی مایع امضا کرده که بر اساس آن برلین ۱۳۷ هزار مترمکعب گاز مایع از امارات و برای اولین بار از طریق یک پایانه شناور واردات گاز مایع در یک بندر نزدیک هامبورگ وارد می‌کند. همزمان نیز کشور قطر قراردادی بزرگ با شرکت توتال فرانسه برای توسعه میدان گاز طبیعی مشترک خود با ایران امضا کرد.

از سوی دیگر ایران در نبود یک سرمایه‌گذاری مستمر و جذب تکنولوژی در صنعت نفت و گاز در زمینه تولید و تأمین و توزیع داخلی انرژی نیز با بحران روبرو شده است. دومین کشور دارنده منابع گاز طبیعی جهان در پاییز و زمستان قادر نیست گاز مصرفی بخش‌های صنعت و خانگی را تأمین کند. برای قطع نشدن گاز بخش خانگی، گاز در بخش صنعت قطع می‌شود. قطع گاز در نیروگاه‌های تولید برق، سبب جایگزینی مازوت یا نفت کوره در نیروگاه‌ها می‌شود که آلودگی شدید هوا را در پی دارد. از سوی دیگر قطع گاز صنایع خسارت‌های اقتصادی زیادی را به کارخانه‌ها وارد کرده و همچنین تولید را به شدت کاهش می‌دهد و سبب بیکاری شماری از کارگران می‌شود.

در سال ۱۴۰۱ که علی‌خامنه‌ای وضعیت تولید را مثبت ارزیابی و مدعی شده که در زمینه توسعه صنایع از جمله گاز و برق کارهای خوبی صورت گرفته، صنایع مختلف از جمله فولاد و پتروشیمی به دلیل قطع گاز و برق دچار خسارت‌های هنگفتی شدند.

در همین رابطه احمد مهدوی ابهر دبیر انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی ایران گفته که صنعت پتروشیمی با قیمت‌های جهانی سال گذشته، ۶۸۲ میلیون دلار یا ۱۶ هزار میلیارد تومان به دلیل قطع گاز زیان یا سود از دست رفته داشته است.

هم سرمایه و هم تکنولوژی و تجهیزات به کشور وارد کند در حالیست که ایران از یکسو با چالش تأمین گاز مورد نیاز داخلی روبروست و از سوی دیگر با عقب‌ماندگی از جذب سرمایه‌گذاری، نسبت به کشورهای منطقه که رقبا ایران در حوزه نفت و گاز به شمار می‌روند نیز میدان رقابت را می‌بازد. در چنین شرایطی حتی با فرض توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌های اقتصادی نیز نمی‌توان امید به بهبود جایگاه ایران در صادرات نفت و گاز داشت.

برای نمونه بر اساس گزارش آنکتاد (کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد) طی ماه‌های گذشته عراق موفق به جذب ۵/۱۰ میلیارد دلار سرمایه مستقیم خارجی شده و عربستان هم توانسته بالغ بر ۱۹ میلیارد دلار سرمایه مستقیم خارجی جذب کند.

از سوی دیگر کشورهای دارای نفت و گاز منطقه بخش عمده درآمدهای صنعت نفت را در همین صنعت سرمایه‌گذاری می‌کنند که بازده آن طی سال‌های نه چندان دور سبب افزایش تصاعدی درآمدهای آنها خواهد شد. جمهوری اسلامی اما درآمدهای نفت و گاز را برای هزینه‌های جاری کشور و پولپاشی در سازمان‌ها و نهادهای ایدئولوژیک حکومتی و «خودی»‌ها مصرف می‌کند.

شرکت ملی نفت ابوظبی که با نام Adnoc نیز شناخته می‌شود پاییز گذشته اعلام کرد که در طی پنج سال و تا سال ۲۰۲۷، ۱۵۰ میلیارد دلار در صنعت نفت این کشور سرمایه‌گذاری خواهد کرد. این سرمایه‌گذاری سبب می‌شود امارات ظرفیت تولید نفت خام را تا سال ۲۰۲۷ به ۵ میلیون بشکه در روز برساند، یعنی زودتر از هدفگذاری قبلی که برای سال ۲۰۳۰ انجام شده بود. همزمان غول نفتی عربستان سعودی آرامکو نیز قصد دارد تولید خود را تا سال ۲۰۲۷ به میزان ۱۲ میلیون بشکه افزایش دهد.

جذب سرمایه‌گذاری درآمدهای این کشورها را به سرعت افزایش داده و می‌دهد. برای نمونه درآمدهای نفتی عراق در ماه‌های اخیر از ۱۱ میلیارد دلار در ماه گذشته و به مجموع درآمد ۱۳۰ میلیارد دلار در پایان سال ۲۰۲۲ رسیده است.

بعضی از شاخص‌های اقتصادی رشد داشت؛ در بیمه شاخص ما شاخص خوبی است. در سازندگی، در بخش‌های آب، گاز، راه، محیط زیست، در این زمینه‌ها کارهای خوبی انجام گرفت.»

علی‌خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنانش گفت که «در سال ۱۴۰۲ هم مسئله اصلی ما مسئله اقتصاد است؛ در کنار تولید سرمایه‌گذاری مهم است. این را هم دولتی‌های محترم و مکرم توجه کنند، هم بخش خصوصی توجه کنند، ما از لحاظ سرمایه‌گذاری در دهه‌ی نود خیلی عقب ماندیم. سرمایه‌گذاری، یکی از خلأهای مهم کشور ما مسئله سرمایه‌گذاری است. باید سرمایه‌گذاری انجام بگیرد که این هم کار مهمی است.»

صنعت نفت و گاز ایران به عنوان یکی از شاهراه‌های درآمدزایی کشور نتوانسته برنامه‌های توسعه‌ای و جذب سرمایه‌گذاری را پیش ببرد و عقب‌افتادگی در توسعه این صنعت طی سالهای گذشته تأمین و توزیع گاز برای مصرف داخلی را هم با چالش‌هایی جدی روبرو کرده است.

برخلاف ادعای رهبر جمهوری اسلامی نه تنها دولت نتوانست در سال ۱۴۰۱ در صنعت نفت و گاز، و حتی در حد رفع بحران تأمین گاز مورد نیاز کشور، اقدام مثبتی انجام دهد بلکه تصویر پیش روی صنعت گاز ایران در سال جدید خورشیدی نیز بسیار نگران‌کننده است.

هرچند جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی طی سال گذشته خبرهایی از جذب سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران را به رسانه‌ها اعلام کرد اما مجموع آنچه وزیر نفت درباره آنها تبلیغ کرده امضا یا مذاکره برای ۱۰۰ میلیارد دلار تفاهم‌نامه همکاری بوده است؛ نه قرارداد قطعی امضا شده و نه پروژه‌ای آغاز شده است. بخشی از خبرهای مربوط به صنعت نفت و گاز هم مرتبط با قرارداد «ایران‌روشی» همکاری ۲۵ ساله ایران و چین است که با اجرای آن امتیازهایی از جمله تخفیفات ویژه به چین داده می‌شود!

جواد اوجی وزیر نفت در همان اوایل آغاز به کار دولت سیزدهم گفته بود ایران نیاز مبرم به ۲۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز دارد تا واردکننده انرژی نشود. کارشناسان نیز تأکید کرده‌اند که با توجه به عقب‌ماندگی شدید این صنعت از جذب سرمایه‌گذاری و توسعه، در صورتی که به سرعت جذب سرمایه‌گذاری واقعی صورت نگیرد ایران به عنوان دومین دارنده منابع طبیعی گاز جهان، به واردکننده گاز تبدیل خواهد شد.

بیش از یک سال و نیم از اعلام عدد ۲۵۰ میلیارد دلار به عنوان رقم مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز می‌گذرد اما طی این مدت، آنچه علی‌خامنه‌ای «کار خوب» خوانده تنها امضای حدود ۱۰۰ میلیارد دلار تفاهم‌نامه همکاری به ویژه با دو کشور همراه جمهوری اسلامی یعنی چین و روسیه بر می‌گردد. بزرگترین تفاهم‌نامه امضا شده با ارزش ۴۰ میلیارد دلار با گازپروم روسیه بوده است اما هیچ یک از تفاهم‌نامه‌ها وارد فاز اجرایی نشده و اساساً مشخص نیست چه زمانی به قرارداد قطعی می‌رسند. به بیان دیگر هیچ سرمایه‌گذاری واقعی در صنعت نفت و گاز ایران صورت نگرفته است!

از سوی دیگر مهدی پورقاضی عضو اتاق ایران و روسیه نیز گفته «چینی‌ها متوجه شده‌اند که ایران در معادلات تجاری بین‌المللی از موقعیت مناسبی برخوردار نیست. چینی‌ها به دلیل تحریم حتا تمایلی برای سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و انرژی در ایران ندارند، چرا که با ریسک بسیار کمتر مشابه این سرمایه‌گذاری را می‌توانند در کشور دیگری انجام دهند.»

شکست در جذب سرمایه‌گذاری خارجی که می‌توانست

وزارت خارجه آمریکا: رفتارهای تروریستی رژیم ایران در دوران بایدن افزایش یافته است



● در تابستان ۲۰۲۱ که دولت بایدن نیروهای آمریکایی را از افغانستان خارج نمود، جمهوری اسلامی با ارسال پول و اسلحه از گروه تروریستی طالبان پشتیبانی کرد.

گزارش تروریسم جهانی ۲۰۲۱ وزارت امور خارجه ایالات متحده، نشان می‌دهد که «رفتارهای تروریستی» جمهوری اسلامی ایران در اولین سال رئیس جمهور شدن جو بایدن در آمریکا افزایش چشمگیری داشته است.

بر اساس این گزارش که نسخه‌ای از آن به «واشنگتن فری بیکن» رسیده، رژیم ایران با دستیابی به «منابع نقدی بیشتر» از «توطئه‌های تروریستی» در آفریقا، آسیا، اروپا، آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی حمایت کرده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۲۰۲۱ از هشت گروه تروریستی تحت تعقیب ایالات متحده حمایت کرد و از طریق شبه‌نظامیان نیابتی خود نیز به نیروهای آمریکایی در خاورمیانه حمله کرده و به تأمین مالی توطئه‌های تروریستی در پنج قاره پرداخت.

بر اساس گزارش وزارت خارجه آمریکا، در تابستان ۲۰۲۱ که دولت بایدن نیروهای آمریکایی را از افغانستان خارج نمود، رژیم ایران به طالبان «تسلیحات و پشتیبانی» ارائه داد.

در این گزارش همچنین آمده است که گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران در عراق «بیش از ۱۰۰ حمله با بمب‌های دست‌ساز» علیه ائتلاف آمریکایی انجام دادند. این نیروهای شبه‌نظامی در سال ۲۰۲۱ همچنین «حداقل ۴۰ بار بطور غیرمستقیم» علیه منافع ایالات متحده در عراق حمله کردند.

یکی از این حملات، هجوم فوریه ۲۰۲۱ بود که منجر به کشته شدن یک پیمانکار آمریکایی در عراق شد. دو روز پس از آن حادثه، دولت بایدن طرحی را برای لغو تمامی تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه رژیم ایران و برداشتن محدودیت‌های سفر برای دیپلمات‌های ایرانی مستقر در نیویورک به اجرا گذاشت.

بر اساس گزارش تروریسم وزارت خارجه آمریکا، در طول سال ۲۰۲۱، سپاه پاسداران در عراق و سوریه، جایی که جمهوری اسلامی در حال تقویت دیکتاتوری بشار اسد است، «دخالت فعال» داشته است. بر اساس این گزارش، رژیم جمهوری اسلامی همچنان به حمایت از چندین گروه تروریستی که تحت تعقیب ایالات متحده هستند ادامه می‌دهد. تهران به این گروه‌ها کمک مالی می‌کند، آنها را آموزش می‌دهد و تجهیزات و تسلیحات در اختیار آنها می‌گذارد.

واشنگتن فری بیکن: تحویل پول‌های بلوکه شده به رژیم ایران سرکوب‌ها را تشدید می‌کند

تد کروز همچنین گفت «این پول رژیم ایران را قادر می‌سازد تا روسیه را در جنگ همه‌جانبه علیه اوکراین تقویت کند. دولت اعتراف می‌کند که جمهوری اسلامی همدست شماره یک روسیه است. این به شما نشان می‌دهد که در واقع اولویت‌های آنها چیست.»

اتحاد برخی دولتمردان عراق با جمهوری اسلامی این نگرانی‌ها در مجلس نمایندگان آمریکا را که جمهوریخواهان در آن اکثری دارند برانگیخته است.

نمایندگان کنگره و سناتورهای آمریکایی پیش از این هشدار داده بودند که عراق به حکومتی تابع جمهوری اسلامی تبدیل شده و تهدید کرده‌اند که بیش از نیم میلیارد دلار از کمک‌های امنیتی ایالات متحده به بغداد را کاهش خواهند داد.

با توجه به نیاز عراق به ایران برای تأمین برق و سایر خدمات، پول‌های بلوکه شده ایران مدت‌ها نقطه اختلاف در روابط ایالات متحده و عراق بوده است. وزارت خارجه آمریکا بارها معافیت‌های تحریمی را برای عراق تمدید کرده است که اجازه می‌دهد بخشی از بدهی‌های خود به ایران را پرداخت کند.

دولت ترامپ نیز معافیت‌هایی را به عراق می‌داده است، اگرچه آنها را تشویق می‌کرد که برای تأمین برق و گاز منابع جدید را جایگزین کنند.

آمریکا در زمان ترامپ (نوامبر سال ۲۰۱۸ چند ماه پس از خروج ایالات متحده از برجام در هشتم ماه مه ۲۰۱۸) هشت کشور از جمله ژاپن، هند، کره جنوبی و چین را به صورت مشروط از تحریم‌های نفتی ایران معاف کرده بود.

دولت بایدن چندین بار این معافیت‌ها را از جمله در مارس ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ تمدید کرد که هر معافیت به عراق

● دولت بایدن با تهدید معافیت عراق از تحریم‌های جمهوری اسلامی راه را برای پرداخت ۵۰۰ میلیون دلار به رژیم ایران بابت پول برق وارداتی باز کرده است.

● جمهوریخواهان می‌گویند این پول به رژیم ایران برای سرکوب معترضان و همچنین ارائه تجهیزات نظامی به روسیه که علیه اوکراین در جنگ است کمک می‌کند.

● نمایندگان کنگره و سناتورهای آمریکایی پیش از این هشدار داده بودند که عراق به حکومتی تابع جمهوری اسلامی تبدیل شده و تهدید کرده‌اند که بیش از نیم میلیارد دلار از کمک‌های امنیتی ایالات متحده به بغداد را کاهش خواهند داد.

دولت بایدن راه را برای پرداخت ۵۰۰ میلیون دلار به رژیم ایران، باز کرده است. حمید حسینی دبیرکل اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق می‌گوید در سفری که وزیر خارجه عراق به واشنگتن داشت، آمریکا اجازه داده که ۵۰۰ میلیون دلار از بدهی برق عراق به ایران پرداخت شود.

واشنگتن فری بیکن در گزارشی می‌نویسد در شرایطی که دولت جو بایدن ادعا می‌کند توافق اقی را کنار گذاشته اما پرداخت این مبلغ ادعایی نشان می‌دهد که درها را برای دادن امتیازات بیشتر به تهران به عنوان بخشی از یک توافق جدید باز می‌گذارد.

جمهوریخواهان می‌گویند این پول رژیم ایران را در سرکوب معترضان و همچنین ارائه تجهیزات نظامی به روسیه که علیه اوکراین در جنگ است کمک می‌کند.

وزارت خارجه آمریکا که باید معافیت‌هایی از این نوع تحریم‌ها را تأیید کند، این گزارش را تأیید یا رد نکرد و در عوض، واشنگتن فری بیکن را به وزارت خزانه‌داری آمریکا ارجاع داده است. همچنین سخنگوی وزارت خارجه آمریکا



کنفرانس خبری مشترک حسین امیرعبداللّه‌ای وزیر خارجه جمهوری اسلامی و فؤاد حسین وزیر خارجه عراق، تهران دی ماه ۱۴۰۰

اجازه می‌داد برای مدت ۱۲۰ روز بدون تحریم، برق از ایران وارد کند.

عراق مقامات آمریکایی را برای تداوم معافیت‌ها زیر فشار قرار داده و مدعی است که اگر نتواند به موقع بدهی‌های خود را به ایران پرداخت کند، با کمبود برق مواجه خواهد شد. به احتمال زیاد این نگرانی‌ها در ماه گذشته و زمانی که هیئت عراقی برای دیدار با مقامات وزارت خارجه و دولت بایدن در واشنگتن بود، مطرح شده است.

نیز به سؤالاتی درباره اینکه آیا این پرداخت در مذاکرات اخیر با دولت عراق افزایش یافته یا نه، پاسخی نداد.

سناتور تد کروز یکی از اعضای کمیته روابط خارجی سنا، می‌گوید: «دولت بایدن به ایران اجازه داده میلیاردها دلار با لغو تحریم‌های نفتی به دست آورد و اکنون دوباره میلیاردها دلار برای آیت‌الله می‌فرستد... این اقدامات آشکار، علنی و غیرقابل انکار، امنیت و جان آمریکایی‌ها را به خطر می‌اندازد.»

دارد و بحران‌ها در اقتصاد ایران افزایش یافته که حتی در چنین شرایطی نیز مانند سال‌های گذشته بودجه‌پاشی در سازمان‌ها و نهادهای زیانبار حکومتی که به تبلیغ و مغزشویی می‌پردازند ادامه دارد.

«موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» معروف به «مدرسه مصباح» در سال ۱۳۷۴ توسط محمدتقی مصباح یزدی تأسیس شد. این موسسه مجموعه‌ای آموزشی برای تحصیل دانشجویان و طلبه‌های شیعه است و از تندرترین موسسات و نهادهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

«موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» بعد از مردن مصباح یزدی زیر نظر حجت‌الاسلام محمود رجیبی اداره می‌شود. این موسسه در حالی بودجه‌خواری می‌کند که یک موسسه نه صرفاً بی‌خاصیت بلکه زیانبار است.

«پایگاه داده‌های باز ایران» هم در گزارشی که درباره بودجه تعلق گرفته به این موسسه منتشر کرده نوشته که دولت برای ساخت این مدرسه ۷ هزار متر مربع زمین در مرکز قم به مصباح یزدی داده و هزینه‌های مدرسه از محل بودجه عمومی کشور تأمین می‌شود.

بررسی‌های «پایگاه داده‌های باز ایران» نشان می‌دهد طی ۸ سال گذشته در مجموع ۳۲۷ میلیارد تومان از منابع عمومی بودجه کشور صرف تأمین هزینه‌های جاری این موسسه شده است.

این گزارش همچنین تأکید کرده که «رد پای مصباح یزدی را می‌توان در قتل‌های محفلی کرمان در سال ۱۳۸۱ جست‌وجو کرد تا آنجا که بسیجیان قاتل شهروندان کرمانی به صراحت اعلام کردند که این قتل‌ها بر اساس فتوا و سخنرانی‌ها مصباح‌یزدی درباره نهی از منکر بوده است.

تقی گیوه‌چی معروف به محمدتقی مصباح یزدی از تندرترین مجتهدان جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت. او به جز آنکه بنیانگذار و رئیس «موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» بود، ریاست شورای عالی مجمع جهانی اهل‌بیت و عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را نیز در کارنامه داشت.

او یکی از ترویج دهندگان خشونت و قتل علیه شهروندان ایران در جمهوری اسلامی و از جمله فتوادهندگان قتل نویسندگان و روشنفکران پس از انقلاب بود که حاصل آن اجرای پروژه قتل‌های زنجیره‌ای بود. راه‌اندازی گروه‌های فشار و لباس‌شخصی در دهه هفتاد خورشیدی نیز در پی دیدگاه‌های خشونت‌طلب مصباح یزدی و تقدس انواع خشونت در قالب اسلام بود.

برای نمونه او در خطبه‌های نماز جمعه در خرداد ۷۸ گفته بود که «مردم اگر با دلایل قطعی برایشان ثابت شود که توپنه علیه نظام در کار است و می‌خواهند نظام را براندازند، دیگران به هر دلیلی توجه ندارند یا صلاح خودشان نمی‌دانند، اگر مردم قطع پیدا کردند، خودشان باید اقدام کنند. این هم از مواردی است که تمسک به خشونت جایز است.»

مصباح یزدی این اندیشه‌های تروریستی را در دهه ۱۳۸۰ نیز ادامه داد بطوری که در سخنان خود در یکی از مساجد کرمان گفته بود: «اگر کسی خلاف شرعی مرتکب شود مؤمنان وظیفه دارند به او تذکر دهند، در مرحله بعد وظیفه دارند که به پلیس معرفی‌اش کنند، و اگر بعد از چند بار به این نتیجه رسیدند که پلیس و دستگاه قضایی نیز این افراد را مجازات نمی‌کنند، خودشان می‌توانند دست به کار شده و خاطیان را به سزای اعمال خود برسانند.»

تحت تأثیر همین سخنرانی در خلال قتل‌های محفلی کرمان، چند نفر از بسیجیان کرمانی، پنج نفر از شهروندان کرمان را که به ظن آنها «گناهکار» بودند به شکل فجیعی به قتل رساندند.

گزارش یک پولپاشی؛ تقدیم ۹۰۰ میلیارد تومان پول مردم ایران به «موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی»



مؤسسه آموزشی و پژوهشی خمینی - قم

در بخشی از گزارش «پایگاه داده‌های باز ایران» آمده که «تنها اعتبارات هزینه‌ای (بودجه جاری) موسسه امام خمینی در نظر گرفته شده» و تأکید شده که این رقم اعتباری تنها منبع تأمین هزینه‌های این مرکز نیست و این موسسه منابع دیگری داخل و خارج از بودجه دارد.

برای نمونه آورده شده که «در بودجه سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ با اعتبارات ۲۵ و ۸۰ میلیارد تومانی» این موسسه «از تبصره ۱۴ با بودجه هدفمندی یارانه‌ها» اشاره شده که «به دلیل عدم دسترسی به فهرست مصارف و هزینه‌های بودجه یارانه‌ها» روشن نیست که این نهاد در سال‌های دیگر هم از «بودجه یارانه‌ها استفاده کرده یا نه.»

این گزارش همچنین تأکید کرده که به دلیل ارتباط میان این موسسه با دفتر علی خامنه‌ای، بالقوه احتمال استفاده از منابع مالی تحت نظر رهبر جمهوری اسلامی نیز وجود دارد.

«کیهان لندن» در گزارشی در دی‌ماه ۱۴۰۱ به بودجه «موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» پرداخته و نوشته بود بودجه‌پاشی در نهادها و سازمان‌های مافیایی جمهوری اسلامی امسال هم ادامه دارد و از جمله به «موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» بیش از ۱۴۱ میلیارد تومان بودجه اختصاص یافته است!

این گزارش با اشاره به افزایش بودجه نهادها و سازمان‌هایی مثل صداوسیما، حوزه علمیه و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نوشته بود که دولت در حالی درآمد‌های نامشخص و مبهم

طی ۸ سال گذشته در مجموع ۳۲۷ میلیارد تومان از منابع عمومی بودجه کشور صرف تأمین هزینه‌های جاری «موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» شده است.

بودجه تعلق گرفته به «موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» طی شش سال گذشته معادل هزینه‌های پنج هزار و ۷۰۰ خانوار شهری در ایران بوده است.

«کیهان لندن» دی‌ماه ۱۴۰۱ در گزارشی درباره لایحه بودجه نوشته بود بودجه‌پاشی در نهادها و سازمان‌های مافیایی جمهوری اسلامی امسال هم ادامه دارد و از جمله به «موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» بیش از ۱۴۱ میلیارد تومان بودجه اختصاص یافته است!

تازه‌ترین گزارش «پایگاه داده‌های باز ایران» نشان می‌دهد صدها میلیارد تومان پول مردم ایران خرج یکی از تندرترین مدارس شیعه‌پرور جمهوری اسلامی شده است.

«پایگاه داده‌های باز ایران» در تازه‌ترین گزارش تحقیقی خود به پولپاشی جمهوری اسلامی به «موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» معروف به «مدرسه مصباح» پرداخته و میزان بودجه این موسسه طی سال‌های گذشته را بررسی کرده است.

بر اساس این گزارش بودجه تعلق گرفته به «موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» طی شش سال گذشته معادل هزینه‌های پنج هزار و ۷۰۰ خانوار شهری در ایران بوده است.

در این گزارش آمده که بررسی‌های پایگاه داده‌های باز نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در ظرف ۶ سال گذشته از محل بودجه دولت معادل مخارج و هزینه‌های ۵۷۰۰ خانوار شهری، خرج این مدرسه کرده است. به عبارت دیگر، از قانون بودجه ۱۳۹۵ تا لایحه بودجه ۱۴۰۱ در مجموع ۳۲۷ میلیارد تومان اعتبارات به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی اختصاص پیدا کرده که این رقم معادل مخارج و هزینه‌های ۵۶۹۴ خانوار شهری ایرانی در فاصله سال‌های ۱۳۹۴ تا امروز است.

در ادامه‌ی این گزارش آمده است طی ۸ سال گذشته در مجموع ۳۲۷ میلیارد تومان از منابع عمومی بودجه کشور صرف تأمین هزینه‌های جاری این موسسه شده است.

در بخشی از گزارش «پایگاه داده‌های باز ایران» ارزش اعتبارات تعلق گرفته به این موسسه با قیمت روز محاسبه شده است. بر این اساس اعداد و ارقام بودجه‌های سالانه «موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» را به نسبت تغییرات تورم، دلار و شاخص بهای کالا و خدمات و همین‌طور متوسط هزینه خانوار بررسی شده است.

بر اساس این گزارش، در «هشت سال گذشته در مجموع ۳۲۷ میلیارد تومان از منابع عمومی بودجه کشور صرف تأمین هزینه‌های جاری این موسسه شده» است.

بر اساس محاسبات صورت گرفته «ارزش تورمی مجموع بودجه هشت سال آخر این موسسه» به اندازه ۹۰۰ میلیارد تومان، بر پایه «نرخ ثابت بهمن ۱۴۰۱» بوده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد موسسه «امام خمینی» از قانون بودجه سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ جمعا نزدیک به ۲۹ میلیون دلار معادل متوسط سالانه سه میلیون و ۶۰۴ هزار دلار بودجه گرفته که به میزان هزینه پنج هزار و ۷۰۰ خانوار شهری است. این مرکز پژوهشی برای محاسبه، هزینه خانواده‌های شهری را «در سال تصویب بودجه» در نظر گرفته، به طور مثال «برای سال ۱۳۹۵ هزینه‌های خانوار را در سال ۱۳۹۴ مبنای محاسبه»

قرار داده و با توجه به این که «آمار هزینه درآمد خانوار سال ۱۴۰۱» منتشر نشده، «هزینه‌های سال قبل را به نسبت تورم» برآورد کرده است.



سخنرانی در دانشگاه وست‌مینستر

گفتگو با نویسنده «مومو و دوستانش»؛ داستان‌هایی با کودکان ناتوانند برای همه کودکان

-تصمیم گرفتم قبل از نوشتن داستان‌ها ابتدا کاراکترها را خلق کنم که در مجموعه داستان‌ها حضور داشته باشند. یعنی مجموعه‌ای باشد که تداوم داشته و سریال باشد. داستان‌های سری «ماجراهای شگفت‌انگیز مومو و دوستانش» بهم ارتباط دارند تا کودکان آنها را دنبال کنند. در نظر دارم در آینده بر اساس این داستان‌ها کارتون‌هایی هم تولید شوند. ایده‌های دیگری هم دارم که مانند برای بعد. شرکتی را ثبت کرده‌ام که در چارچوب آن این کتاب‌ها - و امیدوارم بعدها کارتون‌ها- تولید شوند که که مخفف آن WAB است یعنی همه ما بهم تعلق داریم (We All Belong).

برای پیشبرد کار با شرکتی وارد همکاری شدم که تجربه‌ی طولانی در تصویرپردازی کاراکترهای داستان‌های کودکان دارد. اینهم فرآیندی طولانی بود تا تصاویر آنها نهایی شوند. اگر به چهره «مومو» نگاه کنید دارای نوارهای زرد و آبی در موهایش و بند کفش‌هایش است که این نشانه و سمبل بیماری «داون» است. این تلویحی به معنای آنست که او هر چیزی که هست به آن افتخار می‌کند و خوانندگان هم با این مفاهیم آشنا می‌شوند.

● به این ترتیب به نظر می‌رسد «مومو» با دوستانش، هاروی و انزو، رابطه خوبی دارد و با هم ماجراهایی را از سر می‌گذرانند. آیا هر داستان پیامی دارد؟

-بله، کتاب اول من در مورد کاراکترها بود که گفتم با الهام از شخصیت‌های واقعی ساخته و پرداخته شدند که البته برای جالب کردن آنها مبالغه کرده‌ام. در کتاب دوم که عنوانش است «بیشتر از نژاد» یک کاراکتر دیگر هم داریم که دختری است با نام «ایوا» که سرچشمه بیماری او نرسیدن اکسیژن کافی به نوزاد در حین زایمان است. این دختر روی صندلی چرخدار است. داستان هم از این قرار است که در روز مسابقه ورزشی در مدرسه هیچکس او را در تیم‌شان راه نمی‌دهد زیرا ارزشی به تیم‌شان اضافه نمی‌کند. مربی هم شخص رقابت‌طلب است و شهوت رسیدن به پیروزی دارد و از بالا به این دختر نگاه می‌کند. از قضا بعدها مربی تصادف وحشتناکی می‌کند و خودش مجبور می‌شود که روی صندلی چرخدار بنشیند. همین تجربه باعث می‌شود او بفهمد که با افراد دارای معلولیت باید مهربان بود. چکیده پیام داستان‌های «مومو» هم در همین است.

دخترم و همچنین کاراکترهای دیگر داستان‌ها باشند پیدا کنم. در داستان من، یک کاراکتر سگ چابک و فرزند هست که اسمش را «هاروی» گذاشتم. این کاراکتر را بر اساس سگ یکی از دوستانم خلق کردم. با این سگ اُخت بودم چون وقتی آنها به سفر می‌رفتند من از او نگهداری می‌کردم. سگ تیزپایی بود که آرام و قرار نداشت و بسیار دوست داشت که با دیگران ارتباط برقرار کند. من تمام خصوصیات این سگ را در کاراکتر «هاروی» گنجاندم. شخصیت ثابت دیگر گربه‌ای است به نام «انزو» که گربه خانواده برادرم است. این گربه اهل خانه و همواره در خودش است. زیاد هم دوست ندارد با دیگران ارتباط برقرار کند؛ پُر پشم است و کمی هم دست‌وپا چلفتی و در عین حال بسیار وسواس دارد. من خصوصیات او را با اغراق در کاراکتر «انزو» گذاشتم. افزون بر این، از او یک شخصیت آکادمیک ساختم که به دانش و ریاضیات علاقه دارد و معماها و معادله‌ها را حل می‌کند.

بخشی از خوانندگان با خصوصیات او ارتباط برقرار می‌کنند و بخشی دیگر که اهل ورزش و فعالیت‌های فیزیکی هستند با «هاروی». به هر حال در داستان‌های من برای هر بچه‌ای کاراکتری هست که با آن بیشتر ارتباط برقرار کنند.

در عین حال بسیار آگاه بودم که این داستان‌ها در مورد معلولیت نباشند. این چیز است که در بازار وجود دارد که درواقع موعظه می‌کنند که ما چرا باید بچه‌های دارای معلولیت را بین خودمان راه دهیم و از این حرف‌ها. من از این دریچه برخوردار می‌کنم و موعظه نمی‌کنم. بلکه نشان می‌دهم که «مومو»- یعنی کاراکتر دخترم- هرچند دارای معلولیت است ولی با کاراکترهای دیگر ارتباط دارد و با آنها بازی می‌کند و وارد ماجراهای داستان می‌شود. سعی می‌کنم که به بچه‌های دارای معلولیت‌های مختلف، سکو و بلندگویی برای شنیدن صدایشان بدهم. زیرا بچه‌ها بیشتر از چیزهایی که در معرض تأثیرگذاری آنها هستند و از رفتار دیگران می‌آموزند تا از موعظه. تمام فلسفه کاری من هم آنست که بچه‌هایی که نیازهای ویژه دارند برای این جنبه مورد توجه قرار نگیرند؛ فرضا اگر ما بچه‌ای را روی صندلی چرخدار می‌بینیم به او به عنوان یک پدیده معمولی در جامعه انسانی نگاه کنیم. البته مدت‌ها طول کشید تا مسیر پیشرفتم را یافتم.

● چگونه این پروژه را شکل دادید؟

● «وقتی دخترم به دنیا آمد تشخیص داده شد که نه فقط دارای سندروم داون است بلکه مشکل شدید قلبی نیز دارد. یعنی دارای دو سوراخ در دو دهلیز قلب‌اش است. همین باعث شد که در حدود شش هفت ماهگی یک عمل قلب باز و به دنبال آن دو عمل دیگر سنگین داشته باشد.»

● «من بسیار آگاه بودم که این داستان‌ها در مورد معلولیت نباشند. این چیز است که در بازار وجود دارد که درواقع موعظه می‌کنند که ما چرا باید بچه‌های دارای معلولیت را بین خودمان راه دهیم و از این حرف‌ها. من از این دریچه برخوردار می‌کنم و موعظه نمی‌کنم. بلکه نشان می‌دهم که «مومو»- یعنی کاراکتر دخترم- هرچند دارای معلولیت است ولی با کاراکترهای دیگر ارتباط دارد و با آنها بازی می‌کند و وارد ماجراهای داستان می‌شود.»

سارا ممتاز مادر یک فرزند معلول است که تولد وی او را به سوی نوشتن داستان‌هایی برای کودکان با کاراکترهایی که ناتوانند هستند کشاند. کیهان لندن درباره این تجربه و داستان‌هایش با سارا ممتاز گفتگو کرده است.

● خانم ممتاز، لطفا درباره انگیزه خود برای نوشتن داستان‌هایی با شخصیت‌های کودکان ناتوانند توضیح دهید.

-من قبل از به دنیا آمدن دخترم، امانی، هیچ تجربه‌ای در ارتباط با معلولیت نداشتم و از زندگی روزمره آنها و مشکلات‌شان باخبر نبودم. ولی با تولد دخترم تجربه‌های من شروع شد. وقتی او به دنیا آمد تشخیص داده شد که نه فقط دارای سندروم داون است بلکه مشکل شدید قلبی نیز دارد. یعنی دارای دو سوراخ در دو دهلیز قلب‌اش است. همین باعث شد که در حدود شش هفت ماهگی یک عمل قلب باز و به دنبال آن دو عمل دیگر سنگین داشته باشد. یادم است وقتی که دخترم حدود سه ماه‌اش بود، یعنی تقریباً دو سال پیش، ایده‌ای در مورد شخصیت‌پردازی برای داستان‌هایی ویژه کودکان به ذهنم خطور کرد. مسلماً درباره دخترم به عنوان شخصیت اول این داستان‌ها فکر کردم. تا جایی که من تحقیق کرده‌ام داستانی نیافتم که کودکی دارای معلولیت عمده جسمی و ذهنی کاراکتر اول داستان باشد. ولی به گمان من هیچ دلیلی وجود ندارد که اگر اینطور باشد داستان مورد توجه و علاقه خوانندگان قرار نگیرد. دور و برم را به دقت نگاه می‌کردم تا کاراکترهای کسانی را که دوستان

به شورای شهر وست‌مینستر در مورد این ایده نامه‌ای نوشتم که زود مورد قبول و استقبال آنها قرار گرفت و آنها اعلام آمادگی برای تامین هزینه و اختصاص فضایی به این پروژه کردند. حدود یک سال پیش پروژه شکل منسجم‌تری یافت و به مرحله مطالعه امکان‌سنجی رسید. من در دانشگاه وست‌مینستر درباره این پروژه برای دانشجویان فوق لیسانس به بالا به عنوان یک طرح کامیونیتی (باهمستانی) سخنرانی کردم که مورد توجه قرار گرفت. تلاش کردم که دانشجویان مهندسی را که

اطلاعات در مورد بیماری باشند. این جنبه آموزنده داستان‌ها برای بزرگسالان و کودکان است که خواندن کتاب را برای همه دلپذیر می‌کند.

● ایده پروژه محل بازی برای کودکان ناتوانند چگونه شکل گرفت؟

گفتم که من به واسطه دخترم در تماس دائمی با مسائل افراد دارای معلولیت قرار دارم و مشکلات آنها دغدغه من است. من دخترم را به پارک می‌برم تا سرگرم شود و از زندگی

در کتاب سوم کاراکتر پرسی داریم که دارای اوتیسم است و در سفر هوایی بیقراری می‌کند. این داستان را نوشتم زیرا می‌دانم کم نیستند خانواده‌هایی که فرزندان آنها معلولیت‌های پوشیده دارند و به نظر نمی‌رسد نیازهای خاصی داشته باشند. ولی فرضاً محیط هواپیما در حین پرواز آنها را آزار می‌دهد و آرام و قرار را از آنها می‌گیرد و باعث ناراحتی مسافران دیگر می‌شود. در ظاهر آنها مشکلی ندارند ولی شرایط خاص مسافرت هوایی آنها را دچار تشویش و اضطراب می‌کند. در چنین شرایطی فرزندان با



سارا ممتاز و کتاب‌هایش برای کودکان



سارا ممتاز و دخترش

فکری باز، خلاق و ابتکاری دارند جذب این پروژه کنم. شرکت‌های حرفه‌ای در این حوزه به واسطه شهرداری و نیز تیمی که روی وسایل بازی مناسب کودکان دارای معلولیت کار می‌کنند به این پروژه پیوسته‌اند. مکانی هم که متعلق به کلیساست برای این منظور در نظر گرفته شده که مراحل قانونی خود را می‌گذرانند. منتظریم که همه مسائل تدارکاتی و اجرایی حل شوند تا گام عملی ساخت این مکان بازی شروع شود.

ایده‌ی دیگری که دارم این است که این امکان بازی مناسب والدینی هم باشد که دارای معلولیت هستند و آنها بتوانند با وسایل یاری دهنده مواظب فرزندان خود حین بازی باشند.

خبر خوب دیگر هم اینکه تصمیم گرفته شده وقتی امکان بازی موجود در این شهرداری به مرحله تعمیرات و بهسازی برسند وسایل بازی مناسب برای کودکان دارای معلولیت هم به آنها اضافه شود. بله، پروژه پیش می‌رود.

● کتاب‌های شما را از کجا می‌توان تهیه کرد؟

در وبسایت «مومو و دوستان» و همچنین از طریق وبسایت آمازون.

لذت برد ولی وسایل بازی طوریت که نمی‌تواند چندان از آنها استفاده کند. بسیار عجیب است که در این دوره و زمانه وسایل بازی در پارک‌های بریتانیا برای کودکان دارای معلولیت طراحی نشده‌اند. بنابراین «امانی» نمی‌تواند در کنار کودکان دیگر بازی کند و لذت برد. خوب یادم است یکبار دخترم را به پارک برده بودم؛ خانواده‌ای با سه فرزند که یکی از آنها پسر هفت هشت ساله روی صندلی چرخدار بود نیز در پارک بودند. دو فرزند سالم بازی می‌کردند و از حضورشان در پارک نهایت لذت را می‌بردند. من نهایت غم و دلشکستگی را در چهره پسر روی صندلی چرخدار می‌دیدم که در آرزوی پیوستن به برادر و خواهرش است. این تجربه باعث شد تا به فکر محل و وسایل بازی برای کودکان دارای معلولیت بیفتم.

من پژوهش‌های خودم را شروع کردم تا ببینم که در این زمینه در بریتانیا و در کشورهای دیگر چه اقداماتی شده است. کسب اطلاع کردم که در چند مکان خارج از لندن امکان بازی برای کودکان دارای معلولیت هست که تفکیک و جداسازی شده‌اند. ولی ایده‌ی من این بود که محل بازی مجهز به وسایل بازی برای همه کودکان باشد و نه اینکه کودکان دارای معلولیت از بقیه کودکان جدا باشند!

رفتارشان نشانه‌هایی از این بیماری را به والدین می‌دهند.

● اما به نظر می‌رسد عنوان کتاب «بیشتر از نژاد» پیامی فراتر از ناتوانمندی افراد دارد...

بله، نکته مهم دیگر آن است که این داستان‌ها دارای نگاهی در برگیرنده و فراگیر هستند یعنی شامل شخصیت‌هایی از نژادها و ادیان، زبان‌ها و عقاید مختلف هستند. من سعی می‌کنم که شخصیت‌هایی از این رنگین‌کمان تنوع را در داستان‌ها بیاورم تا هر بخشی از جامعه حضوری در آنها داشته باشد.

دیگر آنکه وارد جزئیات نوع معلولیتی که کاراکترها در داستان‌ها دارند نمی‌شوم. هدف آنست که کودکان با کنجکاوی خود این اطلاعات را از والدین‌شان بگیرند. تجربه‌ای داشتیم که والدین و بچه‌ها با هم همین داستان را خواندند. بازخورد و نظر مثبت و جالبی که در مورد این تجربه داشتم این بود که پس از پایان داستان‌خوانی، بچه‌ها در مورد نوع معلولیتی که در داستان به آن اشاره می‌شود پرسش‌های زیادی از والدین‌شان کردند. جالب اینکه بیشتر والدین اطلاعات لازم را نداشتند. خود همین باعث می‌شود که والدین به اتفاق فرزندان‌شان دنبال تحقیق و کسب

«زمین سوخته»؛ راهبرد ارتش سایبری جمهوری اسلامی علیه مخالفان حکومت؛ از روایت‌سازی و هک تا تمسخر!



تظاهرات ایرانیان در پاریس علیه جمهوری اسلامی / ۱۳ نوامبر ۲۰۲۲

حملات سایبری جمهوری اسلامی علیه دولت‌های خارجی از جمله مؤسسات و تأسیسات مختلف در اسرائیل، آلبانی، اوکراین و چند کشور اروپایی و حتی آمریکا گزارش شد. بخشی از عملیات سایبری حکومت شامل اقداماتی بود که هدف آنها مخالفان نظام در داخل و خارج از ایران بود. از هک تلفن همراه و سیستم‌های کامپیوتری و ایمیل و حساب‌های فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران تا انتشار وسیع اخبار و گزارش‌های جعلی و به راه انداختن کارزارهای شبکه‌ای و روایت‌سازی‌های دروغ یا مختل کردن فعالیت شبکه‌های تلویزیونی و وبسایت‌های مرتبط به اپوزیسیون طیف گسترده‌ای از این اقدامات است که همچنان تداوم دارد. وبسایت «wired» در گزارشی با عنوان «تاکتیک زمین سوخته توسط ارتش سایبری جمهوری اسلامی» با اشاره به انتشار خبر جعلی ترور قاضی ابوالقاسم صلواتی در شبکه‌های اجتماعی و شادی مردم از کشته شدن یک قاضی بدنام که حکم مجازات صدها زندانی سیاسی را صادر کرده و سپس تکذیب خبر توسط حکومت، آن را عملیات فریب برای منحرف کردن حواس مردم خواند و تأکید کرد، در همان شب که این خبر جعلی منتشر شد دو نفر از معترضان بازداشتی اعدام شدند.

در این گزارش همچنین آمده است، رژیم ایران در داخل کشور با قطع اینترنت و فیلترینگ شدید اقدام به سرکوب‌های فیزیکی و دستگیری‌های گسترده می‌کند تا با این روش اعتراضات را مهار کند. با این حال، جمهوری اسلامی فراتر از مرزهای فیزیکی و مجازی خود آسیب‌پذیر است زیرا رژیم در تلاش برای مهار گفتمان و ساکت کردن مخالفان ناتوان مانده است. ارتش سایبری جمهوری اسلامی

رضا پهلوی و تمرکز رسانه‌های غربی روی مصاحبه با وی در ماه‌های اخیر، این گروه هکری اقدام به انتشار تصاویر خانوادگی از او کرد که کنار خانواده‌اش در یک ساحل استراحت می‌کرده یا در مهمانی بوده است.

● امین ثابتی کارشناس امنیت سایبری: «ممکن است رژیم جنگ روایت‌سازی را باخته باشد، اما هنوز موفقیت‌هایی دارد، مانند منحرف کردن حواس‌ها با خبر ترور صلواتی... من فکر می‌کنم این کار احتمالاً برای آزمایش افکار عمومی بود تا ببینند چطور می‌توانند روایت‌ها را در مورد اعدام‌های بعدی تغییر دهند چرا که همه می‌دانند این پایان داستان نیست.»

یحیی رحیم صفوی مشاور عالی علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اواخر بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱ در کارگاه «مهارت‌افزایی نهضت خاطره‌گویی» که در «دانشگاه فرماندهی و ستاد» (دافوس) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزار شد با اشاره به اینکه «اینترنت دست دشمن است» اعتراف کرد «در جنگ رسانه‌ای و فضای مجازی نه تنها عقب هستیم، بلکه مثل عملیات‌های بدر و خیبر در دوران جنگ شکست خوردیم.»

وی با بیان اینکه جبهه متحدی به رهبری آمریکا با همراهی ناتو، اسرائیل، برخی کشورهای عربی و برخی ایرانیان خارج کشور علیه ایران با هدف براندازی نظام شکل گرفته است، نسبت به فعالیت مخالفان نظام در شبکه‌های اجتماعی هشدار داد و تلویحاً اشاره کرد که چون حکومت راهی برای مقابله با آن ندارد «مجبوریم اینترنت را محدود کنیم که دشمن در جنگ ترکیبی موفق نباشد.» در همین مقطع زمانی اما گزارش‌های متعددی از افزایش

● وبسایت «wired» در گزارشی با عنوان «تاکتیک زمین سوخته توسط ارتش سایبری جمهوری اسلامی» با اشاره به انتشار خبر جعلی ترور قاضی ابوالقاسم صلواتی می‌نویسد با تداوم اعتراضات در ایران، علاوه بر اینکه تاکتیک‌های سایبری قدیمی حکومت افزایش یافته، ترفندهای جدیدی که هدفشان منحرف کردن افکار عمومی و بی‌اعتبار کردن افراد و تحریف رویدادها و دامن زدن به بی‌اعتمادی است نیز به کار گرفته شده است.

● «ارتش سایبری جمهوری اسلامی ایران همزمان با تداوم اعتراضات، برای مبارزه و خنثی کردن اطلاع‌رسانی‌های مخالفان در غرب و در میان فعالان داخلی آنلاین مجهز به VPN، تاکتیک‌های چندوجهی، فریبنده و گاه ناشیانه به کار می‌گیرد. این کمپین شامل تولید محتوای دروغ و پمپاژ اطلاعات غلط در شبکه‌های اجتماعی یا هدف دامن زدن به تفرقه و درگیر کردن جریان‌های مخالف حکومت با یکدیگر است.»

● سیمین کارگر یکی از همکاران فعال در واحد تحقیقات دیجیتال «شورای آتلانتیک»: «چشم‌انداز عملیات پمپاژ اطلاعات غلط توسط جمهوری اسلامی که روایت را به نفع رژیم تغییر می‌دهد بسیار اندک است. با این حال، فعالیت سایبری حکومت بر ایجاد شک و تردید مؤثر بوده بطوری که در برخی موارد می‌توان مطمئن بود چه چیزی درست و چه کسی قابل اعتماد است.»

● حسین کرمانی محقق ارتباطات سیاسی در دانشگاه وین: تمسخر مخالفان و فعالان سیاسی بخشی از تاکتیک‌های جمهوری اسلامی است.
● در نمونه‌های دیگر همزمان با افزایش محبوبیت و اعتبار

کنید همه نگاه‌ها و ذهن‌ها را در مورد یکدیگر خراب کنید. به عبارت دیگر، اینطور عمل می‌کند که اگر نمی‌توانید برنده

مخالفان نیز یکی از اجزای اساسی فعالیت سایبری حکومت است. بخشی از این اقدامات شامل هک کردن چهره‌های

همزمان با تداوم اعتراضات، برای مبارزه و خنثی کردن اطلاع‌رسانی‌های مخالفان در غرب و در میان فعالان داخلی آنلاین مجهز به VPN، تاکتیک‌های چندوجهی، فریبنده و گاه ناشیانه به کار می‌گیرد.

از بین رفتن اعتراضات در ایران باعث شده حکومت کمپین گسترده‌ای برای تولید محتوای دروغ و اطلاعات غلط در شبکه‌های اجتماعی به راه اندازد. به سختی می‌توان فعالیت اکانت‌های ناشناس را با قطعیت به رژیم ایران نسبت داد، زیرا بسیاری از ایرانیان عادی نیز به دلایل امنیتی بطور ناشناس در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند. با این حال، گاهی شلختگی و بی‌دقتی از جمله عدم حذف تویت‌های قدیمی یا ارسال تصادفی پیام‌های طرفدار رژیم در حساب‌هایی با پوشش مخالفان، وابستگی احتمالی آنها را به نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی آشکار می‌کند.

سیمین کارگر یکی از همکاران فعال در واحد تحقیقات دیجیتال «شورای آتلانتیک» می‌گوید، محیطی پرآشوب در جریان اعتراضات در داخل ایران برای انتشار اطلاعات نادرست و آلودگی اطلاعاتی ایجاد شده و تأیید هر ادعا را حتا برای محققان بسیار سخت کرده است.

به گفته سیمین کارگر، چشم‌انداز عملیات پمپاژ اطلاعات غلط توسط جمهوری اسلامی که روایت را به نفع رژیم تغییر می‌دهد بسیار اندک است. با این حال، فعالیت سایبری حکومت بر ایجاد شک و تردید مؤثر بوده بطوری که در برخی موارد نمی‌توان مطمئن بود چه چیزی درست و چه کسی قابل اعتماد است.

او می‌گوید: «عملیات اطلاعاتی حکومت از نظر وسعت و نوع توجهی که به آن جلب می‌شود، موفقیت‌آمیز نبوده است. اما اگر تنها دستاورد آنها در این شرایط این باشد که همه را به آنچه گفته می‌شود، حتا از سوی افراد معتبر، دچار تردید کنند، این یک دستاورد بزرگ برای آنها محسوب می‌شود. این بیشتر در مورد ایجاد فضای ترس و ارباب دیده می‌شود تا اینکه مردم واقعاً آنها را باور کنند چرا که پس از ۴۴ سال دیگر هیچکس حرف حکومت را باور نمی‌کند.» هرچند تاکتیک‌های سایبری و عملیات روانی حکومت در شبکه‌های اجتماعی گروه‌هایی از مردم را درگیر می‌کند اما در مجموع سبب شده بی‌اعتمادی نسبت به حکومت بیش از پیش تشدید شود.

اخیراً حسین کرمانی محقق ارتباطات سیاسی در دانشگاه وین در یک پروژه تحقیقی به تشریح تاکتیک‌های مختلف ارتش سایبری جمهوری اسلامی برای بهم ریختن فضای اینترنت پرداخته است. او می‌گوید: «تقلیل دادن سطح انتقادات ضدحکومتی به قصور و ناتوانی دولت یا توجیه سیاست‌های حکومت و عادی جلوه دادن شرایط و انتشار اخبار دروغ و ایجاد هشتک‌های انحرافی برای جلوگیری از ترند شدن بعضی هشتک‌ها و انتشار اخبار دروغ و تمسخر مخالفان و فعالان سیاسی بخشی از تاکتیک‌های جمهوری اسلامی است.»

در بخش دیگری از این گزارش به تاکتیک‌های دیگر جمهوری اسلامی در مورد دروغ‌پردازی و روایت‌های غلط اشاره شده است؛ از جمله ربط دادن قتل مهسا امینی به عوامل موساد یا ادعای اینکه سپیده قلیان فعال سیاسی مبتلا به «بیمار روانی و هیستریک» است و یا طرح این ادعا که فعالان سیاسی مردم را تشویق به اقدامات خشونت‌بار می‌کنند بخشی از پروژه‌های حکومت است. وقتی مردم در شبکه‌های اجتماعی هشتک #اقدام‌نکنید را ترند کردند ارتش سایبری جمهوری اسلامی هشتک «#اقدام‌کنید» را به راه انداخت.

فراز از دامن زدن به سردرگمی، بی‌اعتبار کردن و تضعیف



پاداش ده میلیون دلاری برای اطلاعات درباره سه عامل سایبری و تحریم ۱۰ فرد و ۲ شرکت وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

شوید کاری کنید که بقیه ببازند.»

به گفته امین ثابتی کارشناس امنیت سایبری، بنیانگذار CERTFA (امنیت و حفظ حریم خصوصی در فضای مجازی)، مأموران سایبری جمهوری اسلامی در ماه‌های گذشته نوع عملیات خود را تغییر داده‌اند و آنها نیز نسبت به تهدیدات علیه [لو رفتن] خود آگاه شده و یاد گرفته‌اند از خود محافظت کنند. برای نمونه جهت هک کردن بجای تله‌گذاری و «فیشینگ» بطور مستقیم، از استراتژی «تأثیر دومینو» استفاده می‌کنند؛ به این شکل که اکانت‌های عادی و با مخاطبان کم را هدف قرار می‌دهند و پس از جلب اعتماد آنها در شبکه‌ای از حساب‌ها که این اکانت‌های عادی دنبال می‌کنند، به افراد شناخته شده نقب می‌زنند. برای نمونه چندی پیش نازنین افشین جم شهروند ایرانی-کانادایی و فعال حقوق بشر اعلام کرد که یک لینک «فیشینگ» از یک همکار مورد اعتماد خود که هک شده بود، دریافت کرده است.

امین ثابتی می‌گوید: «در حال حاضر با توجه به این انقلاب، سایبری‌های جمهوری اسلامی همه کسانی را که ممکن است در این زمینه فعال باشند دنبال می‌کنند به ویژه افرادی که در نهادهای مدنی فعالیت می‌کنند.»

این کارشناس امنیت سایبری همچنین معتقد است «ممکن است رژیم جنگ روایت‌سازی را باخته باشد، اما هنوز موفقیت‌هایی دارد، مانند منحرف کردن حواس‌ها با خبر ترور صلواتی... من فکر می‌کنم این کار احتمالاً برای آزمایش افکار عمومی بود تا ببینند چطور می‌توانند روایت‌ها را در مورد اعدام‌های بعدی تغییر دهند چرا که همه می‌دانند این پایان داستان نیست.»

مخالف رژیم بطور مستقیم و یا از طریق حساب‌های پوششی یا قرار دادن جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی در مقابل یکدیگر انجام می‌شود.

سیمین کارگر از شورای آتلانتیک، معتقد است که واکنش سایبری حکومت به جنبش اخیر، نشانگر رویکردی هوشمندانه‌تر و محتاطانه‌تر است. او توضیح می‌دهد که چگونه گروه‌های سایبری وابسته به رژیم، تا آنجا که ممکن است، اطلاعات خود را از طریق هک به دست می‌آورند و گاهی سال‌ها مطالب و محتوا را نگه می‌دارند، تا زمانی که انتشار آن حداکثر اثرگذاری را داشته باشد. او می‌گوید این تلاش‌ها بخشی از یک تلاش گسترده‌تر برای ایجاد این تصور است که هیچکس قابل اعتماد نیست.

به عنوان مثال، در اواخر سال ۲۰۲۲ وقتی نازنین بنیادی هنرمند سرشناس ایرانی، همکاری علنی با شاهزاده رضا پهلوی، یکی از چهره‌های محبوب اپوزیسیون را آغاز کرد گروه هکری «عدل علی» وابسته به سپاه پاسداران در اوج تلاش‌ها برای ایجاد همبستگی در اپوزیسیون ایمیل‌های قدیمی بنیادی را در انتقاد از پهلوی منتشر کرد تا مشروطه‌خواهان طرفدار پهلوی علیه وی موضع‌گیری کنند و با این روش به تفرقه در میان مخالفان دامن بزنند.

در نمونه‌های دیگر همزمان با افزایش محبوبیت و اعتبار رضا پهلوی و تمرکز رسانه‌های غربی روی مصاحبه با وی در ماه‌های اخیر، این گروه هکری اقدام به انتشار تصاویر خانوادگی از او کرد که کنار خانواده‌اش در یک ساحل استراحت می‌کرده یا در مهمانی بوده است.

سیمین کارگر می‌گوید: «اساساً حکومت این راهبرد را دارد که اگر نمی‌توانید قلب‌ها و ذهن‌ها را به دست آورید، سعی

کاهش قدرت خرید علت تغییر «الگوی سفر» خانوارهای ایرانی



خانوارها هزینه کمتری در سفر (از جمله اقامت، تامین غذا، حمل و نقل و تور مسافرتی) انجام دهند.

بررسی آمار تعداد سفرها در سطح ملی، نشان دهنده رشد تعداد سفرها است و از سوی دیگر، تعداد نفر-شب-اقامت نیز روند صعودی داشته است. در نتیجه نه از تعداد سفرها کاهش یافته و نه ماندگاری گردشگر در مقاصد سفر کاهش یافته است. می‌توان گفت که الگوی هزینه‌کرد خانوارها در سفرها تغییر کرده است؛ بطوری که با گذشت زمان، گردشگران هزینه نسبی کمتری برای اقامت، رستوران، تور و تفریح و سرگرمی انجام داده‌اند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همچنین تأکید کرده که «اگر هزینه‌های خرید، تعمیر و نگهداری خودروی شخصی و هزینه خواب سرمایه که در مالکیت خودرو نهفته است را جزو هزینه‌های سفر محاسبه نکنیم، هزینه سفر با خودروی شخصی، در مجموع کم‌تر از هزینه سفر با سایر وسایل نقلیه از قبیل اتوبوس، قطار و هواپیما خواهد بود. اغلب خانوارهایی که مسافرت گروهی و خانوادگی دارند، از خودروی شخصی برای مسافرت استفاده می‌کنند که هزینه‌های حمل و نقل به ازای هر نفر برای آن‌ها سرشکن شده و سرانه هزینه کاهش خواهد یافت.»

آنچه در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نادیده گرفته شده اینست که نبود زیرساخت‌های مناسب و استاندارد جاده‌ای و کیفیت پایین اتومبیل‌های مونتاژی ساخت ایران، و به دلیل آنکه خانوارها برای کاهش هزینه ناچار به سفر با اتومبیل شخصی هستند طی سال‌های گذشته شمار تصادفات جاده‌ای منجر به مرگ و معلولیت و جراحت در ایران با افزایش چشمگیری روبرو بوده است. ایوب شرافتی جانشین رئیس پلیس راه آبان ۱۳۹۹ اعلام کرده بود بیش از ۳۰۰۰ نقطه «حادثه‌خیز» در جاده‌های کشور وجود دارد که تنها ۶۰ مورد از آنها «ایمن‌سازی» شده‌اند.

بر اساس آخرین آمار تصادفات نوروزی امسال که روز گذشته منتشر شده، از ۲۴ اسفند که آغاز تعطیلات و سفرهای نوروزی بوده تا روز سه‌شنبه هشتم فروردین ۵۸۹ نفر بر اثر تصادفات جاده‌ای جانباخته‌اند.

حسن مومنی رئیس پلیس راه راهور فراجا با اعلام این آمار افزوده که همچنین در این مدت بیش از ۱۲ هزار و

برای اقامت، تامین غذا، حمل و نقل و تور مسافرتی، هزینه کمتری متحمل شوند.

تغییر الگوی سفر خانوارهای ایرانی در سال‌های گذشته کاملاً برجسته بوده است. به ویژه در سفرهای نوروزی که در یک محدوده دو الی سه هفته‌ای میلیون‌ها سفر به شهرها و مناطق توریستی انجام می‌شود، ازدحام جمعیت ساکن در بلوارها، پارک‌ها و سواحل و در چادرهای مسافرتی به جای هتل و اقامتگاه‌های رسمی و ویلاها مشخص بود. فروردین گذشته «کیهان لندن» در گزارشی با عنوان «مسافرت‌های نوروزی؛ آینه رنج مردم و ناکارآمدی جمهوری اسلامی» به تغییر الگوی سفر ایرانیان و تلاش آنها برای سفر با هزینه ناچیز پرداخته بود.

در این گزارش آمده بود نوروز ۱۴۰۱ پس از دو سال محدودیت‌های کرونایی با افزایش مسافرت‌های داخلی و جایجایی بیش از نیمی از جمعیت ایران در کشور همراه بود. این در حالیست که آمار هولناک تصادفات جاده‌ای، مسمومیت ناشی از گازگرفتنی در چادرهای مسافرتی و نبود زیرساخت‌های رفاهی-توریستی سبب شد بار دیگر رنج مردم ایران در زمامداری جمهوری اسلامی بیش از پیش نمایان شود.

«کیهان لندن» با اشاره به اسکان مردم در چادر و اتومبیل در طول سفر به دلیل نداشتن توان مالی پرداخت هزینه هتل و متل و اقامتگاه‌ها، نوشته بود که «این شیوه سفر با موج سرما که در بسیاری نقاط ایران همزمان با نخستین روزهای نوروز به راه افتاد سبب شد مردمی که در چادر اسکان داشتند از وسایل گرمایا استفاده کرده و به این ترتیب شمار زیادی از مسافران مسموم و راهی بیمارستان شوند.» گزارش‌ها نشان می‌داد طی هفته نخست تعطیلات نوروزی سال گذشته ۶۳۵ مسافر در شهرهای مختلف به دلیل مسمومیت با گاز وسایل گرمایا در چادر راهی بیمارستان شدند و بیش از ۲۰ نفر جان خود را از دست دادند!

اکنون گزارش منتشر شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی توضیح داده که کاهش در هزینه‌کرد گردشگری در خانوار، به معنی کاهش تعداد سفرها نیست؛ بلکه می‌تواند ناشی از تغییر در الگوی سفر خانوار باشد. بطوری که الگوی سفر می‌تواند به گونه‌ای تغییر یابد که

● قدرت خرید خانوارها در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود یک سوم کاهش داشته است و این کاهش قدرت خرید، برای خانوارهای با سطح درآمد پایین از شدت بیشتری برخوردار بوده است.

● الگوی سفر می‌تواند به گونه‌ای تغییر یابد که خانوارها هزینه کمتری در سفر (از جمله اقامت، تامین غذا، حمل و نقل و تور مسافرتی) متحمل شوند.

● خانوارهای کم‌درآمد ناچارند از هزینه‌هایی مانند سفر، ورزش، تفریح، فرهنگ بزنند تا بتوانند هزینه‌های حیاتی مانند خوراک و اجاره‌بها را پرداخت کنند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده که کاهش قدرت خرید مردم باعث تغییر الگوی سفر خانوار شده است. افزایش قابل توجه سطح عمومی قیمت‌ها در مقایسه با سطح درآمد سبب شده خانوارها هزینه اقامت، رستوران، تور، تفریح و سرگرمی را به شکل قابل توجهی کاهش داده‌اند.

گزارش منتشر شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی حاصل نتایج یک مطالعه در دوره زمان ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ درباره سفر خانوارهای ایرانی است. بر اساس این گزارش قدرت خرید خانوارها در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود یک سوم کاهش داشته است و این کاهش قدرت خرید، برای خانوارهای با سطح درآمد پایین از شدت بیشتری برخوردار بوده است.

بطور همزمان در این دوره زمانی همزمان با کاهش قدرت خرید خانوارها، نابرابری درآمدی نیز روندی افزایشی را نشان می‌دهد و این بدان معنی است که کاهش قدرت خرید برای بخش قابل توجهی از خانوارها (خانوارهای کم‌درآمد)، حتی بیش از آن میزانی است که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس ارائه شده است.

یکی از آثار کاهش قدرت خرید خانوار، تغییر در ترکیب سبد خرید است و بخش گردشگری نیز از جمله بخش‌هایی محسوب می‌شود که از این تغییر بیشترین تأثیر را می‌پذیرد. بر همین اساس دکتر جواد براتی استادیار گروه اقتصاد گردشگری جهاد دانشگاهی خراسان رضوی در یک مطالعه با استفاده از داده‌های ۳۱ استان در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸، تغییر رفتار خانوار را در انجام هزینه‌های گردشگری، مورد بررسی قرار داده است.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به صورت تفکیکی به مواردی چون «افزایش قیمت‌ها و تغییر الگوی سفر»، «نابرابری درآمدی و افزایش سهم هزینه‌های گردشگری»، «نقش خودروی شخصی در هزینه‌های گردشگری»، «میزان هزینه‌کرد حقوق‌بگیران برای سفر»، «استان‌های با بیشترین تأثیرپذیری از تغییر قدرت خرید» و «کاهش قدرت خرید و افزایش سفرهای کم‌هزینه» پرداخته است.

در این گزارش تأکید شده که افزایش قابل توجه سطح عمومی قیمت‌ها در مقایسه با سطح درآمد خانوار (کاهش قدرت خرید و افزایش هزینه‌های مرتبط با سفر)، اگرچه باعث کاهش هزینه‌های گردشگری از کل هزینه‌های خانوار خواهد شد؛ اما به معنی کاهش تعداد سفرها و یا کاهش نفر-شب-اقامت نیست. بلکه تأثیر خود را بر نوع سفر و تغییر الگوی سفر خانوار می‌گذارد. الگوی سفر می‌تواند به گونه‌ای تغییر کند که خانوارها در سفر کمتر هزینه کنند و

سبزه به در جشن طبیعت خجسته باد

طبیعت میزبان ماست حرمت آن را نگاه داریم...

از هر آنچه می تواند به این میزبان زیبا و مهربان آسیب برساند، خودداری کنیم و دیگران را نسبت به اهمیت همزیستی با طبیعت آگاه کنیم.



هر زباله ای را که تولید کرده جمع آوری نموده و با خود ببریم



با رانندگی های دیوانه وار و سرسام آور سبب آزار گیاهان و جانوران نشویم



با آفرودختن بی رویه ی آتش و بی مبالاتی و سهل انگاری به آنها آسیب نرسانیم



آب های جاری و غیر جاری را آلوده نکنیم و زباله های خود را در آنها خالی



در صورت داشتن ماهی سرخ هفت سین، آنها را در حوض های بسته رها کنیم



سبب آلودگی های مختلف از جمله صوتی و پخش زباله نشویم



سبزه های هفت سین خود را بی رویه به آب نسپریم و از آنها سدی از زباله در برابر جریان آب درست نکنیم



ظروف پلاستیکی و کیسه های نایلون را در دامان طبیعت که در حال تولد دوباره است رها نکنیم

اگر جایی آتشی دیدیم خاموش کنیم، دعوایی دیدیم به صلح و دوستی و آرامش دعوت کنیم با طبیعت مهربان باشیم زیرا خوب که بنگریم، طبیعت به ما هیچ نیازی ندارد بلکه این ما هستیم که برای زندگی و بقای نوع بشر به آن نیازمندیم

➔ ۶۰۰ نفر هم مجروح شدند که بطور معمول از این مجروحان حدود ۱۵ درصد معلول و قطع عضو شده و این آمار بسیار نگران کننده است.

آمار تصادفات جاده ای در سال گذشته نیز قابل توجه بود بطوریکه از ۲۵ اسفند ۱۴۰۰ تا ۸ فروردین ۱۴۰۱، ۵۲۰ نفر در تصادفات جاده ای جان خود را از دست دادند. آمار جانباختگان تصادفات نوروزی تا پایان تعطیلات به بیش از ۷۰۰ نفر رسیده بود.

آمار تصادفات جاده ای در ایران که در تعطیلات نوروز به اوج می رسد، در سال های گذشته نتوانسته سبب اقدام موثری از سوی مقامات جمهوری اسلامی شود. اسماعیل حسین زهی نایب رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی تأکید کرده «اگر خسارتی را که سالانه بیمه ها بابت تصادفات جاده ای پرداخت می کنند، بسنجیم بعضا بیشتر از آنچیز است که ما در طول چند سال برای ساخت جاده ها و راه های مواصلاتی سرمایه گذاری می کنیم.»

اینهمه در حالیست که گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی نشان می دهد در نهایت اقبال کم درآمد و تنگدست در مورد تغییر الگوی سفر خانوار ایرانی نیز قربانیان اصلی هستند. خانوارهای کم درآمد به دلیل افزایش تورم و سطح عمومی قیمت ها ناچار هستند سبد مصرفی خود را کوچک کنند.

تورم مواد غذایی و اجاره خانه به عنوان دو هزینه اصلی خانوارهای کم درآمد طی سال های گذشته از تورم عمومی اقتصاد بالاتر بوده است. برای نمونه تورم مواد غذایی در بهمن گذشته در کانال ۷۰ درصد بود اما تورم عمومی اقتصاد حدود ۵۰ درصد. در چنین شرایطی خانوارهای کم درآمد ناچارند از هزینه هایی مانند سفر، ورزش، تفریح، فرهنگ بزنند تا بتوانند هزینه های حیاتی مانند خوراک و اجاره بها را پرداخت کنند.



سبزه به در

جشن همزیستی طبیعت انسان

و خجسته باد

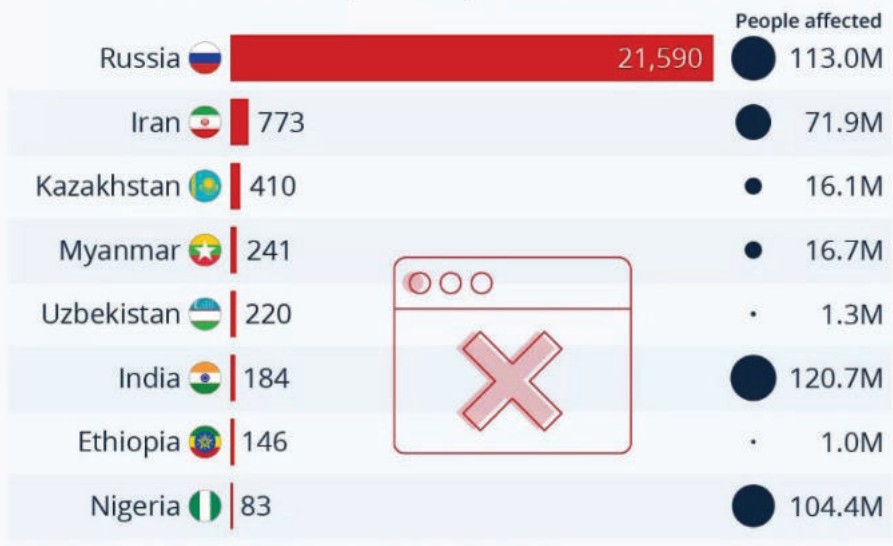




۷۷۳ میلیون دلار خسارت ناشی از قطع اینترنت در ایران طی یک سال!

The Cost of Blocking the Internet

Total economic cost of major internet blocks and shutdowns in 2022, by country (in million U.S. dollars)



میلیون دلاری در رتبه سوم تا پنجم قرار گرفته‌اند. این شرکت همچنین کشورهایی را که حداقل یک قطع و اختلال بزرگ اینترنت به دلایل مختلف از جمله زلزله یا ممنوعیت‌های حکومتی در سال ۲۰۲۳ داشته‌اند نیز فهرست کرده است که ایران در همین سه ماهه نخست ۲۰۲۳ که هنوز به پایان نرسیده، با خسارت ۱/۴ میلیون دلاری در رتبه ششم بین ۸ کشور قرار دارد.

پیش از این نیز «نت بلاکس» که قطع و اختلال در اینترنت را رصد می‌کند خسارت ناشی از قطع اینترنت در ایران ظرف شش روز در اواخر آبان و همزمان با یکی از اوج‌های اعتراضات خیابانی را بیش از ۳۶۷ میلیون دلار برآورد کرده بود. عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی روز جمعه ۲۶ اسفند در واکنش به سوال خبرنگاری «شفقتا» پیرامون گزارش یادشده مدعی شده است «تا کنون ده‌ها ارزیابی از سوی منابع خارجی صورت گرفته که قابل استناد نیستند».

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی درباره آمار دقیقی خسارات حاصل از محدودیت‌های اینترنتی نیز گفته است در این مورد ارزیابی صورت نگرفت تا بتوانیم آمار دقیقی در این خصوص اعلام کنیم.

این در حالیست که فعالان و کارشناسان کسب‌وکارهای اینترنتی گزارش‌ها و آمارهایی از خسارت‌های ناشی از قطع اینترنت را طی ماه‌های گذشته مطرح کرده‌اند. حتی فاطمه حسینی رئیس فراکسیون فناوری و نوآوری مجلس شورای اسلامی ۱۹ آذرماه امسال گفته بود با قطع دسترسی به شبکه جهانی اینترنت که همزمان با سرکوب اعتراضات اخیر در ایران رخ داد روزانه ۲۵۰۰ میلیارد تومان به کسب‌وکارهای حوزه فناوری خسارت وارد شده است.

بهمن‌ماه امسال هم «پایگاه داده‌های باز ایران» در گزارشی تحقیقی اعلام کرد که مجموع خسارات وارده بر اقتصاد ایران به دلیل اختلال در اینترنت تا پایان دی‌ماه بالغ بر

شرکت «Top10Vpn» که در زمینه آزمایش و بررسی خدمات VPN فعالیت دارد گزارشی از خسارت‌های ناشی از محدود ساختن اینترنت در کشورهای مختلف منتشر کرده است. بر اساس این گزارش در سال ۲۰۲۲ ایران در کنار روسیه و قزاقستان بیشترین خسارت‌های اقتصادی ناشی از محدودیت‌های اینترنتی توسط دولت‌های مستقر را متحمل شده‌اند.

بر اساس رده‌بندی شرکت «Top10Vpn» محدودیت‌های اینترنتی در روسیه همزمان با آغاز حمله ولادیمیر پوتین به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، خسارتی بالغ بر ۲۲ میلیارد دلار را برای اقتصاد این کشور در پی داشته است. پس از ایران که با خسارت ۷۷۳ میلیون دلاری در رتبه دوم قرار دارد، کشورهای قزاقستان با خسارت ۴۱۰ میلیون دلاری، میانمار با خسارت ۲۴۱ میلیون دلاری و ازبکستان با خسارت ۲۲۰ میلیون دلاری در رتبه سوم تا پنجم قرار گرفته‌اند.

گزارش تازه‌ای از خسارت‌های ناشی از قطع اینترنت در کشورهای مختلف نشان می‌دهد ایران پس از روسیه در رتبه دوم بیشترین خسارت ناشی از قطع اینترنت به دست حکومت قرار گرفته است. رقم این خسارت در سال ۲۰۲۲ برای ایران ۷۷۳ میلیون دلار برآورد شده است.

شرکت «Top10Vpn» که در زمینه آزمایش و بررسی خدمات VPN فعالیت دارد گزارشی از خسارت‌های ناشی از محدود ساختن اینترنت در کشورهای مختلف منتشر کرده است. بر اساس این گزارش در سال ۲۰۲۲ ایران در کنار روسیه و قزاقستان بیشترین خسارت‌های اقتصادی ناشی از محدودیت‌های اینترنتی توسط دولت‌های مستقر را متحمل شده‌اند.

در این گزارش ایران در رتبه دوم رده‌بندی کشورهایی با بیشترین خسارت اقتصادی ناشی از محدود ساختن حکومتی اینترنت قرار دارد. رقم خسارت ناشی از فیلترینگ و قطع اینترنت در ایران ۷۷۳ میلیون دلار برآورد شده و تأکید شده است که محدود ساختن اینترنت زندگی ۷۲ میلیون کاربر ساکن ایران را به اشکال مختلف متأثر کرده است.



شبکه‌های تأمین تجهیزات پهپادی و موشکی جمهوری اسلامی پشت هم لو می‌روند



بازدید فرماندهان ارشد نظامی جمهوری اسلامی از
یک پایگاه پهپادی

-شرکت سلین تکنیک واقع در کیش
بررسی‌ها نشان می‌دهد شرکت «سلین تکنیک کیش» در
بندر لنگه مستقر است.

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در واکنش به این
تحریم‌ها گفت: «تکثیر تسلیحات توسط ایران خاورمیانه
را بی‌ثبات می‌کند». وی تأکید کرد آمریکا متعهد است به
همراه شرکای خود تکثیر پهپادهای جمهوری اسلامی را
مختل نماید.

با وجود تحریم‌های غرب اما جمهوری اسلامی بخشی از
قطعات مورد نیاز ساخت پهپاد را از خود اروپا تأمین می‌کند.
روزنامه اتریشی «استاندارد» آبان ۱۳۹۹ گزارش داده بود
موتور پهپادهای «شاهد» که سپاه سازنده آن است ساخت
شرکت اتریشی «روتاکس» (Rotax) است.

نیروهای مسلح و نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی
مستقیم و غیرمستقیم از طریق دلال‌ها و شرکت‌های به
ظاهر خصوصی در ترکیه اقدام به تأمین تجهیزات نظامی
از شرکت‌های اروپایی و آمریکایی می‌کنند. این شبکه نه
فقط در مورد تهیه تجهیزات نظامی همکاری می‌کرده بلکه
تسهیل‌کننده‌ی مأموریت‌های امنیتی و تروریستی جمهوری
اسلامی نیز بوده است.

اواسط بهمن ۱۴۰۰ سازمان اطلاعات ترکیه (میت) یک
شبکه آدم‌ربایی وابسته به جمهوری اسلامی را بازداشت کرد
که شماری از اعضای آن در نیروهای مسلح و دستگاه قضایی
ترکیه حتا در رده دادستان شاغل بودند. احسان ساغلام مالک
شرکت صنایع دفاعی «بای ساغلام» یکی از آنهاست که
ارتباطات گسترده‌ای در وزارت دفاع و نیروهای مسلح ترکیه
داشت و کار جذب و گزینش نیروها و برنامه‌ریزی بخشی از
عملیات آدم‌ربایی را برای جمهوری اسلامی تسهیل می‌کرد.

بخشی از این شبکه‌ها را رقبای آنها به سرویس‌های
اطلاعاتی غربی لو می‌دهند. با قطعیت نمی‌توان انگیزه‌ی
آنها را مشخص کرد اما آمریکا در موارد متعدد برای لو دادن
شبکه‌های مالی و تسلیحاتی سپاه پاسداران و عوامل آن
جوایز قابل توجه چند میلیون دلاری تعیین کرده است.

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری
آمریکا با هماهنگی دفتر تحقیقات فدرال (FBI) یک شبکه
مرتبط با ساخت پهپاد و برنامه‌های تسلیحاتی جمهوری
اسلامی را تحریم کرد که شامل چهار نهاد و شرکت و سه
فرد در ایران و ترکیه می‌شود.

● این شبکه در تأمین قطعات و تجهیزات از جمله
موتورهای اروپایی برای پهپادها با نیروهای مسلح جمهوری
اسلامی همکاری می‌کرده‌اند.

-قرار گرفت این افراد و شرکت‌ها در فهرست سیاه یعنی
اطلاعات مربوط به روند و ساز و کار ساخت و تأمین
قطعات و همچنین شرکت‌های دخیل در تولید پهپادها و
نیز دلال‌ها در ایران و منطقه لو می‌روند.

● بخشی از این شبکه‌ها را رقبای آنها به سرویس‌های
اطلاعاتی غربی لو می‌دهند. با قطعیت نمی‌توان انگیزه‌ی
آنها را مشخص کرد اما آمریکا در موارد متعدد برای لو دادن
شبکه‌های مالی و تسلیحاتی سپاه پاسداران و عوامل آن
جوایز قابل توجه چند میلیون دلاری تعیین کرده است.

تحریم‌های دولت‌های غربی علیه مقامات و شرکت‌های
وابسته به جمهوری اسلامی مرتبط با ساخت انواع پهپادها
که برای استفاده روسیه در جنگ اوکراین ارسال می‌شود
همچنان ادامه دارد.

قرار گرفت این افراد و شرکت‌ها در فهرست سیاه یعنی
اطلاعات مربوط به روند و ساز و کار ساخت و تأمین
قطعات و همچنین شرکت‌های دخیل در تولید پهپادها و
نیز دلال‌ها در ایران و منطقه لو می‌روند.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا
(OFAC) با هماهنگی دفتر تحقیقات فدرال (FBI) ۲۱
مارس (اول فروردین) یک شبکه مرتبط با ساخت پهپاد و
برنامه‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی را تحریم کرد که
شامل چهار نهاد و شرکت و سه فرد در ایران و ترکیه هستند.
این شبکه در تأمین قطعات و تجهیزات از جمله موتورهای
اروپایی برای پهپادها با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی
همکاری کرده‌اند.

این شبکه‌ی لجستیک و تدارکاتی با وزارت دفاع جمهوری
اسلامی و چند شرکت سازنده موشک و پهپاد مانند شرکت
«هسا» همکاری داشته‌اند.

برایان نلسون معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور
تروریسم و اطلاعات مالی آمریکا می‌گوید «اقدام ایران در
توسعه پهپادها و تسلیحات متعارف برای نیروهای وابسته
به خود که مستندات آن کاملاً موجود است، همچنان به
تضعیف امنیت منطقه‌ای و ثبات جهانی ادامه می‌دهد.
آمریکا به افشای شبکه‌های تدارکات خارجی که از صنایع
نظامی ایران حمایت می‌کنند، ادامه خواهد داد.»

اسامی تحریم‌شدگان به این شرح است:
-امان‌الله پایدار مرتبط با مرکز تحقیقات فناوری و علوم
دفاعی

-اصغر محمودی مرتبط با امان‌الله پایدار
- بوکی مورات متولد از میر ترکیه مرتبط با امان‌الله پایدار
- مرکز تحقیقات فناوری و علوم دفاعی
- شرکت مهندسی صنایع فرازان
- شرکت سهامی تجارت هوانوردی و صنایع دفاعی اوزون

۲۶۲/۵ هزار میلیارد تومان ارزیابی می‌شود.

در این گزارش آمده بود که خسارت‌های اقتصادی بر مبنای
همین ارزیابی یعنی میانگین ماهانه ۷۵ هزار میلیارد تومان
در دو ماه نخست را می‌توان در سه سناریوی مختلف برای
ماه‌های آذر و دی نیز محاسبه کرد. در سناریوی خوش‌بینانه
اگر روند خسارات وارده بر اقتصاد ایران با ضریب ۲۵
درصدی در ماه‌های آذر و دی ادامه پیدا کرده باشد، مجموع
زیان تا پایان دی حدود ۱۸۷/۵ هزار میلیارد تومان برآورد
می‌شود. در سناریوی میانه با فرض تداوم زیان‌ها با ضریب
۵۰ درصدی مجموع خسارات بر اقتصاد ایران تا پایان دی‌ماه
از محل اختلال و اعمال محدودیت بر اینترنت، در حدود
۲۲۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود. در سناریوی سختگیرانه
و با فرض اینکه اختلال‌ها در دو ماه آذر و دی، ۷۵ درصد
خسارات میانگین ۲ ماه نخست را تداوم بخشیده باشد،
مجموع خسارات وارده بر اقتصاد ایران تا پایان دی بالغ بر
۲۶۲/۵ هزار میلیارد تومان می‌شود.

اواخر مهرماه امسال و یک ماه پس از آنکه جمهوری
اسلامی قطع و فیلترینگ اینترنت را به عنوان یکی از
ابزارهای سرکوب جنبش انقلابی در دستور کار قرار داده
بود هم گزارش دیگری از سوی یکی از اعضای اتاق تهران
ارائه شد. فرزین فردیس رئیس کمیسیون اقتصاد نوآوری و
تحول دیجیتال اتاق تهران گفته بود بررسی‌ها نشان می‌دهد
که طی یک ماه گذشته اختلال در شبکه اینترنت کشور و
عدم دسترسی به برخی پلتفرم‌های پربازدید، ۳۵ هزار میلیارد
تومان به طور مستقیم به اقتصاد حوزه فناوری اطلاعات و
ارتباطات خسارت وارد کرده است. در حالی که بنا به آمار
سال گذشته بانک مرکزی، این بخش سهم ۳.۳ درصدی در
تولید ناخالص ملی دارد.

به گفته فرزین فردیس این محدودیت دسترسی بطور
غیرمستقیم به کسب‌وکارهای خارج از صنعت فناوری
اطلاعات و ارتباطات که از خدمات این بخش استفاده
می‌کنند، خسارتی ۴۵ هزار میلیارد تومانی وارد ساخته است.
جمع این دو رقم نشان می‌داد واحدهای صنفی و بنگاه‌های
اقتصادی طی فقط یک ماه، با قطع شدن و محدودیت
اینترنت، ضرر ۸۰ هزار میلیارد تومانی متحمل شده‌اند.

عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران همچنین از ریزش ۵۰ تا
۷۰ درصدی ترانکشن‌های پرداخت‌بارها طی یک ماه اخیر خبر
داد که طی این مدت ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار فروشگاه اینستاگرامی
در کشور که تا یک میلیون نفر به طور مستقیم و تا هشت
میلیون نفر به طور غیرمستقیم از آن‌ها درآمدزایی داشتند و
ارتزاق می‌کردند، بسته شده است.

قطع اینترنت و خسارت ناشی از آن هشدارهایی از سوی
«خودی»‌ها را نیز در پی داشت. روزنامه «جمهوری اسلامی»
در مطلبی فیلترینگ و «اینترنت ملی» را برابر با «حصر
عمومی ملت» ارزیابی کرده و نوشته بود: «چگونه می‌شود
اینهمه نابسامانی و گرفتاری را که سال‌هاست در زندگی
بخش عمده‌ای از جامعه امری ملموس گشته و ریشه اصلی
اعتراضات گذشته و حال به شمار می‌رود، نادیده گرفت و
راه‌هایی را در بستن و محدود ساختن ابزارهای ارتباطی و
اینترنت و شبکه‌های مجازی، آن هم با عنوان‌های فریبنده‌ای
مانند «اینترنت ملی» یا «شبکه اطلاعات ملی» دید؟»

البرز حسینی نماینده زنجان در مجلس شورای اسلامی هم
هشدار داده بود که «اگر فضای کنونی اینترنت و فیلترینگ
در کشور ادامه پیدا کند، قطعاً به جامعه آسیب بیشتری
وارد خواهد کرد و به تبع آن، خیلی از مشاغل و درآمد‌ها با
چالش جدی روبرو خواهند شد و مشکل دیگری که ایجاد
خواهد شد این است که نارضایتی فعالان این حوزه هم به
نارضایتی‌های موجود کشور، اضافه خواهد شد.»



ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه، تابستان ۱۴۰۱ همراه با ابراهیم رئیسی به دیدار علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی رفت

جمهوری اسلامی از روسیه تجهیزات جاسوسی و «جمینگ» برای اختلال در مخابرات و ماهواره دریافت می‌کند

بخشی از توافق امنیتی روسیه و جمهوری اسلامی مربوط به تحویل تجهیزات الکترونیک و دیجیتال مخابراتی و ابزار و فناوری‌های جاسوسی و همچنین آموزش نیروهاست. از چند ارگان نظامی و امنیتی ایران از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی، افرادی برای کارآموزی و آموختن استفاده از این ابزار به روسیه اعزام می‌شوند.

جان کربی هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید دوشنبه ۲۷ مارس (۷ فروردین) گفت اگر گزارش‌های همکاری ایران و روسیه دقیق باشند نگران‌کننده‌اند اما آنچه در رسانه‌های بین‌المللی مطرح شده فقط بخشی از قضیه است و نه همه آن. بعضی تحلیلگران معتقدند جمهوری اسلامی از روابط خود با روسیه بزرگنمایی می‌کند تا از این راه به نمایش «قدرت» و «مشروعیت» نظام بپردازد.

روس‌ها جمهوری اسلامی را سر کار گذاشته‌اند

یک منبع در ارتش جمهوری اسلامی به کیهان لندن می‌گوید «فناوری‌هایی که روسیه در زمینه مخابراتی به ایران تحویل می‌دهد تا حدودی کار حکومت را برای جاسوسی از مخالفان داخلی و شنود یا ابزارهایی برای حذف مخالفان یا روش‌های اعتراف‌گیری با مواد خاص راه می‌اندازد اما در آن بخش از تجهیزات و تسلیحاتی که مربوط به جنگال [جنگ الکترونیک] یا صنایع سنگین نظامی است، روس‌ها جمهوری اسلامی را سر کار گذاشته‌اند و صرفاً در حد تبلیغات رسانه‌ای است. از جمله در مورد هواپیماهای جنگنده سوخو-۲۲ را که دست سپاه است یا قطعات میگ-۲۹ نیروی هوایی ارتش را به آنها می‌دهد و یا شرکت‌های فرعی و دلالت‌هایشان این قطعات را چند برابر قیمت می‌فروشند، حالا سوخو-۳۵ به حکومت تحویل بدهند؟!» همین منبع می‌گوید: «آنچه باید در مورد آن نگران بود ارسال تجهیزات پخش پارازیت از روسیه و چین به ایران است. تجهیزاتی که با تغییر فرکانس می‌شود از آنها برای پارازیت روی GPS استفاده کرد. اقدامی که می‌تواند در منحرف کردن مسیر پرواز هواپیماها و ناوهای کشتی‌های تجاری اختلال ایجاد کند.» وی توضیح می‌دهد: «ارتش و همچنین سپاه پاسداران قبلاً توانسته‌اند از این تجهیزات چند مایل در حدی که بتوانند ادعا کنند یک شناور وارد مرزهای آبی ایران شده استفاده کنند... ملوانان در آب‌های جنوب ایران متوجه شده‌اند که در فواصلی که در شمال نزدیک به سواحل و آب‌های سرزمینی ایران می‌شوند باید چه اقدامی کنند که در صورت جمینگ اقدامات لازم را انجام دهند.»

«جمر»ها مختل‌کننده مسیر مخابراتی (GSM) یا مختل‌کننده مسیر ماهواره‌ای (GPS) هستند.

از آن رخ می‌دهد که گفته می‌شود جمهوری اسلامی علاوه بر پهپادهای انتحاری با ارسال انواع گلوله‌های تانک و توپخانه و سایر تسلیحات برای روسیه در جنگ علیه اوکراین موافقت کرده است. تهران در ازای این کمک‌ها از روسیه تقاضای هواپیماهای جنگنده و هلی‌کوپتر تهاجمی و همکاری در ارتقاء برنامه‌های موشکی کرده است.

در بخشی از گزارش وال‌استریت ژورنال با اشاره به خیزش ضدحکومتی اخیر در ایران آمده پس از آغاز جنگ علیه اوکراین، دولت پوتین دستگاه‌های شنود، دروغ‌سنج و عکاسی پیشرفته را در اختیار حکومت ایران قرار داد. تحلیلگران معتقدند برای روسیه مزایای روابط نظامی با جمهوری اسلامی بیشتر از معایب آن است. افراد مطلع می‌گویند امکانات و ابزارهای سایبری جدیدی که روسیه برای جمهوری اسلامی ارسال کرده، این امکان را در اختیار حکومت قرار می‌دهد تا تلفن‌ها و شبکه‌های ارتباطی مخالفان سیاسی را هک کند.

در بخش دیگری از این گزارش آمده حکومت ایران با هدف کاهش دامنه‌ی جنبش اعتراضی سراسری، امکانات سایبری را برای اختلال در مسیر گردش اطلاعات بین معترضان و شناسایی و تعقیب مخالفان سیاسی به کار می‌گیرد.

بر اساس گزارش مرکز تحقیقاتی «Citizen La» مستقر در تورنتو، دولت ولادیمیر پوتین نرم‌افزارهایی در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار داده که در «سانسور اینترنت» کاربرد دارد. در گزارش این مؤسسه همچنین آمده «این نرم‌افزارها دستگاه‌های دولتی را قادر می‌سازد تا مستقیم روی موبایل‌ها نظارت داشته باشند و تماس‌ها را رهگیری و تخریب کنند.» کارشناس‌های حوزه امنیت دیجیتال می‌گویند، شرکت تولیدکننده این نرم‌افزار «PROTEL» جزو زیرمجموعه‌های وزارت دفاع روسیه است و نرم‌افزارهایی که این شرکت تولید می‌کند، به دولت‌ها کمک می‌کند تا بر «ارتباطات تلفنی، ایمیل‌ها و تراکنش‌های مربوط به کارت‌های بانکی» شهروندان نظارت داشته باشند. کیهان لندن اواسط آبان ۱۴۰۱ در اوج اعتراضات به نقل از منابع مطلع گزارش داد تعدادی از کارکنان سفارتخانه‌های اروپایی در تهران شنود شده‌اند.

در همین ارتباط طبق تازه‌ترین اطلاعات، ضلع غربی سفارت بریتانیا در تهران در یکی از فرعی‌های خیابان «بابی ساندز» (همایون سابق) در پوشش یک خانه مسکونی اقدام به شنود کارکنان سفارت انگلیس می‌کند. مشخص نیست فعالیت این مرکز از چه زمانی آغاز شده اما اخیراً تجهیزات تازه از جمله دیش‌های کوچک به آن ساختمان منتقل شده است. ضلع شمالی سفارت بریتانیا در تهران و ضلع جنوبی سفارت روسیه روبروی هم قرار دارند.

● روزنامه «وال‌استریت ژورنال» با اشاره به خیزش ضدحکومتی اخیر در ایران می‌نویسد پس از آغاز جنگ علیه اوکراین، دولت پوتین دستگاه‌های شنود، دروغ‌سنج و عکاسی پیشرفته در اختیار حکومت ایران قرار داده است.

● در گزارش این روزنامه آمریکایی به نقل از افراد مطلع آمده «امکانات و ابزارهای سایبری جدیدی که روسیه برای جمهوری اسلامی ارسال کرده، این امکان را در اختیار حکومت قرار می‌دهد تا تلفن‌ها و شبکه‌های ارتباطی مخالفان سیاسی را هک کند.»

● یک منبع مطلع به «کیهان لندن» می‌گوید در ضلع غربی سفارت بریتانیا در تهران در یکی از فرعی‌های خیابان «بابی ساندز» در پوشش یک خانه مسکونی اقدام به شنود کارکنان سفارت انگلیس می‌شود. مشخص نیست فعالیت این مرکز از چه زمانی آغاز شده اما اخیراً تجهیزات تازه از جمله دیش‌های کوچک به آن ساختمان منتقل شده است.

● یک منبع در ارتش جمهوری اسلامی به کیهان لندن می‌گوید «فناوری‌هایی که روسیه در زمینه مخابراتی به ایران تحویل می‌دهد تا حدودی کار حکومت را برای جاسوسی از مخالفان داخلی و شنود یا ابزارهایی برای حذف مخالفان یا روش‌های اعتراف‌گیری با مواد خاص راه می‌اندازد اما در آن بخش از تجهیزات و تسلیحاتی که مربوط به جنگال [جنگ الکترونیک] یا صنایع سنگین نظامی است، روس‌ها جمهوری اسلامی را سر کار گذاشته‌اند.

● همین منبع می‌گوید: «آنچه باید در مورد آن نگران بود ارسال تجهیزات انتشار پارازیت از روسیه و چین به ایران است. تجهیزاتی که با تغییر فرکانس می‌شود از آنها برای پارازیت روی GPS استفاده کرد. اقدامی که می‌تواند در منحرف کردن مسیر پرواز هواپیماها و ناوهای کشتی‌های تجاری اختلال ایجاد کند.»

در شرایطی که اتحادیه اروپا تصمیم‌گیری در مورد قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی را به تعویق انداخته، روزنامه «وال‌استریت ژورنال» به نقل از منابع آگاه گزارش داد که جمهوری اسلامی در ازای تحویل پهپادهای انتحاری به سوریه برای استفاده علیه اوکراین، تجهیزات سایبری و شنود دریافت می‌کند.

افراد مطلع می‌گویند که روسیه به حکومت اسلامی در ایران کمک می‌کند تا ظرفیت‌های پیشرفته «نظارت دیجیتال» به دست آورد. قابلیت‌هایی که به گفته وال‌استریت ژورنال، یک لایه جدید به همکاری‌های نظامی تهران و مسکو می‌افزاید و همزمان یک تهدید برای آمریکا به شمار می‌رود. افزایش همکاری‌ها بین روسیه و ایران در جنگ سایبری پس

اسلامی ادعا کرد «توافق برای احیای برجام عقب‌نشینی اروپا و غرب از مواضع قبلی و بازگشت به دوران مذاکرات قبل از اغتشاشات است و این، یعنی آمریکا و غرب بعد از استفاده ابزاری از اپوزیسیون و رسانه‌های فارسی‌زبان لندن‌نشین، پشت آنها را خالی کرده و به میدان مذاکره با ایران برای لغو تحریم‌های غیرقانونی بازگشته‌اند.»

روزنامه «کیهان» چاپ تهران نیز آنقدر نظام را دست بالا گرفته بود که به تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای جمهوری اسلامی حتا توصیه کرد قبل از شروع مذاکرات، خسارت «اغتشاشات» را از آمریکا و اروپا بگیرد! اما همه اینها چیزی بیش از توهم و خواب و خیال نبود.

در همین ارتباط، برخی منابع داخلی نوشتند امیرعبداللهیان هیچ اختیاری از خودش ندارد و در نقش تطهیرکننده‌ی روس‌ها ظاهر شده است.

در عمل نیز امیرعبداللهیان به عنوان وزیر خارجه جمهوری اسلامی پُر از مواضع متناقض است و معلوم نیست بر اساس گفته‌های وی مبنی بر اینکه «آمریکا پشت پرده برای مذاکره پیام می‌فرستد» و آمریکا «عامل اغتشاشات و به دنبال امتیاز گرفتن است» کدامیک واقعا قابل اتکاست!

وی در دیدار با بشار اسد رئیس جمهوری رژیم سوریه نیز درباره خیزش ضدحکومتی اخیر در ایران ادعا کرد «ما یک جنگ ترکیبی را پشت سر گذاشتیم» و «کشورهای غرب که نقش مداخله‌جویانه و محرک داشتند شکست خوردند.» او در جای دیگری می‌گوید «یکی از اهداف آمریکا از دخالت در اغتشاشات وادار کردن ایران به دادن امتیازات بزرگ در میز مذاکرات بود» و در جای دیگر مدعی شده است «آمریکا زودتر از اروپا فهمید در پس اغتشاشات خبری نیست.»

اینهمه کش و قوس در حالیست که اعلام شده غنی‌سازی اورانیوم در ایران به ۸۴ درصد رسیده و به نظر می‌رسد روس‌ها، جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، رهبران و مقامات اروپایی، مقامات آمریکایی، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اصولگرایان و اصلاح‌طلبان همه می‌دانند کار برجام تمام است. آنها اذعان نیز می‌کنند که «مذاکرات در بن‌بست است.» اغلب آنها با عبارات مختلف اظهار داشته‌اند که گزینه بعد از برجام چیز خوبی نیست و مستقیم و غیرمستقیم به «تشدید تنش‌ها» تا جنگ اشاره کرده‌اند.

برای مقابله با جمهوری اسلامی هسته‌ای چه باید کرد؟

بیگال کارمون رئیس مؤسسه تحقیقات رسانه‌ای خاورمیانه (MEMRI) و ایلت ساویون مدیر پروژه مطالعات ایران در این مؤسسه می‌گویند جلوگیری از دست یافتن جمهوری اسلامی به سلاح اتمی بجز اقدام نظامی، با مشروعیت‌زدایی از حکومت ایران و حمایت از تظاهرات ضدحکومتی و اعتصابات صنفی و کارگری ممکن است.

آنها تأکید می‌کنند: «رژیم ایران تا امروز به شدت بر مشروعیت بین‌المللی خود تکیه کرده است. اگر مشروعیت رژیم ایران تا حدی تضعیف شود، این امکان وجود دارد که جمهوری اسلامی از سرعت خود در غنی‌سازی اورانیوم بکاهد و فعالیت‌های تروریستی خود را در منطقه دست‌کم بطور جزئی و موقت، محدود کند.»

پیشنهاد آنان این است که «علاوه بر قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا»، باید «یک فراخوان آشکار برای تغییر رژیم داد و غرب می‌بایست دست‌کم از ارسال پیام‌هایی که به جمهوری اسلامی اطمینان دهد هیچ قصدی برای تغییر رژیم در ایران وجود ندارد، دست بردارد.»



نمایش عمومی موشک «عماد» ساخت سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی اردیبهشت ۱۴۰۱

و همچنین بریتانیا، آلمان و فرانسه مواجه است. سه کشوری که پیوسته علاقه خود را برای احیای برجام از دست داده‌اند و مانع‌تراشی می‌کنند.»

این اظهارات یک هفته پس از آن صورت گرفت که علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفته بود در اسلو با «مدیران سیاسی» سه کشور اروپایی فرانسه، آلمان و انگلیس دیدار کرده است.

برخی منابع گزارش داده بودند که باقری کنی به همراه چند نفر از اعضای تیم اتمی جمهوری اسلامی به نروژ رفته است و هدف از این سفر را «از سر گرفتن مذاکرات برای احیای برجام» عنوان کردند اما وزارت خارجه آلمان ضمن تأیید این دیدار تأکید کرد در این ملاقات «موضع خود را در مورد تنش‌آفرینی ایران در بسیاری از حوزه‌ها روشن کردیم و هنوز خبری از هیچ مذاکره دیگر، حتا درباره برجام نیست.»

تا واپسین هفته‌های سال ۱۴۰۱ حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در چند نوبت ادعا می‌کرد آمریکایی‌ها «پشت پرده» برای مذاکره و توافق با جمهوری اسلامی پیام می‌فرستند. او حتا مدعی شد «آمریکا اصرار فراوانی برای مذاکره دارد» اما هر بار این ادعا از سوی یکی از مقامات وزارت خارجه ایالات متحده یا یکی از مقامات دولتی آن رد شد.

در این میان، روس‌ها اصرار دارند که مقصر به بن‌بست رسیدن مذاکرات اتمی را غربی‌ها معرفی کنند. بعضی مقامات حکومتی در ایران نیز از جمله ابراهیم رئیسی خریدار این موضع هستند اما بعضی دیگر از جمله حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به صراحت می‌گویند روسیه جمهوری اسلامی را در مذاکرات اتمی و «احیای برجام» بازی داد و با پرونده اتمی به دنبال باج گرفتن از غربی‌هاست.

محمد مرندی پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای و مشاور تیم مذاکرات اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید ایران برای مذاکرات و احیای برجام کارهایی را که قرار بر انجام آنها بود انجام داده اما دو مسئله باعث شد آمریکایی‌ها توافق نکنند: «اختلاف داخل آمریکا و آشوب‌ها.» منظور مرندی از «آشوب‌ها» اعتراضات و خیزش انقلابی مردم معترض علیه جمهوری اسلامی است که مثل همیشه با سرکوب شدید و مرگبار روبرو شد.

پس از دیدار حسین امیرعبداللهیان با جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حاشیه نشست «بخداد۲» در اردن، خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب

«تغییر رژیم با حمایت از خیزش ضدحکومتی» تنها گزینه غیرنظامی برای مقابله با دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی است

● میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات اتمی می‌گوید «مذاکرات همچنان در بن‌بست هستند و شانس احیای برجام بسیار اندک است و فقط غربی‌ها از اعلام مرگ آن خودداری می‌کنند.»

● روس‌ها می‌گویند مقصر به بن‌بست رسیدن مذاکرات غربی‌ها هستند. بعضی منابع داخلی نوشتند امیرعبداللهیان هیچ اختیاری از خودش ندارد و در نقش تطهیرکننده روس‌ها ظاهر شده است.

● اینهمه کش و قوس در حالیست که اعلام شده غنی‌سازی اورانیوم در ایران به ۸۴ درصد رسیده و به نظر می‌رسد روس‌ها، جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، رهبران و مقامات اروپایی، مقامات آمریکایی، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اصولگرایان و اصلاح‌طلبان همه می‌دانند کار برجام تمام است. آنها اذعان نیز می‌کنند که «مذاکرات در بن‌بست است.» اغلب آنها با عبارات مختلف اظهار داشته‌اند که گزینه بعد از برجام چیز خوبی نیست و مستقیم و غیرمستقیم به «تشدید تنش‌ها» تا جنگ اشاره کرده‌اند.

● بیگال کارمون رئیس مؤسسه تحقیقات رسانه‌ای خاورمیانه (MEMRI) و ایلت ساویون مدیر پروژه مطالعات ایران در این مؤسسه می‌گویند جلوگیری از دست یافتن جمهوری اسلامی به سلاح اتمی بجز اقدام نظامی، با مشروعیت‌زدایی از حکومت ایران و حمایت از تظاهرات ضدحکومتی و اعتصابات صنفی و کارگری ممکن است.

● آنها پیشنهاد می‌دهند «علاوه بر قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا» باید «یک فراخوان آشکار برای تغییر رژیم داد و غرب می‌بایست دست‌کم از ارسال پیام‌هایی که به جمهوری اسلامی اطمینان دهد هیچ قصدی برای تغییر رژیم در ایران وجود ندارد، دست بردارد.»

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات اتمی اوایل مارس ۲۰۲۲ ادعا کرده بود «ظرف ۲۴ تا ۴۸ ساعت دیگر توافق اتمی با جمهوری اسلامی اعلام می‌شود!» اما اکنون یک سال گذشته و می‌گوید «مذاکرات همچنان در بن‌بست هستند و شانس احیای برجام بسیار اندک است و فقط غربی‌ها از اعلام مرگ آن خودداری می‌کنند.»

وی در چند مصاحبه با رسانه‌های روسی و الجزیره توضیح داد: «از سرگیری این روند در درجه اول با مخالفت آمریکا

ایرانی که می‌تواند باشد



اجتناب‌ناپذیر رویدادی مانند «سرگذشت ندیمه» است که به سرنوشت واقعی آنها تبدیل شده است.

زنان ایران به خوبی می‌دانند که قتل وحشیانه مهسا امینی به سادگی می‌توانست سرنوشت خودشان بوده باشد؛ برای همین قتل مهسا کاسه صبر تحمل وحشت ناشی از زندگی تحت لوای حکومت اسلامی را لبریز کرد و آنان را به خیابان‌ها کشاند.

پهلوی در واقع به آنها یادآوری می‌کند که دوباره چه می‌توانند باشند.

پس از تصمیم رضاشاه در سال ۱۳۱۴ مبنی بر کشف حجاب و تسهیل ورود زنان به مدارس و عرصه عمومی، ایران به گونه‌ای متحول شد که تنها چند دهه بعد، مادر شاهزاده رضا پهلوی و عمه‌اش اشرف پهلوی به عنوان مدافعان برابری حقوق زنان و مردان، نماینده ایران در صحنه‌های جهانی شدند و فرصت‌های گسترده‌ای را برای دیگر زنان ایرانی به وجود آورد.

رضا پهلوی نیز مانند میلیون‌ها ایرانی دیگر که آن میل به پیشرفت و برابری و دنیادیدگی دیروز را به یاد دارند، بر آنچه اسلامگرایان حاکم بر ایران در نابودی معیارهای توسعه و پیشرفت جامعه ایران به کار بسته‌اند، با دیده تأسف نگریده‌اند. او به عنوان پدر سه دختر، درباره باورش به برابری حقوقی زن و مرد و تعهد خود به حقوق همه اقلیت‌ها، از جمله اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو که در ایران به شدت مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، بارها اظهار نظر کرده است.

پهلوی قلباً سکولاری انسانگرا است، مردی که مشتاق است ارزش‌های نهان در لیبرالیسم آمریکا و فرانسه- دو سنت سیاسی غرب (سکولاریسم و لیبرالیسم) که وی در آنها پناه گرفته و با آنها نزدیکی فکری پیدا کرده است- به ملتی برساند که آرزو دارد از جهل و تعصب تنفرانگیزی که به آنان از سوی رژیم تحمیل شده نجاتش دهد.

صداقت آشکار او در فرهنگ سیاسی ایران به راستی کمیاب است؛ همان ویژگی که شاید دلیلی بر چرایی اعتماد و اقبال عمومی به او باشد. این اعتماد می‌تواند مرهمی برای جامعه آسیب‌دیده‌ای باشد که دشوارترین چالش‌های آن ممکن است هنوز در فرآیند سخت گذار از شر ←

اختلاف زیادی از دیگر چهره‌های سیاسی پیش‌تاز است و معترضان ایرانی در خیابان برای بازگشت او و علیه انقلابی که کشورشان را زیر و رو کرده با جان و دل و با به خطر انداختن امنیت خود شعار می‌دهند.

در حافظه جمعی ایرانیان، دوره فرمانروایی پهلوی‌ها به عنوان عرصه بازسازی و پیشرفت ایران و همچنین عزت و کرامت ایرانیان نقش بسته است. اغلب ایرانیان پدر بزرگ شاهزاده رضا پهلوی، رضاشاه را فردی ایران‌ساز، پدرش محمدرضا پهلوی را عامل مدرن کردن ایران و مادرش شهبانو فرح پهلوی را مروج اصلی و ستون دفاع از فرهنگ و هنر و آموزش و زندگی مدنی ایرانیان می‌دانند.

رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های ماهواره‌ای که با وجود محدودیت‌های حکومتی در دسترس بسیاری از ایرانیان قرار دارد، از یکسو مملو از تصاویری از عظمت مدرن این خاندان است و از سوی دیگر تصاویر خفقان‌آور روحانیون سپاه‌پوش ۸۰ و چند ساله‌ایست که به نام خدا دستور قتل، تجاوز، و شکنجه بی‌گناهان را می‌دهند. این کارزار شکل گرفته از عظمت و نوگرایی در برابر ارتجاع و پسرفت، در واقع ضمیر ناخودآگاه سرکوب شده جامعه‌ای است که بازگشت به شکوه و عظمت دوران گذشته‌اش را می‌خواهد. کسانی که این روزها همه چیزشان را برای اعتراض به حکومت دینی در خیابان‌های ایران به خطر می‌اندازند، اکثراً جوانانی هستند که سال‌ها پس از انقلاب به دنیا آمده‌اند.

این جوانان اگرچه تجربه‌ای جز زندگی در یک حکومت تمامیت‌خواه ندارند، بسیاری‌شان اما با گوش دادن به صحبت‌ها و روایت‌های اقوام بزرگتر خود در مورد زندگی قبل از جمهوری اسلامی که همراه با آزادی‌های فردی، وضعیت معیشتی بهتر، دسترسی به دنیای آزاد، سهولت سفر به خارج کشور، اختلاط عادی جنسیت‌ها و دینداران و سکولارها و حس غرور ملی بود، بزرگ شده‌اند. روایت‌هایی که گرچه حس غرور از دست رفته ملی را بیدار می‌کند اما همراه با حس ضایعه عمیقی است که یک رژیم ضدغریبی و واپسگرایی اسلامی عامل به وجود آورنده‌ی آن است.

به ویژه زنان و دختران ایرانی آگاه‌اند که انقلاب سال ۵۷ است که مقصر تحقیر روزانه، ظلم، جداسازی، نابرابری، و فرودستی شدید اقتصادی آنهاست و این فجایع نتیجه

● امروز پهلوی محبوب‌ترین چهره در سرزمینی است که بیش از چهار دهه پیش مجبور به ترک آن شد. نظرسنجی‌های متعدد در سنجش گرایش‌های سیاسی ایرانیان نشان می‌دهد که او در سال‌های اخیر با اختلاف زیادی از دیگر چهره‌های سیاسی پیش‌تاز است و معترضان ایرانی در خیابان برای بازگشت او و علیه انقلابی که کشورشان را زیر و رو کرده با جان و دل و با به خطر انداختن امنیت خود شعار می‌دهند.

● زنان ایران به خوبی می‌دانند که قتل وحشیانه مهسا امینی به سادگی می‌توانست سرنوشت خودشان بوده باشد؛ برای همین قتل مهسا کاسه صبر تحمل وحشت ناشی از زندگی تحت لوای حکومت اسلامی را لبریز کرد و آنان را به خیابان‌ها کشاند.

● پهلوی قصد دارد روندی از تحقق دموکراسی را پیش برد که امکان انتخاب آزادانه در مورد شکل حکومت آینده را فراهم کند و تفکیک قوا را با نظارت و توازن و محدودیت در میزان قدرت قوه مجریه برقرار کند. اوترجیح می‌دهد بجای «رهبر»، وی را «وکیل مردم» خطاب کنند، و گهگاه هم برای ناظران غربی و هم برای هواداران پرشور پادشاهی‌خواه خود بر زبان می‌آورد که ممکن است خود جمهوریخواهی را بر پادشاهی مشروطه ترجیح دهد، اما این مردم هستند که در یک رای آزاد و منصفانه در مورد آینده‌شان تصمیم خواهند گرفت.

مریم معمارصادقی (American Purpose) - رضا پهلوی فرزند شاه سابق ایران اخیراً در پارلمان اروپا سخنرانی و اروپا را به اضافه کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فهرست تروریستی ترغیب کرد. مردی که اگر ایران توسط اسلامگرایان در انقلاب ۱۳۵۷ تسخیر نمی‌شد پادشاه ایران می‌بود، باور دارد که انزوای بین‌المللی و مجازات مالی علیه کسانی که معترضان ایرانی را وحشیانه سرکوب می‌کنند به عمیق‌تر شدن شکاف‌های درونی رژیم و احتمال ریزش مقامات منجر می‌شود. امروز پهلوی محبوب‌ترین چهره در سرزمینی است که بیش از چهار دهه پیش مجبور به ترک آن شد. نظرسنجی‌های متعدد در سنجش گرایش‌های سیاسی ایرانیان نشان می‌دهد که او در سال‌های اخیر با

→ بر سر راه آن باشد.

پهلوی قصد دارد روندی از تحقق دموکراسی را پیش برد که امکان انتخاب آزادانه در مورد شکل حکومت آینده را فراهم کند و تفکیک قوا را با نظارت و توازن و محدودیت در میزان قدرت قوه مجریه برقرار کند. اوترجیح می‌دهد بجای «رهبر»، وی را «وکیل مردم» خطاب کنند، و گهگاه هم برای ناظران غربی و هم برای هواداران پرشور پادشاهی‌خواه خود بر زبان می‌آورد که ممکن است خود جمهوریخواهی را بر پادشاهی مشروطه ترجیح دهد، اما این مردم هستند که در یک رای آزاد و منصفانه در مورد آینده‌شان تصمیم خواهند گرفت.

پهلوی صرف نظر از انتخاب خود، متعهد شده است که از سیاست‌های روزانه کشور دور بماند و در عوض بر تقویت فرهنگ دموکراسی که ریشه در نهادهای قوی، آموزش لیبرال و جامعه مدنی پویا دارد، تمرکز کند. از آنجا که پهلوی نقشی فراتر از اختلافات حزبی و گروهی دارد و پیوسته بر اتحاد جهت سرنگونی جمهوری اسلامی تأکید می‌کند، کسانی که از او حمایت می‌کنند بسیار فراتر از تنها حامیان اتکا بر تاریخ ۲۵۰۰ ساله تاج و تخت ایران هستند.

ایرانیانی که جمهوریخواهی را ترجیح می‌دهند یا هیچ موضع قاطعی در مورد شکل حکومت آینده ندارند نیز در پهلوی رهبری را می‌بینند که می‌تواند ملتی زخم‌خورده را حول یک پلتفرم سیاسی عقلانی و متعادل گرد آورد.

باورها و ارزش‌های دموکراتیک و انسانی او در طول چهار دهه بدون تغییر مانده است؛ باورهایی که منادی سکولاریسم، برابری و حاکمیت قانون، نهادهای دموکراتیک، وحدت ملی و تمامیت ارضی، دوستی با غرب و همسایگان ایران به ویژه اسرائیل، سیستم آموزشی لیبرال، اقتصاد مبتنی بر شایستگی که فراتر از نفت و گاز بر نوآوری در فناوری تأکید دارد، و اولویت ارائه راهکارهایی برای نابسامانی محیط زیست و بحران شدید آب در ایران است.

برخلاف بسیاری از شخصیت‌های سیاسی ایرانی که به دلیل شرکت در انقلاب ۱۳۵۷ یا گرفتار شدن در دام فریب اصلاح‌طلبی رژیم از چشم مردم افتاده‌اند، پهلوی هیچ گذشته‌ای در اسلامگرایی یا مارکسیسم ندارد.

اگرچه میراث او و باورهایش، برگ برنده او در پیشبرد پروژه دموکراسی برای ایران است اما او چالش‌هایی منحصر به فرد نیز بر سر راه خود دارد، زیرا تحت رژیمی که برای سرنگونی آن تلاش می‌کند زندگی نکرده است. او باید نه تنها از آرمان‌های دموکراتیک دفاع کند، بلکه می‌بایست رنج و درد عمیق اکثریت قریب به اتفاق ایرانیانی را که با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند نیز در نظر داشته باشد. او نیاز فوری به ارائه راهکارهای عملی، برنامه‌ریزی استراتژیک، تیم قوی، و همکاری بین‌المللی دارد تا برای رفع نیازهای اساسی و انسانی هموطنان خود در دوره ناپایدار حکومت موقت در صورت سقوط رژیم آماده باشد. هرج و مرج و بی‌ثباتی می‌تواند به راحتی خلاء ناشی از عدم آمادگی عملی را پر کند. نمی‌توان بطور دقیق زمان سقوط رژیم جمهوری اسلامی را پیش‌بینی کرد، بنابراین پهلوی باید قادر باشد که بگوید نه تنها توانایی برقراری ارتباط و الهام بخشیدن به مردم را دارد بلکه توانایی اجرای آن را نیز دارد. انقلاب ایران ممکن است زودتر از آن به نتیجه برسد که وی تصور می‌کند.

*منبع: American Purpose

*نویسنده: مریم معمارصادقی بنیانگذار و مدیر «انجمن کوروش» و از مدافعان دموکراسی و حقوق بشر در ایران است.

*ترجمه و تنظیم: نوید محبی

سفیر سابق جمهوری اسلامی در آلمان:

اروپایی‌ها و آمریکا روی اپوزیسیون به عنوان آلترناتیو نظام حساب باز کرده‌اند



علی ماجدی

● علی ماجدی سفیر جمهوری اسلامی در زمان دولت روحانی در برلین در مصاحبه با وبسایت «دیپلماسی ایرانی» گفته «بطور بی‌سابقه‌ای یک جریان ضد جمهوری اسلامی متشکل از ایرانیان خارج از مرز در سال ۱۴۰۱ ظهور پیدا کرده و روند اعتراضات آنها علیه نظام گسترده و بی‌سابقه بوده است.»

● «اگر سیاست ایران در همراهی با پوتین برای تجاوز به اوکراین تغییر پیدا نکند باید شاهد تبعات گسترده‌تر، شدیدتر و جدی‌تر از طرف آلمان و اتحادیه اروپا و آمریکا باشیم... حمله به امنیت و تمامیت ارضی اروپا مسئله‌ای نیست که قاره سبز و آمریکا از کنار آن به سادگی بگذرند.»

بخشی از صحبت‌های علی ماجدی در مورد مذاکرات و وضعیت برجام است. وی معتقد است که برجام «با بدفرجامی مواجه است و به ویژه بعد از تجاوز روسیه به اوکراین شرایط بغرنج‌تر و پیچیده‌تر شد و بعد از اخبار در خصوص همراهی ایران با این تجاوز، عملاً دیگر مذاکرات هسته‌ای به محاق رفت و امید به احیای برجام وجود ندارد.»

● «اگر آلمان فقط از جمهوری اسلامی ایران برای کنفرانس مونیخ دعوت نکرد بلکه حتی پای جریان اپوزیسیون را به کنفرانس امنیتی مونیخ باز کرد.»

● «اگر آلمان فقط از جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در ترسیم مسیر معادلات امنیتی دنیا، بدون نام بردن از شاهزاده رضا پهلوی، گفت آلمان به قدری در سیاست‌ها ضد جمهوری اسلامی «تُند شده» که نه تنها از نمایندگان ایران برای کنفرانس مونیخ دعوت نکرد بلکه حتی پای جریان اپوزیسیون را به کنفرانس امنیتی مونیخ باز کرد.»

● «اگر آلمان فقط از جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در ترسیم مسیر معادلات امنیتی دنیا، بدون نام بردن از شاهزاده رضا پهلوی، گفت آلمان به قدری در سیاست‌ها ضد جمهوری اسلامی «تُند شده» که نه تنها از نمایندگان ایران برای کنفرانس مونیخ دعوت نکرد بلکه حتی پای جریان اپوزیسیون را به کنفرانس امنیتی مونیخ باز کرد.»

● «اگر آلمان فقط از جمهوری اسلامی ایران برای کنفرانس مونیخ دعوت نمی‌کرد، اگرچه جای نگرانی داشت، اما این نگرانی به قدری پررنگ نمی‌شد که ایران زنگ خطر مشروعیت‌زدایی از جمهوری اسلامی ایران و مشروعیت‌بخشی به جریان معاند را به صدا درآورد.»

● «اگر آلمان فقط از جمهوری اسلامی ایران برای کنفرانس مونیخ دعوت نمی‌کرد، اگرچه جای نگرانی داشت، اما این نگرانی به قدری پررنگ نمی‌شد که ایران زنگ خطر مشروعیت‌زدایی از جمهوری اسلامی ایران و مشروعیت‌بخشی به جریان معاند را به صدا درآورد.»

● «اگر سیاست ایران در همراهی با پوتین برای تجاوز به اوکراین تغییر پیدا نکند باید شاهد تبعات گسترده‌تر، شدیدتر و جدی‌تر از طرف آلمان و اتحادیه اروپا و آمریکا باشیم... حمله به امنیت و تمامیت ارضی اروپا مسئله‌ای نیست که قاره سبز و آمریکا از کنار آن به سادگی بگذرند.»

● «اگر سیاست ایران در همراهی با پوتین برای تجاوز به اوکراین تغییر پیدا نکند باید شاهد تبعات گسترده‌تر، شدیدتر و جدی‌تر از طرف آلمان و اتحادیه اروپا و آمریکا باشیم... حمله به امنیت و تمامیت ارضی اروپا مسئله‌ای نیست که قاره سبز و آمریکا از کنار آن به سادگی بگذرند.»

● «اگر آلمان فقط از جمهوری اسلامی ایران برای کنفرانس مونیخ دعوت نکرد بلکه حتی پای جریان اپوزیسیون را به کنفرانس امنیتی مونیخ باز کرد.»

● «اگر آلمان فقط از جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ دعوت نمی‌کرد، اگرچه جای نگرانی داشت، اما این نگرانی به قدری پررنگ نمی‌شد که برلین با دعوت از جریان اپوزیسیون بجای جمهوری اسلامی ایران زنگ خطر مشروعیت‌زدایی از جمهوری اسلامی ایران و مشروعیت‌بخشی به جریان معاند را به صدا درآورد.»

● «اگر آلمان فقط از جمهوری اسلامی ایران برای کنفرانس مونیخ دعوت نمی‌کرد، اگرچه جای نگرانی داشت، اما این نگرانی به قدری پررنگ نمی‌شد که برلین با دعوت از جریان اپوزیسیون بجای جمهوری اسلامی ایران زنگ خطر مشروعیت‌زدایی از جمهوری اسلامی ایران و مشروعیت‌بخشی به جریان معاند را به صدا درآورد.»

● «اگر آلمان فقط از جمهوری اسلامی ایران برای کنفرانس مونیخ دعوت نمی‌کرد، اگرچه جای نگرانی داشت، اما این نگرانی به قدری پررنگ نمی‌شد که برلین با دعوت از جریان اپوزیسیون بجای جمهوری اسلامی ایران زنگ خطر مشروعیت‌زدایی از جمهوری اسلامی ایران و مشروعیت‌بخشی به جریان معاند را به صدا درآورد.»

● «اگر آلمان فقط از جمهوری اسلامی ایران برای کنفرانس مونیخ دعوت نمی‌کرد، اگرچه جای نگرانی داشت، اما این نگرانی به قدری پررنگ نمی‌شد که برلین با دعوت از جریان اپوزیسیون بجای جمهوری اسلامی ایران زنگ خطر مشروعیت‌زدایی از جمهوری اسلامی ایران و مشروعیت‌بخشی به جریان معاند را به صدا درآورد.»

نقد جمعی از ملی‌گرایان و میهن‌دوستان ایرانی بر منشور همبستگی و سازماندهی برای آزادی (مهسا)

به نام انقلاب ملی ایران
 ملت سرافراز ایران،

ما جمعی از ملی‌گرایان و میهن‌دوستان ایرانی بر خود لازم می‌دانیم نسبت به منشوری که اخیراً توسط جمعی شش نفره تحت عنوان ائتلاف همبستگی منتشر شده است، نکاتی اعتراضی را بنا بر اصول و معیارهای ملی و دیدگاه‌هایمان ارائه نماییم. بدیهی است از صدر تا ذیل منشور انباشته از نقطه‌نظراتی است که تضعیف‌کننده تمامیت ارضی، هویت ملی، یکپارچگی میهنی و حاکمیت ملی است که در ادامه فهرست‌وار اشکالات عمده و بنیادین این منشور ذکر خواهند شد:

۱- در منشور پیشنهادی هیچ اشاره‌ای به ملت ایران دیده نمی‌شود اما بر واژگانی از قبیل قوم و واژه معجول اتنیک تأکید شده است. در حالی که کشورهای جدید و چندپارچه اروپایی متأثر از ناسیونالیسم قرن نوزدهمی در همه سطوح سیاسی و اجتماعی بر استفاده از عنوان یک ملت واحد تصریح داند اما عوامل ائتلاف در استفاده از این عنوان ضروری و بایسته برای ملت همبسته و کهنسال ایران، با پیشنهاد همبستگی ملی چند هزار ساله ابا داشته‌اند. ملت ایران واحدی یکپارچه و تجزیه‌ناپذیر بوده و یگانه ملیتی است که در این سرزمین موجود است.

۲- منشور با درج لوگویی رونمایی شده که با نمادهای فراوان و اصیل ایرانی از جمله پرچم کهن و زیبایی شیروخورشیدنشان، درفش کاویانی یا موارد مشابه هیچ نسبتی ندارد. لوگویی که بیشتر به نماد سازمانی گروه‌های مارکسیست لنینیست یا سازمان‌های مدافع حقوق رنگین‌پوستان آمریکایی شباهت داد تا کشوری با چند هزار سال تاریخ و با انقلاب‌هایی از خیزش کاوه آهنگر تا انقلاب شکوهمند مشروطه.

۳- در این منشور به زبان مادری و اقوام اشاره است اما دروغی که رکن رکن ملیت ایرانی یعنی زبان ملی و میانجی فارسی در آن جایگاهی نداشته است. گویا صحبت از کشوری دیگر است و نه ایران. گویی ایران زبان ملی و تاریخی نداشته است. گویا کشوری به نام ایران قرار است که تازه تأسیس شود.

۴- در منشور فوق هیچ اشاره مشخصی به تمامیت ارضی نشده است. تنها از یکپارچگی سرزمینی آنهم مشروط شده به پذیرش گوناگونی زبانی، قومی (آنهم) در پراکنش نهادن مفهوم وارداتی اتنیک که هیچ ارتباطی با همزیستی چند هزار ساله اقوام ایرانی ندارد) مذهبی و فرهنگی ذکر شده است. اساساً تمامیت ارضی مشروط به هیچ شرط و شروطی تا حتی انتخاباتی نمی‌تواند باشد و تضعیف آن در این منشور و با ذکر واژه معجول و بیگانه با ایران «اتنیک» گویای نقش قدرتمند افراد و جریان‌ها و اگر از منفصل از هویت ایرانی در معماری این منشور ضدملی است.

۵- در بخش‌های مختلف متن منشور اثرات و رد پای ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم اعم از تجویز حق تعیین سرنوشت ملل (اقوام) به شکل واگذاری اختیارات بی حد و حصر استانی و به ویژه ناحیه‌ای و باورمندی به ستم ملی (تبعیض تاریخی) دیده می‌شود حتی به استان‌های محروم نگهداشته شده اشاره شده که تویحاً تأکیدی بر ادعای وجود ستم ملی (تبعیض تاریخی) در ایران است که نمایانگر

باورهای ایدئولوژیک است که دستاوردش در ۸۰ سال اخیر برای ایران ترویج ارتجاع، ممانعت از توسعه و زمینه‌سازی برای جنگ‌های قومی قبیله‌ای بوده است. ترویج این گفتمان خطرناک و سمی و باطل شده در دنیای متمدن را قویاً محکوم می‌کنیم.

۶- در منشور مذکور بر تعیین نوع حکومت در همه‌پرسی تأکید شده است اما در ادامه بر مواردی تصریح شده که جزو اصول تأسیس یک کشور می‌باشند از جمله تمرکززدایی و اعطای اختیارات استانی و به ویژه ناحیه‌ای. در واقع پیش از برگزاری همه‌پرسی در این زمینه تصمیم‌گیری شده که می‌تواند در هر شرایطی توسط گروه‌های قومی مسلح مورد استناد و سوء استفاده قرار گیرد.

۷- تمرکززدایی از قدرت با سپردن اختیارات مالی، اداری و سیاست‌گذاری به استان‌ها و نواحی قبلاً در حکمرانی مانند فدرالیسم امتحان خود را به شکل فاجعه‌باری پس داده و باعث بهره‌برداری رقابتی از رودخانه‌ها و آبخوان‌ها، چرای بی‌رویه دام، کاهش تنوع زیستی، بهره‌برداری از معادن و جنگل‌ها و کشاورزی بی‌ضابطه شده است؛ به نحوی که با هزینه‌های اجتماعی و سیاسی فراوانی مجبور به وضع قوانین ملی بازدارنده شدند. گرچه وضع وخیم حوضه‌های آبخیز و آبریز رودخانه‌ها، خشکی تالاب‌ها، از بین رفتن وسعت جنگل‌ها، برداشت بی‌رویه معادن، حاشیه‌نشینی و مشکل تأمین آب آشامیدنی با کیفیت خصوصاً شرق کشور ناشی از سیاست‌گذاری غلط حاکمیت فعلی است ولی اختیارات استانی بدون اهرم‌های کنترل‌کننده مرکزی مانند طرح آمایش سرزمین، سهم برابری در موارد مذکور دارد، در واقع این رویکرد به دلیل اجبار به استقلال مالی استان‌ها ناقص توسعه پایدار و عدالت محیط زیستی است.

۸- پذیرش پروتکل‌ها و میثاق‌های بین‌المللی و یا تعیین نسبت با آنها کار ویژه‌ای است که بر عهده‌ی دولت‌ها و

مجلسین ملی منتخب مردم و بر اساس ضوابطی همچون مصالح عالی‌ه ملی و قانون اساسی است. طرح این موضوعات نقض آشکار حقوق دموکراتیک ملت ایران و حاکمیت ملی است.

۹- در متن منشور تأکید بی‌موردی بر مذاکره با کشورهای خارجی شده است که مشخص نیست اساساً مبنای درج چنین موضوعی که بطور ماهوی یک ابزار است، در منشوری که باید گویای اصول کلی باشد چیست. اما در این مورد هم به صرفاً مذاکره با کشورهای دموکراتیک اشاره شده که با توجه به اینکه کشورهای دموکراتیک خاصه در خاورمیانه بسیار محدود هستند، طرح این موضوع نه تنها با واقعیت همخوانی ندارد بلکه نمایانگر عدم آشنای اعضای ائتلاف همبستگی با رئال پولیتیک و واقعیات سیاسی دنیای پیرامون ایران است. به نظر می‌رسد اعضای ائتلاف علی‌رغم همه تجربیات ناکام امید بستن به دولت‌های خارجی، همچنان بر این رویه به عنوان یک خصیصه هویتی برای خود تأکید دارند و دچار این خوش‌خیالی هستند که سیاست خارجی کشورهای دموکراتیک را هم نه منافع ملی آنها که پاره‌ای ارزش‌های جهانشمول تعیین می‌کند.

در پایان یادآور می‌شود که فحوا و جهت‌گیری این منشور با مطالبات واقعی ملت ایران که شاخص آن شعارهای عمدتاً ملی‌گرایانه هم‌میهنان از زاهدان تا کردستان تا تهران و ایزد و رشت و... است تضاد بنیادین و آشتی‌ناپذیر دارد. امید که در واکنش به این دست اقدامات ضدملی، شاهد پا گرفتن جریان‌های ملی‌گرا و نگارش منشورهایی باشیم که با واقعیات جامعه ایران همخوانی داشته باشند و به آحاد ملت ایران فارغ از تفاوت‌ها و تکتک‌ها اعم از قومیت، دین و مذهب، تیره و نژاد به چشم ایرانیانی با حق حاکمیت ملی مشاع بر جغرافیای این سرزمین بنگرد که دارای حقوق شهروندی برابر هستند.

۱- حمیدرضا ابراهیمی	۲۲- علی پیرهادی	۴۲- سارا سپاهانی	۶۴- بهزاد مخصوصی
۲- سیامک احدی	۲۳- آیدین تمهیدی	۴۴- پرویش سرخوش	۶۵- احسان مرتضوی
۳- سارا اسدی	۲۴- محسن توکلیان	۴۵- فیروزه سوفیان	۶۶- محمدحسین ملک‌خطایی
۴- محمد اسدی	۲۵- بیژن جانفشان	۴۶- مهرداد سیدعسگری	۶۷- آذین موحد
۵- روزبه اسکندری	۲۶- کوروش جنتی	۴۷- شیوا شفاهی	۶۸- بیژن مهر
۶- بابک اسلامی فارسانی	۲۷- مهدی حبیبی	۴۸- سارا شفیعی	۶۹- امین میردامادیان
۷- فریدون اعظم‌نگنه	۲۸- پوریا حق‌پناه	۴۹- کامران شهبازی	۷۰- حامد میرزاحسینی
۸- میلاد آقایی	۲۹- علی حمید	۵۰- مسعود صالحی	۷۱- بابک مینا
۹- بهنام امینی	۳۰- هادی حیدری	۵۱- پیام صفی‌پور	۷۲- محمد نازاریان
۱۰- رضا امینی	۳۱- جواد حیدریان	۵۲- حمیده طالقانی	۷۳- نیما ناصرآبادی
۱۱- سعید انصاریان	۳۲- مسعود خالقی	۵۳- احسان عزت‌پور قدیم	۷۴- بهرام تقی‌پور
۱۲- اشکان ایمان‌خان	۳۳- آریا خسروی	۵۴- سیاوش غلامی	۷۵- آرش نیک‌خو
۱۳- تیرداد بنکدار	۳۴- آذر خونایی اکبری	۵۵- نرگس فداکار	۷۶- ساسان هارون مهدوی
۱۴- آتی‌کا بهدردی	۳۵- داود دادرس مقدم	۵۶- مهدی قاسمی‌نژاد	۷۷- مسعود هارون مهدوی
۱۵- شبنم بهدردی	۳۶- مهران‌زاد کاکری	۵۷- مهران قربانی	۷۸- بهزاد وفاخواه
۱۶- علی بهدردی	۳۷- عباس رضایی	۵۸- داوود قره‌تپه	۷۹- فضل‌الله یاری
۱۷- کاترین بهدردی	۳۸- علی رضایی	۵۹- منوچهر قنبری	۸۰- هدایت یادگار صالحی
۱۸- محمد بهدردی	۳۹- افسانه رفیع مؤمن	۶۰- امین کرمانشاهی	
۱۹- وحید بهمن	۴۰- عباس رنجبر	۶۱- محمد کوراوند	
۲۰- مجید پورخداقلی	۴۱- محسن روشنایی	۶۲- داریوش مجلسی	
۲۱- لیلیا پولادی	۴۲- مجید دهقان	۶۳- مصطفی محمددوست	

رهبرتراشی از مریم رجوی به اسم اپوزیسیون «داخل ایران»! ریخت و پاش نروزی مجاهدین برای تبلیغ «جمهوری دموکراتیک»



کنفرانس مجاهدین در تالار سنای آمریکا به مناسبت نروزی به اسم «حمایت از قیام مردم ایران برای یک جمهوری دموکراتیک، غیراقتی و مبتنی بر جدایی دین و دولت»

می‌شود که الین چاو که دونالد ترامپ او را به به عنوان وزیر پیشنهادی حمل و نقل معرفی کرده بود در سال ۲۰۱۵ برای پنج دقیقه سخنرانی در دفاع از مجاهدین خلق مبلغ پنجاه هزار دلار دریافت کرده بود.

مایکل روبین مقام سابق وزارت دفاع آمریکا در امور خاورمیانه اواسط دی‌ماه ۱۴۰۱ در مقاله‌ای با اشاره به تنفر مردم ایران از سازمان مجاهدین خلق خطاب به مقامات آمریکایی و اروپایی نوشته بود شرکت آنان در نشست‌های یک سازمان با سابقه تروریستی که یک رهبر مستبد آن را اداره می‌کند به نفع تبلیغات جمهوری اسلامی علیه انقلاب مردم ایران است.

یکی از مسائل مطرح شده در این گزارش، پشت پرده و ابهامات مسائل مالی این سازمان است. روبین معتقد است بین علی خامنه‌ای و مریم رجوی برای مخفی نگه داشتن امپراتوری اقتصادی‌شان هیچ تفاوتی نیست.

وی همچنین نوشته بود: «برخی از سیاستمداران آمریکایی ممکن است خیال کنند که با گرفتن پول نقد از مجاهدین خلق در ازای سخنرانی‌های کوتاه هیچ ضرری نمی‌کنند، اما اشتباه می‌کنند. حمایت از مجاهدین خلق هدیه به جمهوری اسلامی است. آیت‌الله‌ها تبلیغ می‌کنند که غرب از ایرانی‌ها تنفر دارد و دلسوز مردم ایران نیست. نزدیک شدن سیاستمداران آمریکایی به سازمان مجاهدین حتا اگر برای پول باشد به تبلیغات آیت‌الله‌ها کمک می‌کند.»

در این میان، رابرت مالی نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران اواسط بهمن‌ماه گفته بود آمریکا به دنبال تغییر رژیم ایران نیست اما انتقادات به وی آنقدر بالا گرفت که مجبور به عقب‌نشینی از گفته‌ی خود شد و اعلام کرد «او و دولت ایالات متحده نمی‌توانند ادعای صحبت کردن از جانب معترضان را داشته باشند و فقط مردم ایران قادر به انجام چنین کاری هستند.»

اما قصد عمل به وعده‌هایشان را ندارند.»
وی افزود: «توافق هسته‌ای از همان ابتدا به طرز غیرقابل تصویری ناقص بود. این توافق به خودی خود به تضمین مسیر آنها به سمت سلاح‌های هسته‌ای کمک کرد.»

لیبرمن نیز با تأیید اظهارات بولتون افزود: «این گسترده‌ترین خیزش علیه حکومت ایران است و بیش از هر زمان دیگری به رهایی مردم ایران از ظلمی که تحت آن زندگی کرده‌اند نزدیک است.»

جو لیبرمن در این ارتباط گفت: «زمان آن فرا رسیده است که دولت آمریکا اعلام کند برجام مُرده است و تحریم‌ها را بیشتر کند.»

این کنفرانس پس از آن برگزار شد که شماری از اعضای مجلس نمایندگان و ۴۷ سناتور ایالات متحده قطعنامه‌هایی را امضاء کردند که از خیزش مردم ایران با هدف سرنگونی حکومت حمایت می‌کند. برخی منابع از جمله وبسایت «نیوزمکس» گزارش داده‌اند که در این قطعنامه‌ها از برقراری یک «جمهوری دموکراتیک» در ایران حمایت شده و حاوی بندهای پیشنهادی سازمان مجاهدین خلق است. این درحالیست که نه فقط مقامات رسمی آمریکا بلکه سایر رهبران غرب که مسائل ایران را دنبال می‌کنند اعلام کرده‌اند انتخاب شکل آینده حکومت در ایران با مردم ایران است.

در همین ارتباط رجوی نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد که مفادی در قطعنامه‌ها به ابتکار او تدوین شده است. در کنفرانس مجاهدین شمار دیگری از مقامات سابق آمریکا از جمله ژنرال جیمز جونز مشاور امنیت ملی باراک اوباما و فرمانده پیشین ناتو از «رهبری مریم رجوی» در راستای یک ایران دموکراتیک قدردانی کرده‌اند! این ژنرال بازنشسته بارها به مناسبت‌های مختلف از کمپ مجاهدین در آلبانی موسوم به «اشرف ۳» بازدید کرده است. در ارتباط با چنین بازدیدها و کنفرانس‌هایی یادآوری

● روزنامه «نیویورک پست» گزارش داد که بولتن و لیبرمن در یک کنفرانس از خیزش مردم ایران حمایت کردند. کنفرانسی با سازمان مجاهدین خلق که مدعوین به اسم حمایت از خیزش مردم ایران به دنبال رهبرتراشی از مریم رجوی بوده و به تبلیغ جهت برقراری «جمهوری دموکراتیک» در ایران پرداختند.

● جان بولتون که گویا شعارهای مردم در خیابان‌ها را نشنیده یا به هر علتی ترجیح داده چیزهای دیگری بشنود، در بخشی از سخنرانی خود از تلاش‌های سازمان مجاهدین و مریم رجوی تشکر کرده و گفته آنها بخش اساسی از مبارزه هستند. وی همچنین گفته «بر اساس گزارش‌های دقیق سازمان مجاهدین اپوزیسیون داخل ایران می‌بینیم که مردم چقدر ناراضی هستند.»

● این کنفرانس پس از آن برگزار شد که شماری از اعضای مجلس نمایندگان و ۴۷ سناتور آمریکا قطعنامه‌هایی را امضاء کردند که از خیزش مردم ایران با هدف سرنگونی حکومت حمایت می‌کند. برخی منابع از جمله وبسایت «نیوزمکس» گزارش دادند در این قطعنامه‌ها از برقراری یک «جمهوری دموکراتیک» در ایران حمایت شده است.

● ژنرال جیمز جونز مشاور امنیت ملی باراک اوباما و فرمانده پیشین ناتو از «رهبری مریم رجوی» در راستای یک ایران دموکراتیک قدردانی کرده است! این ژنرال بازنشسته بارها به مناسبت‌های مختلف از کمپ مجاهدین خلق در آلبانی موسوم به «اشرف ۳» بازدید کرده است.

جان بولتون مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا و سناتور سابق جو لیبرمن با اعلام حمایت خود از اعتراضات ضدحکومتی در ایران اعلام کردند این خیزش به آغاز مرحله «تغییر رژیم» بسیار نزدیک است.

روزنامه «نیویورک پست» ۱۷ مارس (۲۶ اسفند) گزارش داد که بولتن و لیبرمن پنجشنبه در یک کنفرانس از خیزش مردم ایران حمایت کردند. کنفرانسی به نام مردم ایران اما به کام سازمان مجاهدین خلق که به اسم حمایت از انقلاب ضدحکومتی به دنبال رهبرتراشی از مریم رجوی و تبلیغ برقراری «جمهوری دموکراتیک» بوده است.

طبق گزارش وبسایت مجاهدین خلق، بولتون در سخنانش از تلاش‌های سازمان مجاهدین و مریم رجوی تشکر کرده و گفته آنها بخش اساسی از مبارزه هستند.

بولتون که گویا شعارهای مردم در خیابان‌ها را نشنیده یا به هر علتی ترجیح داده چیزهای دیگری بشنود در بخشی از سخنرانی خود گفته «علتی که ما الان می‌توانیم خوشبین باشیم [این است] که در ایران می‌بینیم فعالیت‌های مردم در شش ماه گذشته [بیشتر شده] ما اپوزیسیون داخل را می‌شناختیم آنچه که سازمان مجاهدین مدام از آنها گزارش داده بود و به‌صورت دقیق گزارش کرده بود... دیدیم که چقدر مردم به‌لحاظ اقتصادی ناراضی هستند از آخوندها و بی‌کفایتی‌شان آنها کشوری را فریب دادند.»

بخشی از صحبت‌های بولتون در مورد تهدیدات امنی جمهوری اسلامی بود که گفت: «برجام یک توهم است و از همان ابتدا هم یک توهم بود که برجام توانایی رژیم ایران را برای تولید سلاح هسته‌ای محدود می‌کند... آنها می‌توانند وعده‌های زیادی بدهند خیلی هم خوب این کار را می‌کنند

